پوهنتون کابل
پوهنځی ژورنالیزم

تعریف و تحلیل ژانر های مطبوعاتی

"سراج الاخبار"

پوهاند محمد کاظم "آهنگ"

کابل
۱۳۶۷

در هیچکس به چشم حقارت نظر مکن | تا در تو هم به دیدهء تحقیر ننگرند
زیرا که هر که هست ز درویش و پادشاه | چون نیک بنگری زیکی اصل و گوهرند

☆ ☆ ☆ ☆ ☆

من بندهء عاصیم رضای تو کجاست | تاریک دلم نور و ضیای تو کجاست
ما را تو بهشت اگر به طاعت بخشی | این مزد بود، لطف و عطای تو کجاست

☆ ☆ ☆ ☆ ☆

الهی تا توانستم ندانستم و چون دانستم نتوانستم

☆ ☆ ☆ ☆ ☆

الهی یقینی ده که در اوشک و ریا نبود و علمی ده که بی برق و ضیأ نبود

☆ ☆ ☆ ☆ ☆

الهی عبدالله را از سه آفت نگاهدار، از وساوس شیطانی و از هوا حبس نفسانی و از غرور نادانی

☆ ☆ ☆ ☆ ☆

دوست را از در بیرون توان کرد، اما از دل بیرون نتوان کرد



پوهنتون کابل
پوهنځی ژورنالیزم

تعریف و تحلیل ژانر های مطبوعاتی



"سراج الاخبار"

پوهاند محمد کاظم "آهنگ"

کابل
۱۳۶۷

نام کتاب: تعریف و تحلیل ژانرهای مطبوعاتی "سراج الاخبار"

تحقیق و نگارش: پوهاند محمد کاظم آهنگ

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

سال چاپ: ۱۳۸۱ خورشیدی (۲۰۰۲ میلادی)

کمپوز و دیزاین: ایوب شیردل "احمدزی"

چاپ و نشر: مرکز نشراتی صبا

آدرس: شماره خانه ۸۱، ایستگاه برج برق، کلوله پشته، کابل-افغانستان

شماره تیلفون: ۲۲۰۰۳۹۱ - ۳۱۵۰۷

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مندرجات

پــیــشــگفتــار

طی سالهای اخیر، مخصوصاً در پوتو انکشاف وسیع وسایل ارتباط همه گانی به سویه جهانی و در کشور خود ما افغانستان، دستیازی فراخ دانشمندان، محققان و پژوهشگران کشور به اثر های بی شمار ژورنالیستی در زبانهای گونه گون بین المللی و تالیف و ترجمهء اثر های بی شمار ژورنالیستیک در زبانهای ملی این کشور، قلم به دستان ما به فهم و آگاهی یک سلسله اصطلاحات، تیوریها و اساسهای تازه و نوین توفیق یافتند. آشنائی به این پدیده ها آنانرا یاری می بخشد تا اثر های ناب و ارزشمندی را در گونه (ژانر) های مختلف به وجود آرند، قلم و اندیشهء خود را هر چه فراختر جولان دهند و بسا آرزو هایی را که زمانی از گفتن آن عاجز بودند، به وضاحت بگویند.

شاید تعدادی از قلم به دستان ما چنین انگارند که این انکشافات تماماً از فرآورده های زنده گی کنونی جهان خبر نگاری کشور میباشد. شاید شماری از وطنداران ما که سخت به تاریخ و سابقهء فرهنگ کشور باستانی خود عقیده و ارادت دارند، چنین پندارند که در گذشته های روزنامه نگاری ما این پدیده ها پیدا نمیشد و این امر باعث تشویش و اندیشهء شان گردد. به اثر همین اندیشه ها و عوامل دیگر مسلکی بود که نویسندهء این اثر، در پهلوی کار های علمی و تحقیقی دیگر، به بررسی و تحلیل نوشته های ژورنالیستیک سراج الاخبار افغانیه پرداخت.

در جریان مطالعه و تحقیق، خوشبختانه، به گونه هائی در متن این اخبار دست یافت که هر کدام آن در نوع خود از ابتکارات عالی بر خوردار بوده و غالباً

منحصر به فرد میباشد. بنابران حرص این نویسنده افزون گردید و به تألیف چنین اثر پرداخت.

تألیف و تحریر این اثر از چندین جهت فرض ملی، وطنی و مسلکی نویسنده‌ء آن میباشد. پیرامون این جهات در مقدمه به تفصیل صحبت میشود، اما دو امر عمده را که، در این کار مشوق خیلی بزرگ من بوده است در همینجا تذکر دادن میخواهم. یکی اینکه باری با نوشتن این اثر حق پیشآهنگی بزرگ مردی چون علامه محمود طرزی را (به حیث پدر ژورنالیزم افغانستان) تا حدی به جا آورده باشم. دو دیگر، به حیث استاد ژانر های مطبوعات، وجیبه‌ء مسلکی خود را در برابر دانش آموزان، قلم به دستان و ارادتمندان انجام دهم.

کمال مسرت و خورسندی دارم که پوهنځی ژورنالیزم، پوهنتون کابل مرا یاری و تشویق کرد تا کار این اثر را تکمیل کرده و با اغتنام فرصت "به یک کرشمه دو کا را" به سر رسانم. یکی اینکه مطابق به پذیرش استادان پوهنځی ژورنالیزم این اثر تحقیقی را به حیث رساله‌ء ترفیع علمی خویش به رتبه پوهنوالی کاندید نمایم و دوم اینکه به چاپ و نشر آن پرداخته شود تا علاقه مندان از آن استفاده برند.

باید گفت که این اثر در دو فصل تألیف گردیده است. در فصل اول آن راجع به معنای ژانر، تصنیف و آموزش آن در کشور و چگونه گی به وجود آمدن ژانر های مطبوعات در سراج الاخبار روشنی انداخته شده است. در این فصل خواهیم دید که سراج الاخبار، آغازگر مطبوعات پیگیر در افغانستان میباشد. به همین ترتیب پیرامون اهمیت اجتماعی- سیاسی ژانر های مطبوعات در سراج الاخبار صحبت شده است.

در فصل دوم اثر، ژانر های مطبوعاتی گروه بندی و تصنیف شده ودرهر صنف آن در ارتباط به پدیده های اجتماعی - سیاسی، با مثالها و تحلیل همه جانبه، هر ژانر به تفصیل معرفی گردیده است.

در این مِوقع که این اثر تکمیل شده و برای بر آورده شدن اهداف مورد نظر پیشکش میشود، وظیفه خود میدانم تا با کمال ارادت از رهنماییها و همکاریهای دوست عزیزم پوهاند حبیب الرحمن هاله، که خود عمری را در پخش و نشر و تدریس اندیشهء علمی ژورنالیزم به سر آورده، ابراز سپاس نمایم.

از تمام استادان و هیئت اداری پوهنځی ژورنالیزم، که به نحوی از انحا در تکمیل این اثر مرا یاری کرده اند خورسندم و در اخیر سپاسهای گرم و بی پایان خود را به آن دانشمندان و محققانی تقدیم میدارم که اثر های گرانبهای شانرا، به حیث مروارید های کمیاب و تابان، مورد استفاده قرار داده ام و از سخنان و مشوره های گهربار شان سود فراوان برده ام.

پوهاند محمد کاظم آهنگ

خیرخانه

دلو ۱۳۶۷

مـــــقدمـــــه

منت مر آفریننده یی را که زبان و قلم را برای افادهء مرام و ثبت اندیشه های زمان به مخلوقات ذوی العقول به ودیعه گذاشت تا بگویند هر آنچه مر انسانرا ثمری دهد و بنویسند آنچه مر او را ممری باشد. این مخلوقات ذوی العقول یعنی انسانها از آفریده های آفریننده استفاده ها و استفاضه ها بردند، هستیها را زیر و رو کردند، ساختند و باز ساختند و راههایی را جستند تا خود شان و همنوعان شان ازان سود برند و توسن زنده گی را رام خود سازند، یکی از پدیده های عالی انسانی، که در دایرهء آفریده های اجتماعی مقام ارجمندی را میان انسانها کسب کرده است همین "صحافت" یا مطبوعات و به اصطلاح امروزی وسایل ارتباط همه گانی مطبوع میباشد.

واقعاً، همین وسایل مطبوع میباشد که به طور عموم شیوهء زنده گی و عنعنهء هزاران سال قبل جوامع انسانی را برای آینده گان ثبت میکند و انتقال میدهد. به صورت مشخص همین وسایل مطبوعست که قوانین، مقرره ها، طرز معیشت و روابط انسانها را از باستان زمان تا کنون دوران به دسترس استفادهء علاقه مندان میگذارد. همین وسایل مبطوعست که از پدیده های ناموافق زنده گی، از ظلم و اجحاف انسان بر انسان، از استبداد، از بهره گیری بهره کشان و از اسیر سازی استعمار گران ما را آگاه میسازد. همین وسایل مطبوعست که ما از ورای آن جریان بر خورد های ناهنجار طبعیت را در برابر انسانها و دهها پدیده و هستی دیگر در می یابیم و همین وسایل مطبوعست که مقاومتهای بی امان

انسانها را در برابر ناملایمات بی شمار زنده گی بر ملا میسازد و از پیروزیها، کامرانیها، تسخیر نیروهای قاهر طبیعت و رام سازی نیروهای وحشی به نفع انسانیت به ما باز میگوید.

جوامع انسانی هر کدام، متناسب با توان خود، در کار برد وسایل و امکانات مادی و تخنیکی، شیوه های گونه گون ثبت و انتقال واقعه ها و حوداث را، از ابتدایی ترین دورهء زنده گی تا پیشرفته ترین آن بنیان گذاشته اند. سالهای پیش از آنکه تسای لون (Tsai Lun) دانشمند چینی در حدود سال **۵**-۱ بعد از میلاد بنیان صنعت کاغذ سازی را گذارد، (۱) مردمان مصر قدیم اندیشه های شانرا، به گونهء اشکال و سمبولها، روی برگهای"پاپیروس" ثبت میکردند. (۲)

سالها قبل از آنکه جان گوتنبرگ المانی بین سالهای **۱۴۳۵** تا **۱۴۴۵** بعد از میلاد تک حرفهای فلزی را در طباعت بکار برد، غالباً پای چنگ (Pi-Cheng) یک دانشمند دیگر کشور چین این نوع حروف را ساخته و مورد استفاده قرار داده بود. (۳) به همین وتیره دانشمندان رنگ نوشتار و طباعت را ایجاد کردند؛ سمبولها و حرفها را برای افادهء اندیشه و فکر شان به میان آوردند و دیگر ایجابات طبع و نشر و اشاعهء فکر را ساز و سامان دادند. اما کاری را که جان گوتنبرگ المانی در پروسهء انکشاف طباعت أنجام داد واقعاً انقلابی را در ساحهء ثبت ونشر وقایع به میان کشید. با ایجاد حروف چاپی توسط این شخص وسایل طبع ونشر جسته جسته در تمام جوامع انسانی گسترش یافت.

صنعت چاپ در کشور خود ما، افغانستان، برای نخستین بار با تأسیس مطبعهء سنگی شمس النهار و مطابع سنگی مصطفاوی و مرتضاوی از سالهای

(1) Pocket Pal, a graphic art digest for printers and advertising production managers, Ninth Edition, N.Y.Feb.1966, P..6
(2) Encyclopedia Americana, (Papyrus) New York,1966 P.270-271
(3) Pocket Pal,... PP.8-9.

۱۲۶۰ و ۱۲۷۰ به بعد ترویج گردید. (۴)

با تأسیس این مطابع نخستین اخبار کشور ما به نام شمس النهار (۱۲۹۰ - ۱۲۹۵ هـ ق) به نشرات آغاز کرد و همچنان کتب و رساله ها و اوراق دفتر درین مطابع چاپ میشد و مورد استفاده قرار میگرفت. (۵) طی سالهای بعدی هم این پروسه ادامه یافت و هم طبع حروفی در ۱۲۹۱ هـ ش ترویج گردید.

در روند افهام و تفهیم تقریباً به گونهء ارتباط همه گانی (گامهای قبلی را هم بی تاثیر نمیتوان دانست) سراج الاخبار افغانیه نقش ارزنده یی را به یادگار گذاشت. این اخبار که طی سالهای ۱۲۹۰ - ۱۲۹۷ هـ ش (۱۹۱۱ - ۱۹۱۸) پیوسته و بدون توقف به نشر رسیده است، (۶) حقا که آغاز گر مطبوعات پیگیر و پردوام درین کشور بوده است. سراج الاخبار افغانیه ثمر بخشای ابتکارات و نو آوریهائی بوده است که نگارندهء آن علامه محمود طرزی (تولد اول سنبله ۱۲۴۴ وفات ۳۰ عقرب ۱۳۱۲ هـ ش) با این کار خود زندهء جاویدان است و امروز در قلب و دماغ هزاران ژورنالیست، ادب شناس، دانشمندان علوم اجتماعی و محققان و پژوهشگران جا دارد. سراج الاخبار و محمود طرزی ارزنده کار هائی را در پویه تاریخ ما به یادگار مانده اند که تحقیق روی همهء آن سالها پژوهش به کار دارد. درین اثر محض گوشه یی از کار سراج الاخبار را مشتمل بر معرفی، بررسی و تحلیل ژانر هاي آن مورد مداقه قرار میدهیم.

چرا ژانر های مطبوعاتی سراج الاخبار مورد تحیل قرار میگیرد؟ کدام تازه گی درین کار نهفته است؟

برای ارائهء پاسخ به پرسشهای بالائی، که اصلاً هدف این اثر را آشکار

(۴) محمد کاظم آهنگ. آغاز و انکشاف مطبعه در افغانستان، آریانا (مجله) شماره های ۲۹۰ – ۲۹۳، ۱۳۴۹ – ۱۳۵۰.

(۵) محمد کاظم آهنگ، سیر ژورنالیزم در افغانستان، کابل: انجمن تاریخ و ادب، ۱۳۴۹. ص ۱ – ۱۵.

(۶) محمد کاظم آهنگ. همان اثر ص ۴۴ – ۶۹.

میسازد باید گفت که: مخست، تا کنون همه اثر هاییکه پیرامون نقش و ارزش سراج الاخبار افغانیه نوشته شده به شیوهء تشریحی بوده است. (۷) تعدادی از دانش پژوهان هم به مقصد به دست آوردن درجه های ماستری و دوکتورا رساله های علمی شانرا محض به گونهء تشریحی و کرونولوژیک نوشته اند. به این ترتیب تا حال مخصوصاً در بخش کار های ژورنالیستی سراج الاخبار، که واقعاً خیلی بهت انگیز و مفید هم هست، به شیوهء تحلیل متن و ارزشیابی اسلوب نگارش آن کار اندکی انجام شده است. درین زمینه میتوان از اثر های تحقیقی صابر میرزایف نویسنده و دانشمند تاجکستان شوروی وقت نام برد. به نظر من عدم توجه به متن سراج الاخبار افغانیه نقیصهء بزرگی در شناخت متن این اخبار و تلاشهای پیگیر محمود طرزی به شمار می آید. بنابر این به مشورهء محققان، دانشمندان و استادان پوهنتون کابل اینک برای نخستین بار، این کار دشوار و سنگین را به عهده گرفتم و درین راه تازه نخستین گامی را به شیوه تحلیل متن و اسلوب نگارش برای فرونشاندن تشنه گی علمی دانش دوستان و قلم بدستان برداشتم.

ژانر های نشر شده در سراج الاخبار، اعم از ادبی و ژورنالیستی، حایز تازه-گیها و ابتکاراتی میباشد که جا دارد کلتور افغان به آن بنازد. محمود طرزی نگارندهء این اخبار همانطوریکه ایجاد گر نوشته های ناب ژورنالیستی میباشد، به همین و تیره آفریننده نظم فنی، نویسندهء پربار، ایجاد گر روحیه نوین نثر معاصر و مبلغ عالی مقام نیز بوده است. شاید بنابر همین امر باشد که ادبیات و نویسنده گان نامور کشور ما او را به حیث پدر نثر معاصر دری نیز خوانده

---

(۷) محمود طرزی، مقالات در سراج الاخبار (به کوشش دوکتور عبدالغفور روان فرهادی) کابل: اطلاعات و کلتور، موسسه طبع کتب بیهقی، ۱۳۵۵ ، ص ۸۶۰ - ۸۷۶ .

(۸) صابر مرزا یوف، م. طرزی و نقش او.

اند. (۹) بنابران حیف است که گوهر های این ایجاد گری ها و نوآوری ها نا سفته بمانند و دیده گان فرزندان کشور از نظارهء تلالوی آن بی بهره بپایند.

نوآوری های کار ژورنالیستی سراج الاخبار را بیشتر در نوشتن راپور تاژ، تبصره، مراسله، اوچرک، و بالاخص نوشته های طنزی آن نیک میتوان درک کرد.

در زمره تمام کار های پربار ژورنالیستی سراج الاخبار نوشتن پامفلیت را بالا میکشیم. زیرا درین ژانر واقعاً داد سخن را داده و شیوه های کاملاً منحصر به فردی را کار بسته است. یکی دیگر از تازه گیهای این اثر تحلیل و تشریح کلمهء ژانر میباشد.

اسلوب کار سراج الاخبار را نخست از همه قلم بدستان و کارمندان خود این اخبار رعایت کرده اند و به تعقیب آنان تعدادی از نویسنده گان دورهء اعلیحضرت امان الله (۱۲۷۷ – ۱۳۰۷ ش) چون محی الدین انیس (متوفی ۱۳۱۷ ش)، سرور جویا (۱۲۷۷ - ۱۳۴۰ ش) احمد راتب (متوفی ۱۳۱۵) و دیگران از آن به نیکویی پیروی کرده اند که نمونه های کار های ایشان در نشریه انیس (تأسیس ۱۵ ثور ۱۳۰۶) و نسیم سحر (تأسیس ۷ دلو ۱۳۰۶) به نشر رسیده است.

علت مهم دیگری که چرا این اثر وقف تحلیل و معرفی ژانر های مطبوعاتی سراج الاخبار شده این است که ژانر های منتشر در این اخبار نه به حیث ژانر محض و نه به حیث نوشته های بدون هدف و کیفیت نوشته و نشر شده اند، بلکه هر ژانر و هر نوشتهء این اخبار از هدفمندی و موقع شناسی خاص، که عمده ترین عنصر بلاغت در افهام باشد، بر خوردار بوده است. محمود طرزی

---

(۹) محمد حیدر ژوبل، نگاهی به ادبیات معاصر افغانستان، کابل ریاست مستقل مطبوعات. ۱۳۳۷ ص ۴۸ – ۵۲ و دایرة المعارف افغانستان. برخ ادبیات از قدیمترین دوره ها تا ظهور اسلام ص ۱۵۶ – ۱۵۷.

خود میگوید: "بشنو! که نوای هر نغمه را مقامیست و ذوق و آهنگ هر مقامی با وقت میعاد معین آن کامل و تمام، وقت چون مساعد آمد از فرصت استفاده کرده مقام مخصوصش را نواختن لازم می آید..." (۱۰)

محمود طرزی موقع شناس بود. او گاه نواختن هر نغمه را درست میدانست و تیر آهنگ خود را زمانی به کمانچه می نهاد که بر دلها بنشیند و از تأثیر خود نهاد ها را بجنباند. مقاله ها، تبصره ها و دیگر نوشته های او در سراج الاخبار همه هدفمندانه نوشته شده و به موقع به نشر رسیده است. از نوشته های ژورنالیستی و در خورد روز وی که بگذریم، حتی نوشته های علمی و تحقیقی او هم پرغنا و با آرمان نوشته آمده است؛ به طور مثال مقاله های علمی و تحقیقی او زیر عنوانهای "مطبعه و مطبوعات"، "طبابت و صحت"، "زراعت"، "خط آهن"، "علم اقتصاد"، "فلسفه و تاریخ"، صنایع"، "علم حقوق"، "علوم سیاسی" و امثال آن همه و همه به خاطر آن نوشته و نشر شده است که خواننده گان به خصوص هموطنان خود را از چنین موضوعات و مطالب آگاه سازد.

به همین ترتیب، هدفمندی نوشته های سراج الاخبار را در روحیه پیکار جویی آن در برابر استعمار میتوان درک کرد. این مسأله را در مطالبی زیر عنوانهای "آزادی آسیا و افریقا"، "آسیا باید از آسیاییان باشد"، "افغانستان و نعمت آزادی"، "استقلال افغانستان"، "شناخته شدن استقلال افغانستان"، "حی علی الفلاح" به وضاحت میتوان ملاحظه نمود.

هدفمندی نوشته های سراج الاخبار را در پیکار آن به خاطر تحقق آرمان نهضت مشروطه خواهان دوم میتوان پیدا کرد. همچنان هدفمندی ژانر های سراج الاخبار در این امر نهفته است که به وسیلهء هر کدام آن سبک تازهء ادبی و ژورنالیستی به کار برده شده است.

---

(۱۰) محمد کاظم آهنگ، په افغانستان کي د ژورنالیزم تاریخچه، (ترجمه به پشتو حبیب الله رفیع، کابل: د تاریخ ټولنه خپرونه، ۱۳۵۶، ص ۸۳.

سراج الاخبار غالباً اهداف خود را به صورت مستقیم و همه فهم بیان وافاده کرده است. اما گاه گاهی شکل کنایی بیان را هم مرکوب توسن اندیشهء خود قرار داده است. این یکی دیگر از نو آوریهای کار ژورنالیستی این اخبار میباشد. مختصر اینکه سراج الاخبار و نگارندهء آن ایجاد گر اکثر نو آوریهای ژورنالیستی و تبلیغی بوده واین امر را به شیوهء عالی انجام داده است.

ژانر ها چگونه معرفی و تحلیل شده اند؟

در پاسخ باید توضیح نمود که در گام نخست پیرامون مطالبی بحث و تحلیل به عمل آمده که عامل ایجاد و نشر ژانر ها شده است و هم راجع به نقش شخص محمود طرزی مطالبی تقدیم گردیده است. و همچنان پیرامون چگونه گی به وجود آمدن ژانر ها مطالب گسترده عرضه شده است. برای اینکه واقعاً معلوم شود آیا ژانر های سراج الاخبار چه اهداف را بر آورده اند و محتوای آنها از چه قرار است، بر اهمیت سیاسی و اجتماعی آنها روشنی انداخته شده است. گذشته از آن راجع به اینکه اصلاًفهم، آگاهی و تدریس ژانر های تبلیغی و مطبوعاتی در افغانستان چه وقت به عمل آمده هم معلومات گسترده تقدیم گردیده است. در حقیقت امر این مطالب همه به گونهء پیش در آمدی برای معرفی، تحلیل و بررسی متن ژانر ها تحریر یافته و تماماً در فصل یکم گنجانیده شده است. این مطالب به خاطر آن مقدم بر تحلیل ژانر ها آورده شده که چگونه گی، شرایط، هدفمندی، اجتماعی و سیاسی و امثال آن معلوم گردد و نیز فهمیده شود که چه نیازی در برابر سراج الاخبار موجود بوده که در پروردن ژانر ها بدین گونه ها دست یازد.

اصلاً تحلیل و معرفی ژانر ها در فصل دوم صورت میگیرد. در این امر نخست از همه ژانر ها مطابق هدف عمومی شان به دسته های جداگانه گروهبندی شده است؛ مانند: ژانر های اطلاعی، ژانر های تحلیلی و ژانر های تبلیغی بدیعی. نخستین دستهء آن زیر عنوان "ژانر اطلاعی و تفاوت آن با

گذشته"، معرفی گردیده است. هدف از این کار آن بوده است که کار سراج الاخبار به مقایسه با کار های دیگری بتواند مورد ارزیابی قرار گیرد و هم ارزشمندی و ثمر اجتماعی کار این اخبار بر ملا ساخته شود. در این بخش طوریکه ملاحظه خواهید فرمود خبر و راپورتاژ، یعنی همان ژانر های اطلاعی که در سراج الاخبار به نشر رسیده، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. برای تحلیل و ارزیابی عینی موضوع مثالهایی ارائه شده و هر مثال از نگاه ساخت ژانری و خصلت اطلاعی و کیفیت ادبی و ثمربخشی اجتماعی مورد بررسی قرار داده شده است. برای اثبات آفاقیت و همه جانبه بودن کار سراج الاخبار مثالهای گونه گون تقدیم گریده است.

در بخش دیگر دستهء ژانر های تحلیلی در ارتباط به نهضت مشروطه خواهی دوم در افغانستان مورد ارزیابی قرار داده شده است. البته مسأله مشروطه خواهی را به حیث نقطهء بارز کار سیاسی و اجتماعی محمود طرزی و سراج الاخبار در نظر گرفته ایم و در پهلوی آن نقش این ژانر ها را در پیکار نگارندهء اخبار در برابر استعمار، جهالت، خرافات، بیسوادی و امثال آن هیچ فراموش نکرده ایم. درین بخش هم مثالهای گونه گونی در هر مسأله مورد تحلیل عرضه گردیده است تا به صورت مشخص آرمان طرزی و ادعای ما فهمیده شود. به خاطر آنکه در حجم اثر افزایش به عمل نیاید مثالهای خود را جسته جسته از آغاز و وسط و انجام ژانر ها گرفته ایم و سعی شده است یکی دو مثال کوتاه را عیناً نقل کنیم.

در بخش سوم، دستهء ژانر های تبلیغی - بدیعی معرفی و تحلیل گردیده است. درین بخش هم عیناً بگونهء بخشهای دیگر مثالها ارائه شده و با در نظر داشت هر مثال ویژه گی و سبک نوشتار آن از نظر ژورنالیزم و سپس از نگاه کیفیت ادبی و امثال آن به تفصیل معرفی گردیده است.

در مورد ژانر هایی که خواننده گان محترم احیاناً به دانستن آنها احساس نیاز می کنند توضیحات لازم داده شده است. هنگام معرفی هر دسته‌ء ژانر ها، نخست از همه گفته آمده است که چند ژانر از گونه های مورد نظر در سراج الاخبار به ملاحظه رسید. دوم، سعی مزید به خرچ داده شده تا مزایای ژانر نشر شده بادر نظر داشت معیار های کنونی واحیاناً سایر شرایط روشن گردد. سوم، اهمیت اجتماعی و یا سیاسی هر ژانر واضح شده است. چارم، بر پیرایه های ادبی و ژورنالیستی هر ژانر تا جایی که ایجاب میکند مکث شده و به صورت مدلل شناختانده شده است.

در نتیجه باید گفت که هدف از نگارش این اثر چیز دیگری نبوده است جز معرفی و ارزیابی متن ژانر های مطبوعاتی سراج الاخبار که تا کنون روی آنها کار علمی نشده است. ژانر های نشر شده در متن سراج الاخبار شامل گونه هایی می باشند که در تاریخ ژورنالیزم این کشور، برای نخستین بار جلوه پیرای صفحات مطبوعات گردیده است. با معرفی و ارزیابی ژانر های مورد نظر، نشان داده شده است که چگونه سر زمین افغانستان، با آنکه زیر پاشنهء آهنین استعمار و ظلم و استبداد امیران ظالم، خود سر و لاقید خرد میشد، مردانی را در دامان خود پرورده است که داعیه و آرمان مردمان این سر زمین را به خاطر آزادی، صلح، ترقی و مساوات بی امان گفته اند و ذهن جهانیان را درین امور روشن ساخته اند. درین اثر میخوانیم که چگونه نگارندهء سراج الاخبار پیوسته زنان، مردان و جوانان این سر زمین را به بیداری و روشنگری دعوت میکند تا به خاطر دگر گونیهای معقول کمی و کیفی در جامعهء خویش به پیکار و مبارزه بپردازند. در این اثر می بینیم که چگونه نویسنده گان سراج الاخبار کلام خود را ماهرانه، پر تحرک، " ولوله انگیز" و اثر بخشا عرضه میکردند و درین اثر آمده است که تا چه حد کلام سراج الاخبار تازه گی و ابتکار دارد و تا کدام اندازه نوشته های آن عالی و منحصر به فرد است.

مسلماً آگاهی ازین اوصاف، جوانان، قلم به دستان و ژورنالستان ما را و امیدارد تا یک بار دیگر این اخبار را ورق زنند و خود ملاحظه بفرمایند که به راستی این صفتها در سراج الاخبار موجود است. با فهم این امر از نوشته های ابتکاری، از شیوه های نوگرایی، از طرق استادانه و از روشهای ماهرانهء استاد استادان ژورنالیزم کشور و پرباری او در شعر و ادب و اندیشه هایش در پهنهء سیاست بیاموزند و پیروی کنند.

فصل اول

سراج الاخبار و معرفی ژانر های مطبوعاتی در افغانستان

الف) مفهوم ژانر، گروهبندی ژانر ها و آموزش ژانر های مطبوعاتی در افغانستان:

اصطلاح ژانر در کتب لغت انگلیسی، به شکل نسبتی آن به قسم جنریک (Generic) به کار برده شده است. معادل این کلمه در زبان فرانسوی به گونه (Generigue) مأخوذ از کلمه لاتینی (Genre) آمده است.

کلمه ژانر (Genre) هم به معنای گونه و هم به معنای طبقه هر دو قابل استعمال میباشد. (۱)

معنی و تعریف ژانر در یک اثر طبع شده در آلمان دموکراتیک و ترجمهء آن به دری (۲) به شکل آتی آمده است: " کلمهء ژانر را میتوان به قسم چیزی مانند "گونه" یا "نوع" معنی کرد. اصطلاح ژانر از مدت زمان درازی بدینسو در هنر و ادبیات موجود بوده است. در این دو پدیده [هنر و ادبیات "آ"] ژانر به معنای انعکاس واقعیتها تعریف و تعبیر شده میتواند. این واقعیتها با داشتن خصلتهای مشخص از همدیگر تفاوت داشته میباشند؛ به طور مثال: رمان، درامه و شعر در ساحهء ادبیات؛ نقاشی، هنر های گرافیک و مجسمه سازی در ساحه هنرهای نفیس و سمفونی؛ آپراو آهنگ در ساحهء

---

(1) Webster's Seventh, Collegiate Dictionary, Massachusetts and C. Merriam

(۲) محمد کاظم آهنگ، ژانر های وسایل ارتباط همه گانی، (ترجمه از متن انگلیسی چاپ المان دموکراتیک وقت) کابل: پوهنتون کابل. ۱۳۶۳ ص ۱_۴ .

موسیقی از همدیگر تفاوت دارند و اما هر کدام آن شامل برخی از گونه های فرعی دیگر خود میباشد.

"اصطلاح ژانر در تیوری و پراتیک وسایل ارتباط همه گانی (که شکل دیگر ادبیات میباشد) به شیوه یی مشابه به ادبیات به کار برده میشود. ولی این گفته به هیچوجه معنای آنرا ندارد که معیار های ژانر های ادبی مساویانه بر ژانر های ژورنالیزم هم تطبیق میشود.

"پیشهء ژورنالیزم در حالیکه از ویژه گی خاص خود بر خوردار است، روی پرنسیپهای مستقل اتکاء دارد. بناءً گونه های نوین و مستقل اثر های ایجادی (که کاملاً، با ایجابات کار ژورنالیستی مطابقت دارد.) توأم با انکشاف مَطبوعات، رادیو، تلویزیون وغیره به طور استادانه به وجود آورده شده است." (۳)

تاکنون دانشمندان، به طور عموم، ژانر ها را به سه دسته تقسیم کرده اند: دسته اول عبارت است: از خبر، جریانات، مصاحبه و راپورتاژ؛ دسته دوم مشتمل است:

به مراسله، مقاله، نگارش (تبصره) خلاصهء مطبوعات و نامهء وارده و دستهء سّوم عبارت است از: لحظه، اوچرک (حماسه واقعی قهرمان)، و ژانر های طنزی شامل: پرودیه، ایپی گرام، کنایه، فلیتان و پامفلیت. (۴)

تدریس و آموزش مضامین" تیوری و پراتیک" (خبرنگاری، راپور نگاری، مجله نگاری، فیچر نویسی و امثال آن) از آغاز ایجاد دیپارتمنت ژورنالیزم در پوهنتون کابل (سال ۱۳۴۰). با اتکاء به منابع زبان انگلیسی، از طرف تنی چند از

---

(۳) همان اثر ص ۱-۲.

(۴) ابراهیم عثمان، کاظم آهنگ و عنایت رشید، ژانر های وسایل ارتباط همه گانی، کابل، پوهنتون کابل: ۱۳۶۰.

تحصیل کرده گان در خارج، تدریس میگردید. در بدایت کار از یکطرف منابع دیگر از سایر زبانها در اختیار کمتر بود و از جانب دیگر عدم تجربهء کافی و عدم آگاهی از منابع پربار و غنی پیشینهء ژورنالیزم کشور مدرسان و استادان را بران میداشت تا متکی به همان چند اثر محدود و تجربهء کمتر خود خبر، مصاحبه، راپورتاژ و بعضی گونه های دیگر را تدریس کنند. در همین آوان برای نخستین بار اثری به نام" اساسهای ژورنالیزم" (۵) تألیف و ترجمه گردید که متن آن کاملاً وقف معرفی خبر شده است. دومین اثر در رشته تیوری و پراتیک ژورنالیزم تحت عنوان" قواعد عملی خبرنگاری" (۶) با اتکاء به منابع و لکچر های محققان چکوسلواکی ترجمه و تألیف گردید. از متن هر دو اثر متذکره در لکچر نوتهای دری کورسهای خبرنگاری استفاده زیاد به عمل آمده است. این شیوهء کار ادامه یافت تا آنکه دانشمندان بعدی با استفاده از لکچر نوتها و کتب درسی قبلی و با استفاده از اثر های زبان انگلیسی، زبان تاجیکی و زبان روسی اثر تازه یی به نام "ژانر های وسایل ارتباط همه گانی" (۷) برای نخستین بار به صورت منظم و مکمل در داخل بابها و نامهای جداگانه، با معرفی همه جانبهء هر گونه (ژانر) تالیف وطبع شد. با طبع شدن این اثر علاوه به آنکه کار تدریس مطالب نظری و عملی بهتر شد، برای نخستین بار ژورنالیستان و دست اندر کاران جهان خبر نگاری این کشور با اصطلاحاتی چون ژانر، جریانات، مراسله، خلاصه مطبوعات، او چرک، لحظه، پامفلیت، فلیتان، ایپی گرام وغیره آشنا شدند. این گام تازه تغییر خیلی محسوس و بارزی را در ترتیب و تبویب مطالب

(۵) هر الدژالف، اساسهای ژورنالیزم، کابل: ریاست مستقل مطبوعات، ۱۳۳۹.

(۶) سلوای هشکوتس، قواعد عمل خبرنگاری، ترجمه به دری: محمد کاظم آهنگ، کابل آژانس باختر، ۱۳۶۰.

(۷) ابراهیم عثمان، کاظم آهنگ، عنایت رشید، ژانر های وسایل ارتباط همه گانی، کابل: پوهنتون کابل ۱۳۶۰.

مطبوعاتی به بار آورد. با نشر این اثر و تدریس آن در کورسهای مختلف علاقمندان و دست اندر کاران جهان ژورنالیزم دریافتند که کار و فعالیت آنان به چند اصطلاح مخصوص مانند خبر، مصاحبه، راپورتاژ، مقاله و تبصره خلاصه نمیشود، بلکه آنان مانند نویسندگان خلاقه زمینه های وسیع آفرینش در اختیار دارند و میتوانند عطش علمیٌ و هنری خود را با ایجابات ژورنالیستی خویش فرونشانند. کتاب ژانر های وسایل ارتباط همه گانی مرز های مشخص را میان گونه گونٔ ژانر های مطبوعاتی به وضاحت نشان داد. دیگر کارمندان جهان ژورنالیزم مقاله را از تبصره، داستان را از اوچرک، لحظه را از خاطرهٔ ادبی و بایوگرافی و امثال آن میتوانند فرق کنند. امروز نویسنده گان مطبوعات تفاوت طنز ادبی را از طنز ژورنالیستی میتوانند درک کرد و میتوانند گونه های مختلف طنز را در حالات گونه گون به اشکال مختلف ایجاد کنند و پیام خود را با تمام موثریت آن عرضه نمایند.

آموزش و تدریس ژانر های مطبوعاتی تنها به پوهنتون کابل محدود نماند، بلکه این ژانر ها با استفاده از منابع و تجارب نوین توسط استادان پوهنتون کابل در کورسهای قصیر المدت وطویل المدت اتحادیه ژورنالیستان افغانستان، وامثال آن تدریس شد. علاقه مندان تیوری و پراتیک ژورنالیزم به شکل نوین آن روز به روز بیشتر گردید. هر دست اندر کار و هر قلم بدست در فکر آن شد که چطور میتواند فهم تیوریهای نوین را حاصل کند تا به کمک آن مجهز تر درین عالم گام بردارد.

همانسان که علاقه مندان فراگیری تیوریهای نوین ژورنالیزم روز افزون بوده است به همان و تیره دانشمندان این پیشه به ترجمه و تألیف بیشتر اثر ها در زمینهٔ فراگیری ژانر های مطبوعاتی پرداختند. در کتاب" اساسات روزنامه نگاری" (۸)

(۸) ابراهیم عثمان و داود جنبش، اساسات روزنامه نگاری، کابل: پوهنتون کابل ۱۳۶۱.

یک بخش عمدهء آن به صورت مختصر وقف معرفی تعدادی از عام ترین ژانر های مطبوعاتی گردیده است. همچنان رسالهء کوچکی به نام "ژانر های وسایل ارتباط همه گانی" (۹) شامل معنی و مفهوم ژانر و طبقه بندی ژانر ها ترجمه گردیده و نشر شد. به همین ترتیب رسالهء دیگر تحت عنوان "مصاحبه به حیث وسیلهء به دست وردن اطلاع" (۱۰) ترجمه وطبع گردید. رسالهء دیگر درین پروسه تحت عنوان "نگارش" (۱۱) به طبع رسید. درین رسالهء تبصره و انواع آن، وظایف این ژانر با تأثیرات آن در پروسهء زنده گی اجتماعی- سیاسی معرفی گردیده است. همچنان "ژانر های طنزی در جریده وطن" (۱۲) شامل معرفی انواع گونه های طنزی در هفته نامه وطن (حمل ۱۳۳۰ - دلو ۱۳۳۰) طبع و توزیع گردیده است. رسالهء "او چرک" یا حماسه واقعی قهرمان (۱۳) اثر دیگریست که در پروسه طبع و نشر اثر های مربوط به ژانر های مطبوعات طبع و نشر شده است. درین اثر تعریف، سابقه، طرز تهیه مواد خام و شیوهء نوشتن اوچرک را با مثالهایی در مطبوعات افغانستان و مطبوعات خارج بیان شده است. همچنان به سلسله طبع و نشر اثر های تبلیغی - ادبی اثر دیگری زیر عنوان "خندهء سازنده" یا "پا مفلیت و فلیتان" از طرف اتحادیه ژورنالیستان افغانستان طبع و نشر گردید. در این اثر دو ژانر طنزی پامفلیت و فلیتان با ارائهء مثالهای زنده در مطبوعات افغانستان و مطبوعات خارج برای علاقه مندان عرضه

(۹) کاظم آهنگ. ژانر های وسایل ارتباط همه گانی، (ترجمه از متن انگلیسی چاپ المان دموکراتیک وقت)، کابل: پوهنتون کابل، ۱۳۶۳.

(۱۰) همان. مصاحبه... پوهنتون کابل ۱۳۶۳.

(۱۱) کاظم آهنگ. نگارش، (ترجمه از متن انگلیس چاپ المان دموکراتیک وقت).

(۱۲) محمد کاظم آهنگ ژانر های طنزی در جریدهء وطن، کابل: پوهنتون کابل ص یک تا اخیر.

(۱۳) دکتور اسدالله سعد الایف، کاظم آهنگ. او چرک، کابل: اتحادیه ژورنالیستان افغانستان، ۱۳۶۵.

گردیده است. (۱۴) در اثر دیگری زیر عنوان" فهرست اصطلاحات مطبوعات، چاپ و نشر" ژانر های مطبوعات به تفصیل معرفی گردیده است. (۱۵) قابل تذکر میدانیم که بر مبنانی این فهرست و دیگر اثر ها به اثر سفارش اداره‌ء تحقیق پوهنتون کابل اثر جامعی زیر عنوان "قاموس اصطلاحات مطبوعات" توسط نویسنده‌ء این اثر تألیف گردیده و در آینده طبع خواهد شد.

تألیف، ترجمه و طبع این اثر ها، نشانه‌ء بزرگ علاقه مندی استادان و دانش آموزان عرصه‌ء ژورنالیزم برای عرضه کردن و آموختن شیوه های نوین و مترقی ژورنالیزم معاصر میباشد. دانشمندان و قلم به دستان با مطالعه این اثر ها دریافتند که برای افاده و بیان فکر خود قالبهای خیلی ارزشمند و مناسبی در اختیار دارند.

باید گفت که آموزش و فراگیری ژانر های اطلاعی، تبلیغی و ادبی- تبلیغی نه تنها در ساحه‌ء مطبوعات به عمل می آید، بلکه با توسعه پذیری ساحه‌ء تحصیل و تعلیم ژورنالیزم و با ارتقای دیپارتمنت ژورنالیزم به پوهنځی (۱۶) در داخل پوهنتون کابل ایجاد دیپارتمنت رادیو- تلویزیون و سینما توگرافی یقیناً در کار معرفی ژانر های اختصاصی این ساحه توجه مبذول میگردد.

نتیجه این همه سعی و تلاش آنست که امروز، چه در روزنامه ها، چه در مجله ها و چه در رادیو و تلویزیون، قلم به دستان افغانستان به رقابت بر آمده اند و هر کدام میکوشد چگونه ایجاد و ابتکار را در ساحه‌ء کار خود به عمل آورد.

---

(۱۴) دکتور سعد الایف و کاظم آهنگ، خنده‌ء سازنده، اتحادیه ژورنالیستان افغانستان، ۱۳۶۵.

(۱۵) محمد کاظم آهنگ، " فهرست اصطلاحات مطبوعات چاپ و نشر" (ترجمه از متن انگلیسی چاپ آلمان دموکراتیک وقت) کابل: پوهنتون کابل ۱۳۶۳.

(۱۶) به اثر نیاز جامعه در سال ۱۳۶۵ پوهنځی ژورنالیزم مشتمل به دو دیپاتمنت به نام مطبوعات و رادیو تلویزیون تأسیس گردید.

آنان مساعی به خرچ میدهند تا راپور تاژی را با همه زیباییهای هنری و ادبی آن به نشر رسانند. آنان تلاش دارند قهرمانیهای هموطنان رزمجو و زحمتکش خود را در جبهات پیکار زنده گی در کارخانه ها و مزارع و غیره طی لحظه ها و اوچرکها با ابتکارات عالی آن بر ملا سازند و هم سعی دارند طی طنز های ناب مطبوعاتی نواقص و مشکلات جامعهء خویش را، اشخاص را وچهر های بوم صفت را به سویه بین المللی معرفی و افشاء سازند.

خوشبختانه در کار تشویق و ترغیب ژورنالستان کشور ما، اتحادیه ژورنالیستان افغانستان به یک سلسله ابتکارات دست زده است. این ابتکارات شامل برگزاری کورسها برای تدریس ژانر ها، طبع کتب و آثار ژورنالستی در ساحهء تیوری و پراتیک ژورنالیزم و راه انداختن رقابت میان ژورنالستان از طریق تعیین جایزه ها میباشد.

تنها مانعی که در کار پیاده کردن ژانر های مطبوعاتی و در امر تطبیق اساسهای ژورنالیزم در کار "صحافت" و دیگر بخشها وجود دارد همانا وجود اشخاص غیر مسلکی در وسایل ارتباط همه گانی میباشد. این اشخاص، علاوه بر آنکه خود شان، بدون آگاهی از تیوریهای ژورنالیزم و تبلیغ، مثمر ثمری شده نمیتوانند ژورنالستان مسلکی را هم مانع میشوند. امروز به صراحت می بینیم که دست اندرکاران نا آگاه از تیوریهای وسایل ارتباط همه گانی سر مقالهء هدفمند، مقالهء درست، راپورتاژ صحیح و غیره نمیتوانند بنویسند. اینگونه اشخاص با بهم پیوستن کلمه های قشنگ و فقره های زیبا وانمود میسازند که کار خوبی را انجام میدهند، در حالیکه در اکثر موارد به جای کلمه های زیبا و عباره های لطیف، منطق درست، تحلیل جامع و ابراز دلایل مقنع ارزشمند تر میباشد. ولی در هر حال ژورنالستان آگاه و پیکار علمی شان درین زمینه سبب خواهد شد که به زودی هر کس به مسلک و پیشهء خود اشتغال بورزد و ژورنالیزم را هم به اهل کار و پیشهء آن واگذارند. همچنان کار و پیکار اهل

خبره‌ء مسلک ژورنالیزم در زمینه‌ء معرفی ژانر ها، تیوریها و اساسات هنری و ادبی این مسلک و با نشاندادن نمونه های منحصر به فرد گونه های مطبوعاتی اهل این پیشه به ارزش و اهمیتا مسلک خود بیش از پیش پی خواهند برد و برای سلامت و ارزشمندی کار خود مبرزه و تلاش خواهند نمود.

در اخیر این بخش قابل یاد آوری میدانم که تا کنون این اثر نخستین اثریست که در کار تحلیل، ارزیابی و معرفی متن سراج الاخبار و نوشته های ایجادی محمود طرزی در جهان ژورنالیزم نشر میشود.

خدایا همان کن کـه پایان کار

تو خوشنود باشی و ما رستگار

ب) سراج الاخبار - آغاز گر مطبوعات پیگیر در افغانستان:

قدر مسلم اینست که مطبوعات در افغانستان، با نشر نخستین نشریه به نام شمس النهار، در سال ۱۲۹۰ هـ ق (۱۸۷۳ ع) شروع میشود. شمس النهار، بنابه عوامل نامیمون داخلی و خارجی (۱۷) بیش از سال ۱۸۷۸ دوام نتوانست و از بین رفت. با توقف آن، تا سال ۱۹۰۶ دیگر روزنامه، هفته نامه، ماهنامه و یا مجله یی در افغانستان نشر نشد. (۱۸)

با در نظر داشت شمار های موجودشمس النهار (در آرشیف ملی افغانستان) استدلال شده است که این اخبار (شاید به علت عدم موجودیت مواد کافی طباعتی مانند کاغذ، رنگ، ماشین، کارمندان شایسته وغیره) در یکدوره‌ء معین و منظم زمانی به نشر نرسید. شمار های آن نشان میدهد که گاهی بعد از یک وقفه یک هفته یی، گاهی پانزده روز و زمانی حتی زیاد تر از پانزده روز نشر

(۱۷) میر غلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، کابل: موسسه چاپ کتب. ۱۳۴۶. ص ۵۹۵ - ۶۰۸.

(۱۸) محمد کاظم آهنگ، په افغانستان کی در ژورنالیزم تاریخچه، (ترجمه پشتوی سیر ژورنالیزم در افغانستان) لومړی توک، کابل: د تاریخ ټولنه خپرونه ۱۳۵۶ ص ۱ - ۲۷.

میگردید. بناءً شمس النهار را میتوان نخستین نشریه کشور خواند ولی رویهمرفته اساسگذار یک سیستم پیگیر و منظم مطبوعات کشور نبوده است.
در سال ۱۹۰۶، پس از وقفهء ۲۸ سال، اخبار دیگری به نام سراج الاخبار افغانستان به نشرات پرداخت. این اخبار با مشی و هدف واقعاً ژورنالستی و مردمی پایه گذاری شد، ولی بیشتر از یک شماره نشر شده نتوانست. علت توقف این اخبار و شمس النهار را دانشمندان حمله و تجاوز انگلیس بر خاک افغانستان نشان داده اند. اما علت این مسأله به یقین معلوم نمیباشد. به هر حال، سراج الاخبار افغانستان در پروسه مطبوعات این کشور به حیث دومین اخبار میتواند قبول گردد (۱۹) ولی باز هم اخبار پیگیر و پر دوام نبود. درین قسمت با احترام به کار و پیکار قلم به دستان شمس النهار و سراج الاخبار افغانستان از حرف مزید پیرامون این دو اخبار صرف نظر مینمائیم و می پردازیم به اینکه چطور و چرا سراج الاخبار افغانیه آغازگر مطبوعات پیگیر و دایمی در افغانستان بوده است.
نخست از همهء سراج الاخبار افغانیه به دست شخصیتی افتتاح گردید که به عالیترین وجه از علوم عصر و دانستنیهای عنعنوی بهره مند بود. محمود طرزی به زبانهای دری، پشتو، ترکی، عربی، اردو و تاحدی فرانسوی وارد بود. (۲۰) این دانشها خود کافی بود که وی، با استفاده از منابع گونه گون از یک سو متن و محتوای سراج الاخبار افغانیه را پرغنا و ثمر بخش سازد و از سوی دیگر نشر این اخبار را با اطمینان علمی و فنی ادامه دهد. علامه طرزی مدتها در شهر

(۱۹) همان اثر ص ۳۹ - ۵۱.

(۲۰) پوهاند عبدالحی حبیبی، جنبش مشروطیت در افغانستان، کابل: کمیتهء دولتی طبع و نشر، ۱۳۶۳، ص ۱۰۳ - ۱۰۴.

هـای گـونه گون امپراتوری عثمانی به سر برد و به اکثر رموز و دقایق زنده گی مدنـی آشنایی پیدا کرد. با استفاده از زبانهای مختلف بـه روزنامـه هـا وسـایر نشریه های بین المللی آشناشده بود که این خود تجربهء کافی برای وی بود تا اخبار وطنی و ملی خودش را با محتوای کافی و شیوهء نگارش مطلوب به گیرنده گان آن عرضه کند.

محمود طرزی و خانوادهء او از دیر باز به مطبعه و مطبوعات، نویسنده گی و نشـرات سر و کـار داشـتند. برادران او همـه هـنگام امـارت امـیر عبدالرحمن در مطبعهء دارالسطنت کابل ایفای وظیفه مینمودند و او خود هم در کار طباعت و نویسنده گی ید طولا داشت. (۲۱) بناءً نشر سراج الاخبار افغانیه برای وی کاری ساده (از لحاظ علم و فن) ولی در عین زمان خیلی مشکل (از نظر سیاست و برخورد های زمامداران داخلی) به حساب می آمد. به هر حال، طرزی بزرگ تا زمانی به نشر این اخبار ادامه داد که به عبارت خودش می خواست "آرمان خود را" که تأمین استقلال کشور بود بر آورده سازد. (۲۲)

سراج الاخبار افغانیه به حیث یک اخبار پانزده روزه به نشرات آغاز کرد. و این خصیصه را تا آخر به صورت منظم حفظ نمود. همچنان این اخبار به وقت معین در ختم هر دو هفته از طبع بیرون میشد و برای علاقمندان عرضه میگردید یعنی در موعد نشر آن وقفه یا مشکل پدید نمی آمد.

وقتی سراج الاخبار متوقف گردید نه تنها امان افغان به حیث خلف الصدق آن پا به عرصهء وجود گذاشت و مانند سراج الاخبار روی اهداف والای وطنپرستانه، ملت گرایانه نشرات خود را ادامه داد، بلکه بیش از ۲۰ روزنامهء هفته نامه و مجله هم تأسیس شد و در مسلکها و رشته های عمومی و خصوصی کار و پکیار

---

(۲۱) محمد کاظم آهنگ، آغاز و انکشاف مطبعه در افغانستان، "مجله آریانا" شماره های ۲۹۰ ، سال ۱۳۴۹ ، ۲۹۱ سال ۱۳۴۹ ، ۲۹۲ سال ۱۳۴۹ و ۲۹۳ سال ۱۳۶۰ .

(۲۲) محمد کاظم آهنگ، په افغانستان کی د ژورنالیزم تاریخچه.. ص ۱۱۶ – ۱۱۷.

خود را ادامه دادند. (۲۳) تعدادی ازین نشریه ها تا کنون هم به عین نام و هویت افتخار ادامه نشر و خدمت به اولاد این سرزمین را دارند.
با نشر سراج الاخبار افغانیه، بنیاد های اساسی خبرنگاری در افغانستان گذاشته شد. علامه محمود طرزی از همان نخستین شماره (۱۶ میزان ۱۲۹۰ هـ) نشر خبر را بحیث غایه اولی نشریه خود قرار داد. البته در پهلوی خبر، مقاله، سر مقاله، نگارش (تبصره) نامهء وارده، مراسله، راپورتاژ، طنز های ژورنالیستی را به کیفیت خیلی عالی به نشر رسانیده است. در متن این اخبار ژانر های ادبی، ترجمهء احوال اشخاص، معرفی علوم و فنون جدید و به شیوهء مطبوعات کنونی ستونهای اختصاصی را به نشر رسانیده است. شیوهء کار طرزی در خبرنگاری مسلماً سرمشق آینده گان وقلم بدستان کشور ما بوده است.
سراج الاخبار افغانیه، مانند روزنامه های عصری، ضمیمه هایی را به نشر رسانیده و در اخیر هر سال نشراتی خود به علاقمندان عرضه می کرد. (۲۴) همچنان توأم با نشر آخرین شماره های ساله هفتم خود نشریهء پانزده روزه یی را به نام سراج اطفال (۱۵ میزان ۱۹۲۷) به عبارت محمود طرزی، به حیث تحفهء دایمی برای خواننده گان جوان (۲۵) نشر نمود. ضمیمه های سراج الاخبارافغانیه عبارت اند از: "علم و اسلامیت" و "آیا چه باید کرد" (سال اول) "ادب در فن" (سال دوم)، "توحید" (سال سوم)، "مختصر جغرافیای عمومی" (سال پنجم)، "فسفهء وطن" (سال ششم). و "سراج اطفال" (سال هفتم).
سراج الاخبار افغانیه نه تنها وسیلهء اطلاع، تبلیغ، ترویج و سازماندهی بوده

(۲۳) همان اثر.

(۲۴) دکتور روان فرهادی، مقالات محمود طرزی در سراج الاخبار، کابل: بیهقی کتاب خپرولو موسسه، ۱۳۵۵ ص ۱۱۷ - ۱۸۳ و ۲۸۳ - ۳۴۰.

(۲۵) محمد کاظم آهنگ، په افغانستان کی د ژورنالیزم تاریخچه... ص ۹۵ - ۱۰۲.

بلکه در این موسسه تعدادی از قلم به دستان و ژورنالستان برازنده هم تربیت شدند و در زنده گی آینده ء خود به حیث شخصیتهای برجستهء دانش، قلم، سیاست و اداره زمام امور را بعهده داشتند. عبدالهادی داوی، عبدالرحمن لودین، فیض محمد ناصری و عدهء دیگری از جملهء این اشخاص بودند.
مرحوم داوی بعد از توقف سراج الاخبار افغانیه مدتی به حیث مدیر مسؤول امان افغان ایفای وظیفه مینمود. وی در طول عمر خود قلم را به دست داشت و آثار جاویدان از خود به یادگار گذاشت (۲۶) به همین ترتیب عبدالرحمن لودین نه تنها به حیث ژورنالیست عالیمقام از سراج الاخبار فیض برد، بلکه شخصیت سیاسی و مبارزات مترقی و بی امان او مقام والای او را تاکنون در دل و دماغ اولاد افغان زنده نگهداشته است (۲۷) فیض محمد ناصری، علاوه بر آنکه هنگام نشر سراج الاخبار به حیث ترجمان و محرر درین اخبار کار میکرد، هنگام اغتشاش داخلی ۱۳۰۷ هـ. ش هفته نامه یی را به نام پشتوء به ضد اغتشاش کننده گان هم نشر نمود. (۲۸) فوتوکاپی نخستین شمارهء این هفته نامه را مرحوم زمریالی ناصری پسرش در اختیار نویسنده این اثر گذاشته است که فعلاً در کتابخانهء شخصی وی محفوظ میباشد. نویسندهء " د افغانستان ژورنالیزم مخکشان" با شک و تردید فیض محمد ناصری را با فیض محمد ذکریا اشتباه کرده است.
همچنان شخصی به نام علی محمد که او هم از شاگردان ممتاز مدرسهء حبیبیه بود با سراج الاخبار همکاری داشت.

---

(۲۶) زرین انخور، د افغانستان د ژورنالیزم مخکشان، کابل: کمیتهء دولتی طبع و نشر، ۱۳۶۵. ص ص ۶۸ - ۸۶.

(۲۷) همان اثر ص ۸۷ - ۱۰۰.

(۲۸) همان اثر ص ۲۹۹ - ۳۰۰.

شخصیتهای برجسته علمی و ادبی کشور، چون مولوی عبدالروف کندهاری (۲۹) و مولوی عبدالرب، مخصوصاً در تهیه و تدوین بخشهای ادبی سراج الاخبار از همکاران خوب علامه طرزی بودند.
در مورد صحافت و صفحه بستی سراج الاخبار افغانیه، که برای مدتها به حیث رهنمای خبرنگاران کشور ما باقی ماند، اینقدر میتوان گفت که درین مسأله نخست از همه اندازهء کاغذ، دوم اندازهء ماشین، سوم امکانات کار برد تنوع حروف نقش برازنده داشت. محمود طرزی و ذوق هنری و زیبا پسندی او درین مورد تأثیر ارزنده بجا گذاشته است. در عین حال ابتکار محمود طرزی را در امر استخدام تعدادی از هنرمندان زنگوگرافی، عکاسی، خطاطی و دیگر هنر ها از کشور ترکیه قابل هر نوع تقدیر میدانیم. نقش این هنرمندان را در امر انکشاف صحافت و صفحه بستی، ترویج نشر فوتوها، خطاطی عنوانها، کار برد جدولها برازنده میتوان تلقی کرد. (۳۰) بالاتر از همه نقش شخص محمود طرزی در کار برد جدولهای تزئینی، کاریکاتور ها و عنوانهای تزئین شده خیلی مهم بوده است. (۳۱) برای احترام به ذوق و نیاز خوانندگان و برای توسعه بخشی هر چه بیشتر خواننده گان آن مدیر و سر محرر سراج الاخبار افغانیه با تعداد زیاد اخبار عربی، هندی، ایرانی، روسی، آسیای میانه وغیره ارتباط تبادلوی قایم کرده بود. هدف ازتأمین ارتباط در گام اول اقتباس بهترین و جالبترین مطالب از آن اخبار ها بود و همچنان با بدست آوردن نشریه های مذکور آگاهی حاصل میکرد که کدام یک به ضد افغانستان چه نوع مطالب را به نشر میرساند تا آنرا پاسخ دهد.
چنانچه طرزی در آغازین مقالهء خود گفته است: "اخبار چنان یک تیغ عریان



(۲۹) محمد کاظم آهنگ په افغانستان کی د ژورنالیزم تاریخچه ص ۱۰۸ - ۱۱۰.
(۳۰) محمد کاظم آهنگ، آغاز و انکشاف مطبعه در افغانستان، "آریانا"....
(۳۱) محمد کاظم آهنگ، په افغانستان کی د ژورنالیزم تاریخچه... ص ص ۵۶ - ۶۱.

برانیست که زبان بد خواهان غلط اندیش وطن را مقطوع میسازد. چقدر تحمل سوزیک حالتیست که انسان در حق خود، بسا سخنان راست و دروغ دور و نزدیک از خود و بیگانه را بشنود و زبان رد کردن و توان دفع کردن آنرا نداشته باشد. این است که اخبار یک زبان سحر بیان مدافعه ییست که اقوال اراجیف بدگویان را رد میکند.." (۳۲) واقعاً هم سراج الاخبار غالباً مطالب نشر شده در اخبار های خارجی را، که به ضد افغانستان به نشر میرسید، اقتباس میکرد و به صورت منطقی و مستدل به رد آن می پداخت.

سراج الاخبار افغانیه به سویه ملی و بین المللی خواننده داشت. اما قدر مسلم اینست که تیراژ سراج الاخبار چندان زیاد نبود. اسناد و شواهد نشان میدهد که تیراژ سراج الاخبار تقریباً به یکهزار و ششصد شماره بالغ میشد. از جمله یکصد شماره‌ء آن به قسم تک فروشی به اصطلاح سراج الاخبار "خوش خرید" عرضه میگردید و بقیه را صاحب منصبان اردو و مامورین دولت اشتراک میکردند. پول اشتراک از معاش آنان وضع وبه حساب اخبار انتقال میافت (۳۳) و اما در مورد اینکه سراج الاخبار در خارج کشور هم خواننده داشت از اعلانی فهمیده می شود که طی سال دوم در پشتی اخبار نشر میشد. درین اعلان علاوه به آنکه قیمت اشتراک و محل اشتراک اخبار معرفی میگردید، قیمت اشتراک آن مخصوصاً برای هند، ایران، ترکستان روسی و اروپا هم معرفی میشد. درین اعلان نماینده گان اخبار در پشاور، غلام حیدر خان، در مشهد، عبدالله خان و در بخارا، حاجی غلام نبی خان معرفی شده اند. گذشته از آن خواننده یی از ترکیه، چیستانی را جهت نشر به اخبار فرستاده بود که نشر گردید. به همین ترتیب اخبار های خارجی پیرامون سراج الاخبار افغانیه و مدیر آن مطالب

(۳۲) دکتورروان، مقالات محمود طرزی... ص ص : ۴۸ - ۴۹.

(۳۳) محمد کاظم آهنگ، په افغانستان کی د ژورنالیزم تاریخچه ... ص ص ۷۳ - ۷۴.

و تبصره ها را نشر کرده اند که همهء آن نشان میدهد سراج الاخبار در خارج خواننده داشت (۳۴) توزیع و فروش سراج الاخبار افغانیه در قلمرو روسیه تزاری و هند برتانوی مسلم بوده است، زیرا چنانکه دکتور روان فرهادی مینوسید :"سراج الاخبار به زودی در هند و دولت تزاری میان آزادیخواهان و به طور خاص آزادی خواهان مسلمان شهرت یافت. حکومتهای هند برتانوی و حکومت تزاری ازین احوال دوچار نگرانی شدند..." (۳۵) درین زمینه محمود طرزی زیر عنوان سرگذشت سراج الاخبار خود نوشته است: "... مسلمانان ترکستان روسی به این جریده وطنیه افغانیه، از آغاز انتشار آن، یک حسن توجه ابراز فرمودند. پنجاه شصت مشتری در بخارا و سمرقند وغیره به اشتراک سراج الاخبار افغانیه عرض تواضع فرمودند... همه اخبار های اسلامی که در ماورالنهر زمین نشر میشد به مبادلهء جریدهء وطنیهء ما مسارعت ورزیدند. به اینصورت یک مبادلهء افکار، یک شناسائی بدون دیدار، به حصول می آمد که این مسأله ها هیچگاه به سیاست روس موافقت نمی نمود.

ازین بود که در اواخر سال دوم دخول سراج الاخبار افغانیه را در ممالک خود منع و یا سانسور نمود. کذا سر از اواسط سال سوم، تا به حال، چند بار از طرف حکومت انگلیس به هند نیز تشبثات و اقدامات مجدانه در خصوص قلع و قمع این گرامی نامه، از بیخ و بن کوشش شده و میشود. حتی درین روز ها، بعضی مسموعاتی دایر است که سراج الاخبار افغانیه در هندوستان به قرار سابق آزادانه سیر و سیاحت نمیتواند. بسیار خوبست نتواند!... این چیز ها به جای اینکه موجب تأثر و انفعال سراج الاخبار افغانیه شود، بالعکس سبب اعتماد بر نفس و دستیابی حصول به مقصد را مساعد میکند..." (۳۶)

(۳۴) همان اثر ص ص ۷۴ - ۷۵.

(۳۵) مقالات محمود طرزی در سراج الاخبار ... ص ص ۸۳۱ - ۸۳۳.

(۳۶) سراج الاخبار، شمارهء اول، سال ششم، ۲۴ اسد ۱۲۹۵ ص ۱۰ ستون اول.

پیرامون نشر و توزیع سراج الاخبار افغانیه در خارج کشور، مرحوم عبدالحی حبیبی هم مطالب دلچسپی را درج کرده است. وی زیر عنوان "تأثیر فکری سراج الاخبار در خارج" مینگارد: "سراج الاخبار تنها در داخل مملکت یگانه منبه و جنبش بخشای فکری نوجوانان و مشروطه" خواهان نبود، بلکه در محافل آزادی خواهان هند و مشروطه طلبان ایران و جوانان آسیای میانه که در شعله های آتش استعمار یا استبداد شاهان خود سر و خود خواه میسوختند نیز جنبش آفرین و روان بخش بود." (۳۷) مرحوم حبیبی ضمن اقتباس مختصری از " پامفلیت" حی علی الفلاح با اتکاء به اثر ماسون در تاریخ افغانستان علاوه میکند:"در فبروری ۱۹۱۷ م. جنرال کورا پاتکین حکمران روسیهء تزاری در ترکستان، تلگرامی به نمایندهء روسیه، تومسکی، که در هند بود فرستاد: که شماره های سراج الاخبار در بخارا و بلاد دیگر ترکستان منتشر می گردد و از مقالات آن احساسات ضد روسی و بریتانوی در مردم به جنبش آمده است. بنابر این باید دولت هند بریتانوی بر امیر افغانستان فشار آورد، تا این جریده خط مشی تبلیغی خود را تغییر دهد." مرحوم حبیبی برای تصدیق مزید کلام بالایی سخنانی را از زبان مرحوم صدرالدین عینی اولین رئیس اکادیمی علوم تاجکستان شوروی در ۱۳۲۵ در شهر سمرقند نقل قول میکند: " درایام حکمرانی امیر اخیر بخارا، جوانان تاجک بیدار شده و او را به اصلاحات جدید و تأسیس مکاتب و آزادی مطبوعات واداشته بودند. چون سراج الاخبار کابل و نوشته های محمود طرزی هم به ما میرسید و آنرا اندر خفا میخواندیم، گماشته گان امیر بخارا نمی گذاشتند و خواننده گان سراج الاخبار را تعقیب و تنبیه میکردند، خوب به یاد دارم که روزی فطرت بخارا یی یک شماره سراج الاخبار را در حجره مدرسه بخارا به من رسانید و در همان دم جاسوس امیر بخارا به تعقیبش

(۳۷) پوهاند عبدالحی حبیبی، جنبش مشروطیت در افغانستان، کابل: کمیتهء دولتی طبع و نشر ۱۳۶۳ ص ۱۱۶.

آمد. ولی من آن شماره را در لحاف پیچانیده و از نظر ها مخفی نگهداشته بودم. اکثر شعرای جوان تاجک به پیروی اشعار تنبیه آور سراج الاخبار شعر های سرودند و جوانان تاجک آنرا از بر میکردند، پیام سراج الاخبار در جوانان ماورالنهر خیلی تأثیرات نغز و نیکوداشت." (۳۸)

همچنان مرحوم حبیبی با اتکاء به اسناد محرمانهء ۲۱ جولای ۱۹۱۶ محفوظ در آرشیف ملی هند (شعبهء داخلی سیاسی) مینویسد که شماره های سراج الاخبار علاوه بر آنکه در داخل افغانستان و قبایل پشتو زبان سرحدی علاقه مندان زیاد داشت، مطالب آن اقتباس شده و در روزنامه ها و هفته نامه های هند وپارس و کشور عثمانی هم چاپ میشد. لذا وی. ام. نیلی به اصطلاح چیف کمشنر دهلی در سپتامبر ۱۹۱۴ م. به Sir Charles Cleveland سرمامور اطلاعات جنایی نوشت: "چون لهجهء سراج الاخبار به کلی منافی منافع ماست، باید ورود و توزیع آنرا در هند ممنوع قرار دهیم." (۳۹) بنابر همین علت بود که نایب السلطنت هند در دسامبر ۱۹۱۴ از امیر افغانستان خواست تا چنین مقاله ها در سراج الاخبار نشر نشود و امیر هم وعده داد که چنان میکند. اما لهجه اخبار و کار و پیکار محمود طرزی نه تنها خلاف آرزوی انگلیس و وعدهء امیر مانند سابق ادامه یافت، بلکه شدید تر گردید. اما حکمران انگلیس در هند هم" سیاست نرمش" اختیار کرد زیرا او به این عقیده بود که تند روی در برابر اخبار مذکور" موجب شدت عمل گروه طرفدار جنگ در کابل خواهد بود" (۴۰)

محمود طرزی در اوایل جدی ۱۲۹۰ خود پیشبینی کرده بود که مقامات هند برتانوی در پی سقوط سراج الاخبار میباشند. چنانچه در نوشته یی تحت عنوان " مصاحبهء قلمیهء سراج الاخبار به اخبار" ایدوگیت" نوشته است:" ایدوگیت میگوید: سزاهای افغانستان نسبت به سزاهای عهد کمپنی در هندوستان در باره

(۳۸) همان اثر... ص ص۱۱۷ - ۱۱۹.

(۳۹) همان اثر ص ۱۱۹.

(۴۰) همان اثر ص ۱۲۰.

مطابع (مطبوعات) سخت تر است.
"سراج الاخبار میگوید: به این فقره"ایدوگیت" در ظاهر حال گویا یک خیر خواهی و رهنمایی برای حکومت ما نموده ولی ضمناً حکومت را بر سراج الاخبار بدگمان کردن و محو کردن آنرا ایما کرده اند" (۴۱)
در آغاز سال هشتم، سراج الاخبار، به معضله هایی روبرو گردید که هستی آنرا تهدید میکرد، به طور مثال: گرانی کاغذ، چاپ و دیگر لوازم، زیادت مخارج، انتقال اداره آن از مطبعه ماشینخانه به خارج آن و عوامل دیگر باعث آن شد که سراج الاخبار پس از نشر شماره ششم سال هشتم متوقف گردد. (۴۲)
قابل تذکر است که مندرجات و محتوای سراج الاخبار نه تنها علیه انگلیس ابراز میشد بلکه تمام نیروهای استعماری وقت هدف آن بود.
داکتر روان فرهادی یادداشتی را پیرامون علاقمندی جوانان نیم قاره هند به سراج الاخبار چنین حکایت میکند: شماره های سال چهارم سراج الاخبار که جریان جنگ اول جهانی را درج میکرد، علاقه مندی محصلان پوهنتون پشاور را به خود جلب کرده بود. به حدی که محصلان مذکور ورقهای اخبار را از هم جدا میکردند تا دریک وقت چندین نفر آنرا بخوانند. در یادداشت آمده است که به خواندن هر صفحه آن حتی چار نفر در یک وقت می پرداختند. (۴۳)
قرار گفته شفاهی دوکتور حیدر مسعود، عضو اتحادیه ژورنالستان افغانستان، روسیه تزاری به وزارت خارجه ترکمنستان دستور داده بود تا آگاهانه در برابر سراج الاخبار بر خورد نماید و از تأثیرات تبلیغی آن علیه دولت تزاری بر حذر باشد.

---

(۴۱) سراج الاخبار، شماره ۸، سال اول، ۲۰ جدی، ۱۲۹۰، ص ۶ ستون دوم.
(۴۲) همان، شماره اول، سال هشتم، ۱۵ میزان، ۱۲۹۷ ص ۱ - ۲، ستون ۱ - ۲.
(۴۳) محمود طرزی، مقالات... ص ص ۸۳۲ - ۸۳۳.

نقش سراج الاخبار در سازماندهی روشنفکران و قلم بدستان خیلی برازنده و پر اهمیت بوده است. محمود طرزی، مدیر این اخبار، به حیث رهبر و عضو فعال مشروطه خواهان وقت، در سازماندهی و وحدت بخشی روشنفکران و قلم بدستان آنقدر فعالانه و آگاهانه حرکت میکرد که حتی میتوان گفت او کاملاً وقف جنبش مشروطه خواهی بود.

سراج الاخبار ایجادگر روحیهء نوین تبلیغ و ترویج به حساب میآید. نشر ستونهای اختصاصی" ناموران زنان جهان"، "علم ثروت"، "متخصصین جاپان" و معرفی مقدمهء علوم و فنون عصر باز گویندهء آنست که سراج الاخبار میخواست روحیهء نوین و عصری زنده گی را در دماغ باشنده گان افغانستان تزریق نماید. نشر خبر هایی پیرامون اغتشاشات ملل گونه گون علیه استعمار گران وقت خود گویای این مطلب است که نویسندهء سراج الاخبار به صورت غیر مستقیم ملت افغان را تلقین و تحریک میکرده است تا در برابر استعمار گران روحیه مخاصمانه اتخاذ کنند و علیه آن قد علم نمایند. همانطوریکه قبلاً اشاره نمودیم، سراج الاخبار، مطالب نشر شده به ضد افغانستان را از روزنامه ها و نشریه های سایر کشور ها اقتباس میکرد و طی مقاله ها و سرمقاله ها به پاسخ آنها میپرداخت. مختصر اینکه در مقاله ها، سرمقاله ها و اکثر نوشته های این اخبار روحیه تجدد پسندی، تلقین و تبلیغ میگردید. نویسنده گان آن سعی میکردند مطالب خود را با زنده گی و منافع مردم توأم سازند. آنان از مردم میآموختند و مردم را آگاه می نمودند. طوریکه مارکس گفته است: " مطبوعات مانند زنده گی پیوسته در تشکل است و این امر به هیچوجه پایان ندارد. مطبوعات در میان مردم زنده هست و به صورت عادلانه در بر آورده سازی آرزو و امید، خوشبختی و بدبختی، خصومت و محبت میان مردم سهم میگیرد، و همین پدیده ها را انعکاس میدهد." (۴۴)

(۴۴) مارکس وانگلز، کلیات، جلد اول، ص ۶۶ (روسی)

سراج الاخبار از آغازین دورهء حیات خود پیوسته در تشکل و پیشرفت بود و میان مردم دوستان و علاقه مندان آن هر روز نسبت به روز پیشین افزونتر میشد. آرزوها و خواستهای مردم را، کشور و انسانیت را پیوسته بر آورده میساخت. بنابر آن به جرأت میتوان ادعا کرد که سراج الاخبار آغاز گر مطبوعات پیگیر و هدفمند در افغانستان بوده است. سراج الاخبار در امر تشکل و سازماندهی مردم این سرزمین، مخصوصاً رهبران فکر و پیشگامان نهضت مشروطه خواهی نقش برازنده داشت. سراج الاخبار نه تنها خود تا همین اکنون به حیث برازنده ترین نشریهء کشور زنده و ماندگار است بلکه عنعنهء زندهء پیکار جویی و مبارزه را میان مردم این سرزمین تزریق و تلقین کرد و به آینده گان انتقال داد.

این عنعنه، با وجود اغتشاشات خانه ویران کن و با وجود مداخله ها و دست درازی نیروهای استعماری، میان جوانان و پیکار جویان، زنده ماند و جسته جسته از طریق مطبوعات انعکاس داده شد.

ج) ژانر هاي مطبوعاتي در سراج الاخبار

۱: ژانرهاي اطلاعي.

متن سراج الاخبار نمایشگر آنست که از جملهء ژانر های اطلاعی (یا ژانر های خبری)، خبر و راپورتاژ وسیعاً درین اخبار به نشر رسیده است، در حالیکه ژانر های مصاحبه و جریانات در آن دیده نمیشود.

خبر در سراج الاخبار، به طور عموم، در داخل دوبخش به نشر رسیده است که این دوبخش عبارت اندازخبرهای داخلی و خبرهای خارجی.

تحت عنوان خبر های داخلی، تمام اطلاعاتی را میتوان ملاحظه کرد که در مرکزوولایات کشوربه وقوع می پیوست. تعدادخبرهای داخلی در ین نشریه طی سالهای نخست نشراتی آن به تناسب خبرهای خارجی خیلی کم بود.در همین سالها خبرهای داخلی غالبا وقف مسایل رسمی میگردید و بیشتر مطالب مربوط به دربار دران نشر میشد. این مساله در گام اول شاید ناشی از قلت پرسونل و امکانات جمع آوری خبر بوده باشد. همچنان عدم موجودیت وسایل حمل و نقل عصری و وسایل مخابره دران تاثیر زیاد داشته است. ولی در عین حال باید گفت که نشر تعداد زیاد خبرهای رسمی و دولتی ناشی ازین بوده است که نگارندهء اخبار میخواست اعتماد در بارو درباریان را جلب کند تا بعدا با روحیه نسبتا آزاد تر خبرهای مربوط بـه علایق نسانی و زنده گی مردم راهم نشرنماید و در کنار آن به نشرمطالبی بپردازد که داعیه نهضت مشروطه خواهی راتقویه کند. درین ارتباط باید گفت که دربدایت کار شخصی به نام علی احمدایشک آقاسی (*) به نام ((سرنگران)) اخبار مقرر گردیده بود. همین علی احمد سرنگران

(*) بعدا به نام والی علی احمداورامی شناختند.

مسؤول جمع آوری خبر های رسمی دولت هم بود. (۴۵) وقتی تقریبا دو سال از نشر سراج الاخبار سپری شد، علی احمد طی نامه یی عنوانی محمود طرزی چنین نوشت: ((چون سراج الاخبار، یک اخبار ملتی میباشد و سر کاریست، در اول نشر اخبار مذکور که شما برای سر نگرانی مراتکیلف کردید، خیال من بود که قبول نکنم. چون شروع اخبار بود، هرگاه قبول نمی کردم، البته خلل در شیوع اخبار موصوف پیدامیشد.

((الحال که مدت یکسال و نه ماه از نشر اخبار گذشته و فضل الهی، کار آن رونق پیدا نموده من خود راان منصب سرنگرانی سراج الاخبار افغانی سبکدوش کردم و نمیخواهم که منصب سرنگرانی سراج الاخبار را بعد از این قبول کنم. تا حال هم به غیر ازقسم اغرازی که اسم من ((سرنگران)) بود دیگر کاری به اخبارموصوف نداشتم و الحال خود را از منصب سرنگرانی سبکدوش کردم.)) (۴۶) در یادداشت مذکور عباره های ((مراتکلیف کردید)) و ((خیال من بود که قبول نه کنم)) عباره های فریبکارانه معلوم میشود، زیرا جمله ء بعدی آن که میگوید: ((چون شروع اخبار بود اگر قبول نمیکردم در نشر اخبار خلل ایجاد می شد)) خود گواه آن است که اصلاً در آغاز امر دربار وامیر بالای محمود طرزی اعتماد نداشتند بنا بران شخصی را که مقرب دربار و از اهل خانواده ء آن بود به حیث ((سرنگران)) مقرر کرد. بعدا وقتی علامه طرزی لیاقت وکاردانی خود را به اثبات رسانید علی احمد که به گفتهء خودش ((قسم اعزازی)) مقرر شده بود سبکدوش گردید.

خبر های داخلی و غالبا خبر های رسمی دولت را محمود طرزی خود هم جمع

---

(۴۵) سراج الاخبار، شماره دوم، سال دوم، ۲۰ میزان ۱۲۹۱.

(۴۶) محمود طرزی، مقالات... ص ۵۸.

آوری و ترتیب میکرد، زیرا در شماره‌ء دوم سال دوم اخبار آمده است: ((همه مقاله هاییکه دستخط ندارد از طرف مدیر وسر محرر تحریر یافته: مدیر وسر محرر محمود طرزی)) و در زمره خبر های داخلی مطالب زیادی را بدون امضاء میابیم که مسلما توسط مدیر و سر محرر آن نوشته شده است. علاوتا هنگام سیر و سیاحت امیر، به اطراف واکناف کشور، سراج الاخبار نماینده‌ء خود را به معیت امیر میفر ستاد تا گزارش سفر او را بنویسد. گذشته ازان اخبار مذکور غالبا در ولایات و اطراف کشور وهمچنان در قلمرور پشتونستان، نامه نگاران داشت. گواه این امر شماره‌ء هفتم سال دوم اخبار میباشد که در صفحه‌ء هشتم آن مطلبی به قلم ((نامه نگار سرحدی)) به نشر رسیده است.

خبرهای خارجی در سراج الاخبار زیر عنوان ((حوادث خارجیه)) به طور عموم از روزنامه ها ، هفته نامه ها، مجله ها و سایر نشریه های موقوت خارجی اقتباس، ترجمه و نشر میشد. به طور عموم نام نشریه های آتی در شماره های گونه کون سراج الاخبار به حیث منبع خبرهای خارجی جلب توجه میکند:

حبل المتین (فارسی، منطبعه‌ء کلکته، از جانب ایرانیهای مقیم هند) الهلال و ترجمان حقیقت (اخبار های ترکی)، وطن ، پایونیر، زمیندار، طنین، ملت، پیسه اخبار، افغان، وکیل، عام لاهور، ملتری نیوز لودیانه (اخبار ها و نشریه های هندی به زبانهای اردو، هندی و انگلیس) چهره نما (دری منتشر در مصر) والموید، الشعب، الشعب الغراء (مطبعه‌ء مصری) رای العام (منطبعه بیروت) توران منتشر در بخارای نو ترجمان(باغچه سرای روسیه)، طوفان (منطبعه کرمان، ایران) و مارننگ پوست،لندن تایمز و دیلی نیوز (منطبعه انگلستان) (۴۷) خبرها و طلاعات خارجی مورد علاقه مندی سراج الاخبار توسط کارمندان آن خاصتا عبدالهادی داوی، عبدالرحمن لودین، فیض محمد و دیگران ترجمه می شد و زیب صفحات اخبار میگردید.

(۴۷) محمد کاظم آهنگ، مقاله‌ء تحقیقی در باره‌ء سراج الاخبار، در کنفرانس علمی پوهنتون کابل، سال ۱۳۶۴ ،خوانده شد.

نشر خبر در سراج الاخبار از چند لحاظ قابل تامل و دقت است. نخست خبر های داخلی غالبا به صورت مفصل و مشرح (به شکل خبر طویل) تحریر میگردید. با در نظرداشت خصلت ژانر های مطبوعات چنین خبر ها را اکثر به صورت راپورتاژ وبعضا مقاله و یاتبصره میيابيم. دوم، اکثر خبر ها با عناصر کم اهمیت خبری شروع میگردید و مهمترین عنصر، که اصلا خبر به خاطر آن نوشته میشد ،در اخیر گفته می آمد: به طور مثال: به این خبر توجه فرمایید: ((به وقت شام، روز یکشنبه سلخ ماه مبارک رمضان، هلال غرهء ماه شولا المکرم خیلی ظاهر و نمایان در نظر همه گان جلوه گرگردیده به نواخته شدن سی و یک فیر طوپ فردا ثابت بودن عید میا من پدید فطر اعلان گردید.)) (۴۸)

خبر بالایی را اگر از نگاه نوشتن خبر مطرح بحث قراردهیم همانطوریکه قبلا گفته شد هدف خبری را معطل قرارداده و در اخیر بیان کرده است. در معیار های خبرنگاری امروزی کلیه یی موجود است که میگوید: خبر خوب آنست که نخستین کلمه و فقرهء آن با انسان گپ بزند.

هدف از کلیهٔ مذ کور این است که نخستین کلمه و یا کلمه های خبر با مطلبی آغاز گردد که خبر به خاطر آن نوشته میشود. در خبر بالایی اصلا هدف ((اعلان عید)) میباشد. در حالیکه همین مساله در آخرین قسمت پاراگراف گفته شده است. و اما طوریکه قبلا اشاره شد، چون مطلب متذکره یک راپوراژ میباشد بنابران شیوهء نگارش آن خیلی مطلوب و به جا میباشد. زیرا راپورتاژ معمولا چگونه گی (چطور) یک حادثه را پاسخ میدهد که در پاراگراف متذکره به نیکویی انجام شده است. هرگاه پاراگرافهای بعدی این مطلب را از نظربگذارانیم ملاحظه خواهیم کرد که درین پاراگرفها راجع به جریان مراسم عید در عیدگاه و سلامخانه و پیرامون خورد و نوش بحث شده است که تمام آن ازعناصر راپورتاژ

(۴۸) محمد کاظم آهنگ، په افغانستان کی دژورنالیزم تاریخچه...ص ۶۶.

میباشد.

سوم، با آنکه متن خبر های داخلی با پیرایه های ادبی توام نوشته میگردید ،اکثر ساده گی و روانی بیان در آنها حفظ گردیده است که درین صورت نه تنها با سوادان و اهل خبره به فهم و درک آن قادر بودند بلکه دیگران هم مطلب را میدانستند.

چارم، غالبا خبر های داخلی با مقدمه های طولانی راپورتاژ گونه تحریر میگرید. گرچه مثال نخستین کافی به نظر میآید ولی به این مثال هم توجه بفرمایید که در شماره پنجم، سال اول، نشر شده است: ((درین سال فرخنده فال، زمستان دهشت رسان شهر شهیر دلپذیر ما (کابل) چابکدستی و چالاکی عجیبی در ورود زحمت آمود خود اجراء نمود. باد های شمال کوههای پر برف هندوکش به شدت تام در وزیدن آمده با ابر های قسوت انگیز...))

خبر مذکور به همین سبک در داخل چندین سطر مطالب اضافی را بیان میکندو بعدا در اخرین پاراگراف میگوید که در کابل نخستین برفباری به عمل آمده است. (۴۹)

پنجم، همانطوریکه قبلا اشاره شد در سراج الاخبار تفاوت بین خبر، راپورتاژ، مقاله و تبصره واکثر دیگر ژانر ها کمتر به ملاحظه میرسد. علت این امرناشی بوده است از عدم شناخت ژانر های مذکور به حیث پدیده های جداگانه ژورنالستی.

در مورد خبر های خارجی در سراج الاخبار باید گفت: نخست چون خبر های خارجی از نشریه های سایر کشور ها اقتباس میگردید. بنابران در سبک و ساختمان آن غالبا از منابع اصلی پیروی میشد، که در ینصورت صحت و عدم صحت نگارش خبر به منبع اصلی مربوط میگردد.

---

(۴۹) همان اثر ص ۶۷.

دوم، خبر های خارجی در سراج الاخبار گاهی توام با تبصره های تردیدی و یا تاییدی، در اخیرو بسا آغاز خبر، نشر میگردید که این مساله غالبا از نظر خبرنگاری آنزمان شایدجایز بوده است، ولی اگر امروز خبرنگار بر آورده شدن چنان مطلبی را آروز ببرد، طی مقاله ، و یا تبصره به قسم جداگانه آنرا می نویسد.

سوم، معلوم میشود که ترجمهء خبر ها به صورت درست، باروانی و سلاست ادبی صورت میگرفت. در ذیل مثالی از خبر خارجی سراج الاخبار عرضه میگردد، در ذیل معیار های گفته شده را ارزیابی میکنیم:

((در تاریخ ۲۶ رجب گذشته در شهر استانبول در روز جشن پر سرور ملی شان که همه عثمانیان برای اظهار شادمانی و سرور گرم فرحت بودند در نفس استانبول یک آتش زده گی خانمان سوزی ظهور نمود.)) (۵۰)

در خبربالایی حقایق بدینگونه پرورده شده است:

۱) خیلی کهنه میباشد و این را ازعبارت ((۲۶ رجب گذشته)) میتوان درک نمود که قریب یکماه قبل و یا زیاد ترازآن بوده است.

۲) افتتاحیهء آن خیلی طویل و با وقت شروع شده است.

۳) اصل هدف خبر آتش سوزی میباشد که همانند سایر خبر های داخلی آنزمان در اخیر افتتاحیه آمده است.

۴) شیوهء بیان وافاده ء آن ساده و روان میباشد.

باید گفته که خبر نگاری سراج الاخبار محصول وقت وشرایط خود آن میباشد. از یکطرف اخبار طی مدت طولانی زمانی به نشر میرسید که مسلمامشکل بود خبر ها تازه عرضه شود. همچنان وسایل عصری ترانسپورت و مخابره در دست نبود تا در انتقال خبر هاازآن استفاده میگردیدولی با تمام این مشکلات نگارنده

(۵۰) همان اثر... ص ۶۵.

و کارمندان اخبار سعی و تلاش بیش از حد به خرچ میدادند تا وقایع جالب را، با وجود کهنه گی، درین اخبار نشر نمایند. محمود طرزی نگارندهء مسؤول اخبار از ارزش و اهمیت خبر به نیکویی آگاه بود.وی میگوید: ((...زنده گی اخبار به خبر است. ذرایع خبررسانی، تلگرافها، تیلفونها، داکهای منظم است. ممکلتهای هجراو تنها که در میان کهسار ها محصورو محفوظ مانده و از ذرایع هم محروم باشند، چه خواهند کرد...))

((... قبل از محاربهء منحوسهء حاضره اخبار های گوناگون عربی، ترکی، امریکایی و غیره برای ما میرسید. ازان سبب خبر های مختلفهء متنوعهء رنگارنگی به نظر قارئین کرام خود عرض کرده میتوا نستیم، حالا نکه، از آغاز حرب آن اخبار ها به ما نمیرسد و تنها به ترجمه های اخبار های اردو و بعضی انگلیزی که از هندوستان می آید به قناعت مجبوریم)) (۵۱)

به هر حال، اگر بخواهیم سراج الاخبار را از نظر متن تحلیل نماییم، با آنکه خبر زنده گی اخبار است و از ایجابات ضروری هر روزنامه به حساب میاید، اما به خاطر عدم موجودیت امکانات، ژانر خبر را نباید جدی بگیریم. اصلا افتخار و بزرگی سراج الاخبار از نظر متن بیشتر در عرضهء سایر ژانر ها مانند راپورتاژ، ژانر های تحلیل چون مقاله و تبصره و ژانر های تبلیغی - ادبی، مانند اوچرک و طنز ها میباشد. بناء می پردازیم به اینکه این ژانر ها چگونه در سراج الاخبار راه خود را باز کردند چه پیامها داشتند و چطور انکشاف پذیرفتند.

(۵۱) محمود طرزی، مقالات... ص ص ۶۵-۶۶.

۲- سراج الاخبار و آغاز ژانر هاي تبليغي

طوریکه قبلا اشاره رفت، سراج الاخبار از لحاظ ایجاد و کار برد ژانر های تبلیغی نخستین و بهترین گامها را درین زمیه برداشته است. این گامها را نه تنها به حیث نخستین گامها مطر ح بحث قرار داده میتوانیم بلکه گامهایی اند که سر مشق جوانان و قلم بد ستان جهان ژورنالیزم افغانستان قرار گرفته اند. سراج الاخبار و علا مه محمود طرزی کار و پیکار ژورنالستی خود را با چنان روحیهء اعجاز آفرین آغاز کرده اند که این روحیه تا کنون هم در صحافت و زنده گی نویسنده گان کشور افغان نقش و ا رزش والای خود را حفظ کرده است. محمود طرزی در نخستین سرمقالهء خود، که بدون شک از کیفیت عالی تبلیغی برخوردار میباشد، بحیث آغاز کار ژورنالیستی خویش میگوید: «این یک امر ظاهر و آشکار ا ست که «خبار ها» درین عصر حاضر به مثابه زبان ملکها و ملتها قایم گردیده است. در وقت حاضر، به جز اقوام و حشیه و بد ویه، هیچ دولت و قومی از هیئتهای» ا جتماعیه موجود نیست که ما لک اخبار نباشند. ا خبار جمع «خبر» ا ست که ضد آن «بی خبری» ا ست. پس بنابه مفاد این قضیهء حکمیه که «هرچیز به ضد آن شناخته میشود به خوبی معلوم میگردد که از باخبری تا بی خبری چقدر فرق ا ست» (۵۲) با ابراز کلمه های بالایی محمود طرزی نشر شدن سراج الاخبار را گام مهمی برای رفع نقصان «بی خبری» مردم سرزمین افغانستان حساب میکند و فواید ا خبار را چنین توضیح مینماید: «اخبار چنان یک آیینهء جهان نمائییست که در خانه نشته و ا نسانرا بر احوال جهان با خبر میگرداند. حتی احوا ل داخل خانهء خود را که عبارت از وطن ا ست...

(۵۲) سراج الاخبار، شمارهء اول سال اول، ۱۶ میزان، ۱۲۹۰، ص ۱-۲.

بهتر و خوشتر می شنود.

« اخبار چنان یک تیغ عریان و برانیست که زبان بد خواهان غلط اندیش وطن را مقطوع میسازد. چقدر تحمل سوزیک حالیست که ا نسان در حق خود بسا سخنان راست و دروغ و دور و نزدیک از خود و بیگانه بشنود و زبان رد کردن و توان دفع کردن آنرا نداشته باشد! اینست که اخبار یک زبان سحر بیان مدافعه بیست که قوا ل اراجیف بد گویان را رد میکند و چنان یک محک سالم عیا ریست که تفریق غش و غل، کذب و صدق سخنانیکه در بارهء وطن و ملت گفته شود، به میدان حقیقت بر میآرد.

« اخبار چنان معلم اد یبیست که انسانرا بدون قید و فشار به تحصیل و یاد گرفتن بسا علوم و فنون عالیه شوق و رغبت میدهد. بلی! اگر چه انسان علم و فن را از کتابهای مدون آن آموخته میتواند، ولی اخبار آنرا مانند یک طبیب حا ذقی... مریضان بی خبری را، با علا جهای نافع خبرهای معلومات خود، علاج میکند.

« اخبار چنان گلزار پراز هاریست. که هر کس موافق طبع خود گلی ازان برچیده میتواند. باغچهء میوه دارلذایذ نثاریست، که هرکس منا سب مذا ق خود، لذتی ازان بر میگیرد. الحاصل از مطالعهء اخبار همه صنف های مردم مستفید میشوند.» (۵۳)

محمود طرزی با این آگاهی از ارزش اخبار و اطلاعات، در همان نخستین شمارهء سراج الاخبار مشی نشراتی و شیوهء کار خود را به صراحت توضیح کرد.

او در تنوع بخشی نوشته های مطبوعاتی در روانی و ساده گی کلام، در پی ریزی مطالب به گونه ییکه از نواقص جامعه و درد های اجتماع بحث کند و در تهیه مطالب برای آگاهی و بیداری ملت افغان و ایجاد حب وطن، به خاطر مبارزه

(۵۳) همان.

و پیکار علیه ا ستعمار و تامین ا ستقلال وطن و برای عرضهء مقدمات علوم مختلف عصر، گونه گون ژانر های مروج را به حیث مرکوب اندیشدء خود مورد کاربرد قرارداد و طوریکه واضح و آشکار است همه آرمانهای خود را به شایسته گی بر آورده ساخت.

وقتی محمود طرزی «آیینهء جهان نما» میگوید، هدف دیگری ندارد جز آنکه چطور اخبار و اطلاعات مورد علاقهء خواننده گان و آگاهیها را از تمام روی زمین جمع و نشر میکند. زمانیکه اخبار را تیغ عریان و بران میخواند هدفش چیز دیگر نیست جز موقف گیری ضد استعماری و ضد امپریالیستی که یقینا با نشر این گونه پیامها دشمنان انسانیت و ملت افغان را در هر جاییکه بودند به خوف بزرگ اند رساخته بود. پیرامون این مطالب در بخشهای نخستین این اثر مطالب گسترده عرضه گردید. در صفحات آیند روی این مطلب با ارائه مثالهای مشخص بحث خواهیم کرد.

همانطوریکه محمود طرزی، در سراج الاخبار، ایجاد گر ادبیات نوین دری (۵۴) و حامی سرسخت تقویه و انکشاف زبان پشتو بوده است، (۵۵) به همین ترتیب نخستین پایه های مستحکم ادبیات و نوشته های ادبی - تبلیغی و یا نو شته های ژورنالستی را بنیان گذاشت. درین اخبار طوریکه دیدیم نه تنها خبر، به حیث ستون فقرات خبرنگاری، به نشر رسیده است. بلکه ژانر های گونه گون تبلیغی و تحلیلی چون راپورتاژ، مراسله، مقاله، تبصره، نامهء وارده، ژانرهای طنزی، اوچرکها و به قرار گفتهء شخص محمود طرزی از سرمقاله گرفته «تا اجمال سیاسی، ترجمهء حوادث عالم، مقالات تردیدیه، مقاله های مخصوصه، مضامین غریبه، مقالات علمیه و فنیه تالیفات بدیعیه ...

(۵۴) دکتوراسد الله حبیب، نگاهی به ادبیات معاصر دری افغانستان، د افغانستان کالنی، کابل: ۱۳۵۸، ۱۳۵۹ ص ۱۰۲.

(۵۵) محمدکاظم آهنگ، په افغانستان کی دژورنالیزم تاریخچه... ص ص ۸۹-۹۲.

امور عسکریه و صحیه و ترجمهء ثروت ملل و فاجعه های پاریس و تالیف ناموران زنان جهان...)) (۵۶) را به نشر رسانیده است. از لحاظ زیبایی و پخته گی مثالهای زیادی در ژانر های گونه گون مطبوعاتی میتوان پیداکرد. سراج الاخبار ژانر راپورتاژ را با چنان زیبایی و کاربرد شیوه های ترسیم و تصویر بدیعی به نشر رسانیده که به اصطلاح ژورنالیزم نوین خواننده را ((گام به گام به محل حادثه با خود میکشاند)). شاید در زمان سراج الاخبار اصطلاح راپورتاژ کمتر مصطلح بوده است و یقینا محمود طرزی هم راپورتاژ ها را در سراج الاخبار به این نام نشر نکرده است، اما بدون شک هر راپورتاژ آن به حیث فورمول و نمونه و مثال میتواند سرمشق نویسنده گان جهان ژورنالیزم قرار بگیرد. (۵۷)

در سراج الاخبار مصاحبه به نظر نمی رسد ولی اصطلاح مصاحبه در ان صریحا به کار رفته است مانند ((مصاحبهء قلمی سراج الاخبار و اندو گیت))

بعضی نوشته های سراج الاخبار را میتوان به حیث مراسله قبول کرد. زیرا عناصر این ژانر در آنها به خوبی واضح است. همچنان ژانر جریانات در سراج الاخبار به ملاحظه میرسد مثال و نمونه های این ژانر ها در فصل دوم مورد تحلیل قرار داده میشود.

مقاله ها و سر مقاله ها از همان نخستین شماره های سراج الاخبار به کثرت نشر گردیده است. در مقاله ها و سرمقاله های این اخبار تنوع کافی، طرح مسایل و موضوعات روز صراحت دارد. تحلیل درست و محتوای منطقی به شیوهء عالی به کار برده شده و تعداد زیاد آن ازاهمیت عالی اجتماعی برخوردارمیباشد. در عین حال ولوله انگیزی خاص زمان در مقاله ها و سرمقاله های سراج الاخبار به

---

(۵۶) محمود طرزی،مقالات... ص ۵۵.

(۵۷) محمد کاظم آهنگ، راپورتاژ (بلوتن ژورنالیست)، کابل: اتحادیه ژورنالستان افغانستان، شماره های هشتم، نهم، دهم، ۱۳۶۷.

ملاحظه میرسد. به نظر نویسنده، این رساله ولوله انگیزی، در ادبیات و ژورنالیزم آنزمان به حیث وسیله تامین هدف والای ملی و انسانی از پدیده های کار این دوپیشه باید قبول شد، زیرا بدون آن کلام موثرو زننده نمیتوانست ارائه شود. روحیهء ولوله انگیزی آنزمان تا حد زیاد، از نگاه افغانستان، مثبت بود، نه منفی. به خاطر آنکه هدف آن بر نگیختن احساس مردم و ملت افغان به مقصد تامین داعیهء مقدس شان، استقلال این کشور، بوده است. در عین حال هدف ولوله انگیزی سراج الاخبار برانگیختن احساس مردم این سرزمین برای مبارزه بخاطر انکشاف اجتماعی، اقصادی و سیاسی بوده است. برای آنکه گفته های خود را تحقق داده باشیم اینک مثالهایی را ازسراج الاخبار عرضه مینمائیم. در سراج الاخبار نوشته یی زیر عنوان ((اجمال سیاسی)) به نشر رسیده که درین ارتباط یک قسمت آن اقتباس میگردد: ((قطعهء آسیا و افریقا را اروپا کردن میخواهند! چقدر جرات!" آیا اروپا به چه اروپا و آسیا به چه آسیا شده است. هیچ شبهه نیست که طبیعت بنابر بعضی قوانینی که وضع نموده آنرا اروپا و دیگری را آسیا ساخته... چیزها ییکه در اروپا دیده میشود، اسیای بیچاره آنرا به خواب هم ندیده است : مثلا: در حالیکه اروپاییان به سبب تعدد زوجات، به آسیاییان خورده ها میگیرند، در ملک خود شان یک مردی که قوت و ثروت داشته باشد، با یک ملیون زن معاشرت کرده میتواند، در حالیکه در اسیا شوهر یک زنی، مرد نامحرم را به نزدیک شدن گوشهء چادر عیال خود، روی رضاء نشان نمیدهد. اروپاییان در مجلسهای ((بال)) عیالهای خود شانرا سینه و بازو و پشت سر برهنه... برای رقص سینه به سینه و آغوش به آغوش عرضه و تقدیم میکنند...)) (۵۸)

همچنان در مقاله یی تحت عنوان ((اتحاد اسلام)) نخست پیرامون مزایای

---

(۵۸) محمود طرزی، مقالات...ص ص ۳۳۸-۳۳۹ .

دین مقدس اسلام و ضرورت اتحاد و همبستگی مسلمانان مطالبی را عرضه میکندو تا جاییکه مینویسد: ((... بلی! هیچ شبهه نیست، که همه علوم حکمیه و فنیه و ادبیه و غیره، از همین دارالفنونهای اسلامیه در اروپا داخل گردیده است، ولی هزار افسوس که آنها آن علوم و فنونی را که از ما آموختند، روز به روز، لحظه به لحظه در ترقی نظری و عملی آن کوشیده سلاحهای مدهشی برای بنیان کنی، به دست آوردند. و به عکس آن ما نیز روز بروز، لحظه به لحظه، بی آنکه درین عملیات آن بکوشیم، نظر یات آنرا نیز فراموش کرده رفتیم)) (۵۹)

در عباره های بالایی فقره های ولوله یی از همان آغاز اقتباس شروع میشود یعنی: ((آسیا و افر یقا را اروپا کردن میخواهند. چقدر جرات! چقدر تجاوز!)) در قسمت بعدی اقتباس عباره های ((معاشرت با یک ملیون زن))، ((نزدیک شدن به گوشهء چادر))، ((سینه، بازو و پشت سر برهنه))، ((سینه به سینه و آغوش به آغوش رقصیدن)) همه ولوله یی میباشند.

گرچه شاید عده یی خرده گیری کنند که این عباره ها همه ناشی از کلتور اروپایی میباشد و با اتکاء به آن بر آوردن هدفی درست نیست. درین خرده گیری شکی نداریم اما وقتی اروپاییها کلتور و عنعنهء اسلام و شرقیان را به باد انتقاد قرار میدهند، که عینا مانند کلتور و عنعنهء آنان در تار و پود شان تزریق گردیده است، آیا حق ندارند عمل باالمثلی را انجام دهند؟ به نظر من که حق دارند و خاصتا وقتی کلتور شرقیها به مقصد استعمار و بهره گیری مورد تاخت و تاز قرار بگیرد و بالاخص وقتی کلتور شرقیها به شیوهء تمسخر آمیز و تحقیر مورد تبصره و گفتگو قرار داده شود. بنابران سراج الاخبار هدفی داشته است و آن اینکه چطور غربیان را در نظر مردمان سرزمینهای شرق بد و منفور نشان دهد تا در برابر آنان قد علم کنند و از خـــاکهای خود دور شـــان سازند و استقلال

(۵۹) همان ص ۲۱۹.

خود را بازیابند. لذا ولوله انگیزی سراج الاخبار مثبت، مترقی و انسانی بوده است.

هدف سراج الاخبار از کلام ولوله یی ، (مانند ولوله در امریکا وسایر سرزمینهای سرمایه داری و پول اندوزی) افزایش در تیراژ نشریه نبوده است؛ بدست آوردن اعلان نبوده است؛ تحمیل جنگ نبوده و تشویق اعمال جنسی هم نبوده است، بلکه متکی به آرمانهای والای ملیت گرایی، استقلال طلبی و تردید استثمار و استعمار بوده است.

نگارش یا تبصره در سراج الاخبار به شکل خیلی عالی و متنوع به نشر رسیده است. مطالب و نوشته هایی تحت عنوان ((اجمال سیاسی)) گاهی به شکل مقاله تحریر شده و زمانی به شکل تبصره (۶۰)

در آخرین شماره های سالهای نشراتی و گاهی در نخستین شماره های سالهای نشراتی سراج الاخبار نگارشهایی به نشر رسیده که از بهترین نمونه های ژانر های تحلیلی در ژورنالیزم زبان دری افغانستان به حساب میآید. این نوع نگارشها از نظر مضمون عمومی ولی از نظر شکل یا اطلاعی و یا تحلیلی میباشد. این نوع نــگارشها و قایع و یا اطلاعات یک مرحله و یا یک زمان معین را انعکاس میدهد (۶۱)

سراج الاخبار در هر سال یکبار به نشر چنین نگارشها اقدام میورزید بناء نگارشهای آن ازین قماش با شند.

نامهء وارده هم به معنای واقعی کلمه، برای نخستین بار، در مطبوعات افغانستان در سراج الاخبار به نشر رسیده است. نامه های وارده در سراج الاخبار هم از نظر مضمون و هم از نظر شکل و تحریراز تنوع و کیفیت عــالی برخوردار

---

(۶۰) برای اطلاع پیرامون نگارش یا تبصره مراجعه شود به ابراهیم عثمان و دیگران. ژانر های وسایل ارتباط همه گانی،... ص ص ۱۴۶-۱۵۶ ·

(۶۱) همان اثر... ص ص ۱۵۴-۱۵۵ ·

بوده است. در نامه های وارده مسایل مبرم زنده گی ا جتماعی نعکاس داده شده است. مسالهء جالب و قابل توجه این است که سراج الاخبار نامه های وارده را، یا در عین شماره ویا در شماره های بعدی، پاسخ داده و روی موضوع بحث و روشنی همه جانبه و کافی هم ارئه میکرد.

همچنان تقریظ بار اول در مطبوعات کشور ما در سراج الاخبار دیده میشود. تقریظها در سراج الاخبار هم به شکل نظم و هم به شکل نثر هر دو نشر گردیده است.

جای مسرت است که یکی از ژانر های خیلی ارزشمند مطبوعاتی که دانشمندان آنرا ژانر انسانی و حماسه و قعی زنده گی قهرمان خوانده اند (۶۲) هم در سراج الاخبار دیده میشود. این ژانر را به نام اوچرک یاد کنند. اوچرکهای نشر شده در سراج الاخبار از نوع پور تریتی وسفری میباشد که به گونهء خیلی عالی و پرازظرافتهای ادبی تحریر یافته است. اوچرک سفری آن شامل گزارش سفر مرحوم عبدالهادی داوی از کابل به کندرهار میباشد ولی اوچرک پوورتریتی آن راجع به علامه سید جمال الدین افغان به قلم محمود طرزی تحریر یافته است.

و بالاخره ژانر های سازندهء زنده گی اجتماعی مانند فلیتان و پامفلیت، ایپی گرامها و کنایه ها، نه تنها بار نخست به شکل طنز های ژورنالستی در سراج الاخبار نشر گردیده بلکه دست یافتن به متون این طنز ها ما را توفیق می بخشد که فررمولهای تازه تری را برای نوشتن فلیتان و پامفلیت و دیگر انواع آن به دست آریم. طئنز های نشر شده در سراج الاخبار، بدون شک سرمشق نویسنده

---

(۶۲) دکتوراسد الله سعد الایف، پوهندوی کاظم آهنگ، اوچرک- حماسه واقعی قهرمان، کابل: اتحادیه ژورنالستان افغانستان، ۱۳۶۵.

گان دوره‌ء اعلیحضرت امان الله بوده است. یقینا مرحوم محی الدین انیس و احمد راتب (۶۳) وعده‌ء دیگری از قلم بدستان ازین نوشته های محمود طرزی پیروی کرده اند. نویسنده‌ء این رساله پروژه‌ء تحقیقی دیگری را پیرامون تحلیل طنز های ژورنالیستی در مطبوعات افغانستان روی دست گرفته است که از برکت آن به آگاهیهای متذکره توفیق یافته است. باید گفته که راجع به طنز ها وسایر ژانر های مطبوعاتی در فصل دوم این رساله تحلیل و مثالهای کاملی ارائه خواهد شد. چون تا کنون کار علمی همه جانبه و دقیق پیرامون محتوای سراج الاخبار، مخصوصا از نظر ژورنالیزم بعمل نیامده است، بنابران کاریکه درین زمینه درین اثر صورت میگیرد کاملا تازه میباشد. این کار زمینه‌ء آنرا میسر میگرداند که خواننده گان و علاقه مندان مطبوعات کشور، کار و پیکار خلاق سراج الاخبار و نگارنده‌ء آنرا بدانند و برای غنا بخشی بیشتر کارهای شان ابتکارات این اخبار را رهنمای کار شان قرار دهند.

(۶۳) محی الدین انیس، مدیر مسوول و موسس روزنامه انیس بوده که در ۱۵- اسد ۱۳۰۶ به نشر آغاز کرد واحمد راتب مدیر مسوول هفته نامه‌ء نسیم سحر بود که در ۷ دلو ۱۳۰۶ به نشرات آغاز نمود.

د: اهمیت اجتماعي - سیاسي ژانر هاي مطبوعات در سراج الاخبار

سراج الاخبار افغانیه ، درست زمانی به نشر میرسید که جهان دستخوش یکسلسله زد و بندهای ناهنجار سیاسی - اجتماعی بود. برای بدست آوردن گوشه های گونه گون جهان، نیروهای استعماری وقت ((به کاسه بخشی ها)) و حتی به اصطلاح ((لک بخشی ها)) دست می زدند و با استفاده از عدم آگاهی، ناتوانی و پسمانی ساکنان سرزمینهای عقب مانده به ((تقسیمهای برادرانهء)) جهان می پرداختند. دران هنگام اکثر حصص سرزمینهای مشرق زمین و خاصتا جهان اسلام در زیر یوغ اسارت اجانب میسوخت. دولتهای تزاری و استعمار انگلیس تمام سرزمینهای آسیا را به ساحه های نفوذ تقسیم کرده بودند. افغانستان هم به حیث یک کشور آسیایی و اسلامی از نفوذ و تاثیر این گونه زد و بند ها دور نمانده بود.

در افغانستان، برعلاوهء آنکه، استعمار انگلیس تلاش داشت این سرزمین را به حال خودش حفظ کند متاسفانه تعدادی از رهبران خود کشور هم سعی و مجاهدت خود را برای ترقی اجتماعی و انکشاف اقتصادی کشور کمترکارمی بستند. تا زمان امیر حبیب الله اصلا کشور افغان فاقد مکاتب، مدارس، راه، مخابرات و دیگر وسایل و امکانات زنده گی بود. میان مردم افغانستان این گفتهء عام موجود بوده است که : امیر عبدالرحمن پدر امیر حبیب الله مردم را از اعمار و تمدید سرکها باز میداشت. زیرا وی میکفت سرکها را مسدود سازید تا ((فرنگی!)) در داخل کشور راه نیابد. اما هم امیر و هم تعدادی از اهل خبره نیک میدانند و میدانستند که این گفتهء امیر ساخته و پرداختهء او بود به مقصد تاریک نگهداشتن مردم تا هرچه آزاد تر و بدون دغدغه آنا نرا ا داره کند. همچنان با اینچنین گفته ها به مردم وانمود میساخت که گویا دین، وطن و نوامیس ملی

را از چنگال استعمار گران دور نگهمیدارد، اما قدر مسلم این بوده است که انگلیس استعمار گر کشور افغانانرا توسط خود امیر، به حیث نمایندهء خود، مورد استعمار و بهره کشی قرار میداد و امیر نبود مگر اجنت سر سپردهء نیروی استعماری انگلیس. در زمان امیر عبدالرحمن، در تمام کشور، به نام مکتب و مدرسه چیزی وجود نداشت. روزنامه و اخباری نشر نمیگردید؛ ظلم و آدمکشی، ترور واختناق به حدی بود که نوکران و آدمان امیر در جلو خانه های خود قتل گاهها، بند یخانه و دیگروسایل تعجیز و توبیخ در اختیار داشتند. زنده گی خوش و پر تنعم در خانوادهء امیر و چند خاندان محدود وابسته گان، دستیاران و متفقان اوختم میشد. با جهان خارج سرو کاری نداشتیم و بلکه به نماینده گی از امیر ((سر کار انگلیس!))، حرف میزد. (۶۵)

هنگام امارت حبیب الله (۱۹۰۱- ۱۹۱۸ ع) هم، طوریکه باید، زنده گی ا جتماعی وسیاسی این کشور بهبودی حاصل نکرد. درین هنگام در تمام کشور مدرسهء حبیبه و دو سه مکتب دیگر به وجود آمد. به اثر توجه و تلاش علامه محمود طرزی تنها یک اخبار به نام سراج الاخبار تا سیس شد و طبع حروفی در کابل رایج گردید. به اثر توجه همین شخص یکتعداد کتب و رساله ها به طبع رسید ولی در راه تامین آزادی و استقلال سیاسی کشور در امر پیشرفت صنعت و دیگر امور اقتصادی به اصطلاح محمود طرزی هنوز هم ((گامهای اشتری)) گذاشته می شدکه مسلمابرای مردم این خاک کافی نبود. بنابران ندای سراج الاخبار و ندای نگارندهء مبتکر آن ندای زنده گی ساز، ندای و طنخواهی و ندای آزادی و پیشرفت سیاسی و اجتماعی بوده است. این ندا از دل پرتپش آسیادر اوج رقابتهای استعماری بیرون گردید، همه گیرشد، درسراسر شرق پیچید، غرب را به

---

(۶۵) آزاد افغانستان (هفته نامه) منتشر در پشاور به امتیاز و مسوولیت مرحوم عبدا لحی حبیبی، ((تاریخچه بیداری سیاسی در افغانستان)) شمارهء سوم، سال اول، ۱۵ جولای ۱۳۳۰ و – شماره ۴ سال اول، ۲۲ جدی، ۱۳۳۰ وجنبش مشروطیت در افغانستان ص ص ۱- ۵۰

لرزه در آورد وامکانات پیشرفت را به سوی آزادی سیاسی میسر گردانید.
با در نظرداشت روحیه عصر، محمود طرزی نوشته های خود را در داخل ژانر های گونه گون ژورنالیستی و ادبی چنان فورمول بندی میکرد که اگر از یک طرف بالای احساسات جامعهٔ عقبمانده و اسلامی افغانستان تاثیر مثبت به جامیگذارد، از جانب دیگر باعث ایجاد عکس العمل منفی میان نیروهای استعماری و نماینده گان آنها در داخل کشور میگردد. بنابران وقتی در نخستین سرمقاله خود میگوید: «اخبار ها درین عصر به مثابه زبان ملکها و ملتها قایم گردیده و هیچ قومی از اقوام و حشیه و بدویه بدون اخبار نیستند...» از همان آغاز کار خود اهمیت سیاسی و تربیتی اخبار ها را به مردم و خواننده گان اخبار خود بیان میکند. همچنان وقتی می نویسد:
«سراج الملت چنانچه بسا نقصانهای مملکت را به مراحم سنیهٔ شاهانه شان کامل فرموده اند... نقصان بی خبری اهالی را نیز به اجازه فرمودن نشر شدن سراج الاخبار رفع و زایل فرموده اند» (۶۶) هدفش اصلا این نبوده است که واقعا امیر را تعریف کند بلکه هدفش آن بوده است که با این گون تعریفها امیر را وادارد تا اجازه دهد اخبار او نشرات خود را ادامه دهد تا از طریق آن اهداف و طنخواهانهٔ او وهمراهان مشروطه طلب وی بر آورده گردد. به همین ترتیب وقتی سراج الاخبار می نویسد: «اعلیحضرت خاقان جنت مکین ضیاء الملت والدین (یعنی امیر عبدالرحمن)... که انگلیزان را اخراج و دفع کرد» (۶۷) به خاطری میگوید که امیر حبیب الله خوش شود و در اخراج و دفع استعمار اقدام کند. همچنان در پهلوی این نوع تعریفها با اغتنام فرصت شکار بودنهٔ

(۶۶) محمود طرزی، مقالات... ص ۴۸.
(۶۷) همان... ص ۵۴.

امیر و همراهان او هم مورد انتقاد قرار میگیرد، (۶۸) که اتفاقا امیر آنرا جدی تلقی نمیکند. از این مطالب مقدماتی که بگذریم سراج الاخبار طی تبصره ها، مقالها و دیگر ژانر ها به صورت جدی پیرامون گونه گون مطالب اندیشه های سازندهء اجتماعی سیاسی خود را بیان کرده است.

در باب اهمیت روزنامه نگاری، غیر از سرمقالهء نخستین، مطالب جالب و جدی تری در شماره های بعدی آن نیز به نشر رسیده است. در نگارشی به نام ختام سال اول سراج الاخبار نوشته است: «مطبوعات ترجمان حسیات وطن است. زبان ملت است. جان مدنیت است. اساس انسانیت است... تلگراف با سیم و بی سیم برای... رسانیدن پیغام و خبر... هیچگاه با اخبار برابری کرده نمیتواند... ملتی که اخبار ندارد. هرکس در حق او هرچیز گفته میتواند. ولی خود او نه در حق خود و نه در حق غیر هیچ چیزی گفته نمیتواند.» در این نگارش کلام خود را ادامه میدهد و پیرامون ارزش و اهمیت اخبار در امر رسانیدن اطلاعات تازه و آگاهی مردم داد سخن را میدهد. (۶۹)

به همین ترتیب در نگارشی به مناسبت ختام سال دوم مینویسد: «در ظرف این دو سال هر آنچه نوشته ایم از قدسیت دین خود، وطن خود... نوشته ایم. هر آنچه گفته ایم از ترغیب و تشویق ملت خود، برقایم داشتن دین، بر تحصیل علم و هنر، بر محبت وطن گفته ایم.» (۷۰)

سراج الاخبار، در شماره های نخستین و یا آخرین سالهای نشراتی خویش نگارشهایی را وقف معرفی دست آورد های مهم کشور نموده است. این اخبار واقعا ژانر نگارش (تبصره) را بدینگونه به حیث بهترین وسیلهء ارائه دهندهء فکر

---

(۶۸) سراج الاخبار. شمارهء اول سال ۴، سنبله ۱۲۹۳، ص ۴.

(۶۹) سراج الاخبار، شماره ۲۴، سال اول، ۲۱ سنبله ۱۲۹۱، ص ۳، ستون دوم.

(۷۰) همان، شماره ۲۴، سال دوم، ۱۱ سنبله، ۱۲۹۲، ص ۳، ستون ۱-۲.

و اندیشهء خود قرار داده است و افکار ترقیخواهانهء خود را به وسیلهء آن ابراز داشته است.

راجع به ترقی و تمدن سخنان سراج الاخبار زیاد است درینجا کلماتی چند از مقالهء افتتاحیهء سال پنجم آن و مقالهء دیگری، اقتباس میکنیم. در مقالهء افتتاحیه سال پنجم خود ترقی و تمدن انسانرا منحصر به علم و عرفان دانسته تحلیل عمیق و همه جانبه یی پیرامون آن عرضه میدارد. تا جاییکه مینویسد:

"اگر علم نباشد انسان نه خدا را می شناسد، نه خود را، نه حق را میداند، نه باطل را، نه راه رامی بیند، نه چاه را و کور، گنگ،، شل و لنگ میماند)) (۷۱)

سراج الاخبار در یکی از مقاله های دیگر خویش زیر عنوان ((آیا مانع ترقی مسلمانها چیست)) نخست راجع به اینکه رهبران مسیحی به مسلمانان میگویند ((اگر دین شما خوب می بود مانع ترقی نمی شد.)) و همچنان آنان مثال میآورند که جهان مسیحت با علم و حکمت آراسته است بنابران به ترقی ها نایل آمده اند و مسلمانان فاقد آنند. سراج الاخبار می نویسد که باشنیدن و خواندن چنین مطالب عدهء یی به حیرت و تعجب اندر میشوند و فکر میکنند که واقعا آنچه مسیحیت استدلال میکند درست خواهد بود، در حالیکه اگر کتاب دینی مسیحیون را زیر وروکنیم هیچ کدام موضوعی راجع به ترقی و پیشرفت دران ملاحظه شده نمیتواند. بلکه از قصه ها و داستانهای قد ما مملوست. لذا پیشرفت آنان را در دین شان نه، بلکه در ((حکمت و معرفت)) شان جستجو باید کرد. همچنان سبب پسمانی را در دین نه بلکه در جریان زنده گی و تاریخ جستجو باید نمود. با ارائهء این نوع سخنها و استدلالها سراج الاخبار مسلمانانرا به فراگیری علم و حکمت و دانـــش تـرغیب میکند و مقالهء خویش را خـــاتمه

(۷۱) همان، شمارهء اول، سال پنجم، ۴ سنبله، ۱۲۹۴، ص اول، ستون ۱-۲.

میدهد. (۷۲)

اخبار در امر ترغیب مدنیت وایجاد روحیه عصری نه تنها به ابراز عباره های اخلاقی و کلیه ها می پرداخت، بلکه این مساله را در عمل تحلیل و توجیه مینمود و با کار برد کلمه های پرمعنی و احساس بر انگیز بر موثریت آن میافزود. سراج الاخبار در مقاله یی زیر عنوان ((ترقی مسلمانان در چیست؟)) بعد از مقدمه می نویسد: ((اساس و بنیاد همه معتقدات و طاعات و عبادات و حسنات و سییآت در دین مبین ما بر ((نیت موقوفست)). این نوشته را محمود طرزی زمانی به نشر رسانید که سیل اعتراضات مردم در برابر کلاه پیک دارو پوشیدن آن از طرف مردم جاری بود. عده یی پوشیدن کلاه پیک دار را بدعت و زشت تلقی میکردند. سراج الاخبار درین نوشته استدلال نموده است که در مواقع ضرورت استفاده از کلاه پیک دار نه تنها زشت نمیباشد بلکه حتمی میباشد. لذا اخبار مذ کور با یک حسن تعلیل و افادهء عالمانه میگوید که هنگام جهاد در برابر دشمنان پیک چنین کلاهها به حیث سپر در برابر روشنی آفتاب قرار میگیرد و هم میگوید که با داشتن کلاه پیک دار حین جنگ میتوانیم درست نشان بگیریم و دشمنان را تار و مار گردانیم. در مقاله آمده است که هرگاه به این نیت کلاه پیک دار استعمال شود استعمال کننده ((مستوجب مواخذه و عتاب نی بلکه مستحق تقدیر و ثواب)) خواهد بود.

برای اینکه نویسندهء مقاله باز هم دلیلی ارائه کرده باشد چنین ادامه میدهد که اصلا کلاه مسلمانی و غیر مسلمانی را که تشخیص کرده است؟ زیرا در کشور های گونه گون اسلامی مردم کلاه های مختلف به سر میکنند. همچنان کلاه قره قلی که نوعی از کلاههای مستعمل در افغانستان میباشد، مردمان غیر مسلم هم آنرا به کار میبرند. بهمین ترتیب راجع به عمامه و دستار حرف میزند

---

(۷۲) سراج الاخبار، شمارهء ۱۴، سال ششم، ۵ حوت، ۱۲۹۷، ص ۲، ستون ۱.

و مخصوصا دستار های چندین متره، وطن خود ما را مطرح بحث قرار میدهد و میگوید که اگر فردی به چنین دستار طویل بالای اسپ باشد و اگر دستار او هنگام دویدن اسپ رها شود، چگونه در پاهای اسپ خواهد پیچید و چسان جمع خواهد شد. در اخیر به این نتیجه میرسد که اگر «مسلمانی را در سرپوش و تن پوش و پاپوش جستجو کنیم به ذره بین هم یک مسلمان نخواهیم یافت.» مسلمانان هنگام فتوحات در سرزمینهای مختلف از مردم هر منطقه و هر سرزمین ایمان طلب کردند نه کلا و دستار، لذا این مساله از فروعات و مسایل جزئی به حساب میآید. (۷۳)

از عباره های بالایی میتوان درک نمود که دران هنگام اندک اندک تجدد و نوگرایی در وطن ما رایج میشد و از جمله عساکر وغالبا معلمان و متعلمان مکاتب محدود کشور ما کلاه به اصطلاح پیک دار به سر میکردند. این امر به طبع و اندیشهء عنعنوی مردم موافق نبود. یقینا وقتی موضوعی به طبع مردم سازگار نیاید (مخصوصا در کشور هایی مانند ما) به آن جنبه دینی میدهند و در محکوم ساختن آن به تبلیغ می پردازند. در چنین حالت اگر اخبار و دیگر وسایل نشراتی، نویسنده و ژزرنالیست و روشفنکر عنعنه گرایی کند یقینا نقش خود را بدرستی انجام نخواهد داد و اگر به شکل افراطی حرکت کند نقش او نتیجهء منفی به بار خواهد آورد. بنابران در چنین حالات با اتکاء به استدلالهای منطقی و با استفاده از جنبه های عملی یک واقعه تبلیغ خود را عیار باید ساخت و هدف خود را بر آورده نمود. چنانکه محمود طرزی از آن به نیکویی استفاده کرده است.

در امر عدم پبیشرفت اجتماعی و انکشاف سیاسی مقالهء دیگری از محمود طرزی را زیر عنوان «خواب در تاریکی» تحلیل میکنیم. نخست از همه عنـــوان

(۷۳) محمود طرزی، مقالات... ص ۱۹۵-۱۹۷.

این مقاله خیلی جالب و موثر است، زیرا خواننده فکر میکند که شاید این موضوع از نگاه روانی موردِ تحلیل قرار گرفته شده باشد، در حالیکه هدف محمود طرزی از تاریکی همانا جهل بوده است وخواب هم بی خبری، نادانی و بی علمی.

بهر حال طرزی در آغاز این مقاله میگوید که خواب در تاریکی بیشتر میشود، زیرا روشنی مانع خواب میگردد و بعدا میگوید که متاسفانه مسلمانان ((در تاریکی شب دیجور)) به خواب غفلت فرورفته اند. تا جاییکه میگوید: ((بلی تاریکی خواب را میافزاید! تاریکی از بی علمی، بی خبری، نادانی، بی صنعتی، بی زراعتی و بی تجارتی میباشد. و این مسایل را در مسلمانان زیاد تر می بینیم.)) برای‌اینکه ازین نواقص دور گردیم باید تاریکی را از خود دور سازیم و به روشنی بگراییم، زیرا دیگران چنین کردند و به شاهراه مدنیت رسیدند.

سراج الاخبار برای اثبات قول خود مثالهای زیادی را به قسم مقایسه یی عرضه میکند (۷۴) به همین ترتیب برای اثبات رسالت عظیم دین مقدس اسلام مقاله هایی را تحت عنوانهای ((اتحاد اسلام)) (۷۵) و ((مسلمانان اتحاد کنید)) (۷۶) و مقاله یی را مبنی بر حب وطن و ملیت گرایی زیر عنوان ((معانی حقیقی وطن و حب وطن)) به نشر رسانیده است. در هر یکی از این مقاله ها و نوشته های دیگر خود وی دوام و بقای انسانرا به تشبث و حرکت میداند و چنین تشبث و حرکت را برای رسالت انسان، برای آزادی انسان و برای آگاهی او یابد به کار برد. درین نوشته ها بیداری وآگاهی را به حیث شرط اساسی زنده گی ثابت

---

(۷۴) محمود طرزی، مقالات... و شماره‌ء ۲۰ سال دوم، ۱۵ سرطان، ۱۲۹۲ ص ۱۲، ستون اول.

(۷۵) سراج الاخبار، شماره ۱۳، سال اول، ۱۵ حمل، ۱۲۹۱، ص ۱۰ ستون ۱.

(۷۶) همان، شماره‌ء ۷، سال پنجم، ۳۰ عقرب، ۱۲۹۴ ص اول، ستون ۱.

میسازد. ازهمین جهت بوده است که مردم در داخل و خارج به آن علاقه میگرفتند. نشر چنین مطالب در آسیای میانه نیروهای استعماری را سخت بر افروخته میساخت. همانطوریکه استعمار انگلیس را در نیم قاره هند به ترس و وحشت اندر ساخته بود (۷۷)

سراج الاخبار یکتعداد نوشته ها را زیر عنوان «اجمال سیاسی» به نشر رسانیده است. اکثر این نوشته ها را به شکل نگارش مییابیم و گاهی هم چنین نوشته ها شکل مقاله را دارا میباشند. در هر حال محتوای چنین نوشته ها از لحاظ فراهم آوری اندیشه سیاسی و تربیهء فکر خواننده گان وظیفه و رسالت بزرگی را به سر رسانیده اند؛ به گونهء مثال: زیر عنوان «آزادی آسیا و افریقا» تبصره یی را می بینیم که بخشی از آن چنین است:... قطعهء آسیا و افریق را اروپا کردن میخواهند! چقدر جرات! چقدر تجاوز!». درین نوشته پیرامون اینکه قاره های گونه گون را طبیعت به اشکالی ساخته که نا ممکن است آنها را به جای قارهء دیگر قرار داد و تا جاییکه مینویسد: «... ازین هم بدتر که اروپا ساختن آسیا را نیز از قندهار و هرات و کشک یا مشهد و تهران و بغداد انتخاب میکنند. زهی تصور باطل، زهی خیال محال» (۷۸)

نگارش دیگری زیر عنوان «آسیا باید از آسیاییان باشد» (۷۹) به نشر رسیده است. درین نوشته دست درازیها و استعمار اروپاییان توضیح و تقبیح گردیده و علاوه گردیده که اروپاییان چه حق دارند بر آسیا حاکمیت و حکمرانی نمایند. زیرا آسیاییها انسانها اند، آگاهی دارند، نیرو و توان دارند و بالاخره حق دارند در سرزمینهای خود طوریکه میخواهند آزادانه به سر برند.

---

(۷۷) محمود طرزی، مقالات... ص ۷۱-۸۰.

(۷۸) همان اثر ص ۲۳۸-۲۴۰.

(۷۹) همان، شماره ۱۷، سال دوم، اول جوزا، ۱۲۹۲، ص ۷ ستون اول.

قابل تذکر است که این شعار محمود طرزی بزرگ سالها بعد وقتی مبارزان کشور های آسیایی در برابر استعمار اروپا برخاستند. توسط وطنپرستان هند و اندونیزیا و دیگران تکرارمی شد.

زیر عنوان «ترقی شرق»، سراج الاخبار، نخست ترقی و پیشرفت در جوامع بشری را تعریف و توضیح میکند و بعدا پیرامون اینکه چرا افغانستان از شاهراه ترقی به دور مانده مطالبی مینویسد. در همین مقاله مدنیت تعریف میشود وبرتاریخ مدنیت روشنی انداخته میشود.

طوریکه معلوم میشود چنین نوشته ها به مقصد آگاهی خواننده گان پیرامون اصطلاحات سیاسی و علمی عرضه میگردد تا مردم بدانند، فکر کنند و عمل نمایند. نوشته های «جنگ و صلح» (۸۰) و «نتیجه جنگ جهانی» (۸۱) هم ازین قماش اند. در نگارشی تحت عنوان «دین، دولت و ملت» (۸۲) نخست از همه اصطلاحات متذکره همه جانبه و دقیق تعریف و تشریح شده است. این نوشته به شیوهء تحقیقی نگارش یافته و برای آگاهی سیاسی خواننده گان آن سخت ارزشمند بوده است.

مقالات سراج الاخبار در بارهء افغانستان- مخصوصا در ارتباط به آزادی این کشور، خیلی جالب و دلچسپ میباشد. مقاله یی تحت عنوان «افغانستان و نعمت آزادی» از عالی ترین روحیه سیاسی برخوردار میباشد و علاقمندان را به آزادیخواهی و پیکار جویی ترغیب مینماید (۸۳)

همچنان زیر عنوان «استقلال افغانستان» نخست راجع به مستقل بودن این

---

(۸۰) سراج الاخبار، شماره ۱۲، سال هفتم، ۹ دلو ۱۳۹۶.

(۸۱) همان، شماره ۴، سال هشتم، ۲۸ عقرب، ۱۲۹۷، ص ۷ ستون دوم.

(۸۲) محمود طرزی، مقالات... ص ۳۴۱- ۳۵۶.

(۸۳) همان، ص ۳۵۷

کشور واهمیت استقلال مطالب همه جانبه عرضه میشود و تاجاییکه مینویسد:

((استقلال یا خود به خود حاکم بودن یا خود مختار شدن از نقطهء نظر اسلامیت که شناخته میشود، این است که شرعا و عرفا یک جمع غفیرس از مسلمین، به قوت بازوی اجتهادی خود، یک حکومت آزاد تشکیل داده همه آن جمع غفیری از مسلمین، به قوت بازوی اجتهادی خود یک حکومت آزاد تشکیل داده آن جمع غفیر که عبارت از یک قوم و ملت معلوم و معروفی باشند. آن حکومت را تشکیل داده خود شانرا حکومت مشروع و معروفی بشناسند و بدانند و اعتماد کنند. اگر اینچنین ندانند و اعتماد نکنند بسیاری از احکام شرعیه در ان ملک و ملت ساقط یا ناقص میماند...)) (۸۴) بهمین ترتیب مقاله های دیگر این اخبار پیرامون معنای استقلال و شناخته شدن استقلال این کشور به نشر رسیده است. تا جاییکه در یکی ازین مقاله ها میگوید: ((... به قوت هر چه تمامتر، به همه برادران داخل وطن عزیز خود و عموم برادران خارج وطن عزیز خود... به فریاد بلند اعلان میکند که: دولت علیهء مستقلهء افغانستان نسلا به نسل با همه معانی ((استقلال)) مستقل و آزاد یک دولتی بود، هست و خواهد بود.)) (۸۵) طوریکه از ژانر های تبلیغی و تحلیلی منتشر در سراج الاخبار بر میآید، نقش سیاسی و اجتماعی این ژانر ها سخت ارزشمند و پر بها بوده است. نقش اجتماعی و سیاسی ژانر های مطبوعاتی را در سراج الاخبار درین کلمه ها میتوان خلاصه کردکه نخست از همه، تمام ژانر های نشر شده درین اخبار برای خواننده گان روحیه آموزش، آگاهی و تجهیز شدن با دانش و علم را عرضه میکند. به

---

(۸۴) سراج الاخبار، شماره ۱۲، سال هفتم، ۹ دلو ۱۲۹۶.

(۸۵) همان، شماره ۱۳، سال هفتم، ۲۴ دلو، ۱۲۹۶، ص اول ستون اول.

خواننده گان میفهماند که چطور جهان روبه ترقی و پیشرفت میباشد، و لی برخی مردم مخصوصا مسلمانان و افغانان ازین ودیعه عالی متاسفانه به دور مانده اند. بناء لازم میباید تا بیش از پیش سعی و مجاهدت نمایند و خود را با زیور تمدن آراسته گردانند. نشر ژانر های تبلیغی و تحلیلی برای اهل وطن این روحیه را ایجاد میکرد که برای رفع نواقص و مشکلات شان در زنده گی کلام حق را بی باکانه ابراز دارند و آنان این امر را به وسیلهء نامه ها و مراسله ها بر آورده میساختند. ژانرهای نشر شده در سراج الاخبار مردم و خواننده گان را برای پذیرش کلام ژورنالیستی به شیوه های گونه گون آن عادی ساخت. خواننده گان سراج الاخبار با خواندن مطالب تبلیغی و تحلیلی با جهان سیاست، اقتصاد، فرهنگ، علوم و فنون مختلف آشنا گردیدند. این ژانر ها برای خواننده گان روحیه آزادیخواهی و پیکار جویی ایجاد کرد و طوریکه بعدا درین رساله خواهیم دید. این روحیه باعث آن شد تا دومین نهضت مشروطه خواهی در کشور اوج گیرد و مردم ما برای تامین آزادیهای وسیعتر دست یابند. مختصر اینکه نقش اجتماعی و سیاسی ژانر های مطبوعات را در سراج الاخبار از هرلحاظ ارزشمند، مفید و سازنده میبابیم. دانشمندان و محققان این ارزشها را به گونه های مختلف در آثار شان عرضه کرده اند، و بالاخره باید گفت که اگر تنها در باب ارزش اجتماعی و سیاسی ژانر های مطبوعاتی در سراج الاخبار، به صورت مفصل تحقیق شود، همین خود رسالهء جالب و دلچسپی خواهد بود.

فصل دوم

گـــروه بنـدی ژانـر هـای " سـراج الاخـبار"

از مطالعه ژرف و دقیق متن سراج الاخبار افغانیه (۱) بر مي آید که در ین اخبار پانزده روزه انواع گونه گون ژانر هاي کنوني مطبوعاتي، ژانر هاي ادبي ، مقاله هاي علمي و تحقیقي ، عکسها ، کارتونها اعلامیه ها ، بیانیه هاو امثال آن نشر گردیده است. تحلیل و بررسي تمام گونه هاي شامل متن سراج الاخبار کتابهاي ارزشمند گونه گوني را به بار میآورد. بناءً در این اثر محض ژانر هاي وسایل ارتباط همه گاني منتشر در این اخبار مورد تدقیق و تحلیل قرار داده میشود . مسلماً اذعان خواهید نمود هنگام نشر سراج الاخبار شناخت و کار برد ژانر های مطبوعاتی به مفهوم امروزی آن نه تنها در افغانستان بلکه در تعداد زیادي از کشور هاي جهان کمتر صورت میگرفت. در آن وقت، و حتی تا این اواخر هم، هر نبشتهء مطبوعاتی را قلم به دستان و ژورنالیستان به نام مقاله یاد میکردند . در سراج الاخبار کثیراً دیده شده که نوشته یی زیر عنوان " مقاله" یا " مقالهء مخصوص" نشر گردیده ، در حالیکه چنین نوشته ها غالباً تبصره، راپورتاژ، نامهء وارده و امثال آن میباشد نه مقاله. تذکر این مسأله را نه به حساب خرده گیری بر اهل قلم و مطبوعات بعمل میآوریم، بلکه اصلاً مفهوم و معنای کلمه هایی مانند " ژانر" (گونه و نوع) "

---

(۱) سراج الاخبار افغانیه به مدیریت مسؤول علامه محمود طرزی ، پدر ژورنالیزم در افغانستا ن، طی هفت سال و سه ماه (از ۱۶ میزان . ۱۲۹ تا ۲۷ قوس ۱۲۹۷) پیوسته نشر شده و جمعاً ۱۷۷ شماره را برای علاقه مندان عرضه کرده است.

خلاصه مطبوعات"، " فلیتان"، " پامفلیت" و امثال آن، تا کنون هم نزد شمار زیادی از نویسنده گان مخصوصاً در کشور هایی مانند افغانستان روشن نمیباشد. طوریکه در آغاز فصل اول این اثر دیدیم، ترویج و تعمیم اصطلاح ژانر و دیگر اصطلاحات در افغانستان، از دست آورد های زنده گی کنونی این کشور به حساب میاید. بناءً وقتی درین اثر یکسلسله نوشته ها را از متن سراج الاخبار به عنوان راپورتاژ، نگارش (تبصره) مقاله، تقریظ، پامفلیت، ایپی گرام و امثال آن معرفی مینمایم هدف آن این نیست که علامه محمود طرزی اینگونه نوشته ها را به همین معنی و مفهوم نوشته و نشر کرده است، بلکه هدف ما از عنوان کردن مطالب متن سراج الاخبار به این نامها آنست تا پژوهشگران، دانشمندان و علاقمندان بدانند که نخستین گامهای مطبوعات در کشور ما باچنان غنای معنوی و مسلکی پیریزی شده که حتی امروز هم قابل استقبال و پیروی میباشد.

مسلماً افاده و ابراز کلام با استفاده از ژانر های گونه گون مطبوعاتي خود از هنر های قلم بدستان و دست اندر کاران جهان ژورنالیزم میباشد. در این اثر نشان داده میشود که محمود طرزی و همکاران قلم بدست او چه گونه این ژانر ها و قالبها را به حیث مرکوب فکر و اندایشهء خود کار بسته اند و هدف شانرا موثرانه تبلیغ کرده اند.

هدف ما در این فصل گروه بندی و معرفی هر صنف از ژانر های منتشر در سراج الاخبار میباشد. گروه بندی ژانر های مطبوعات را در سراج الاخبار به قرار آتی میتوان بعمل آورد.

۱_ خبر راپورتاژ در داخل تصنیف ژانر های اطلاعی (خبری).

۲_ مراسله، مقاله،نگارش(تبصره) تقریظ و نامهء وارده در داخل ژانر های تحلیلی.

۳_ اوچرک ، پرودیه، ایپی گرام، کنایه (لقمه) ،فلیتان و پامفلیت در داخل تصنیف ژانر های تبلیغی – ادبی.

باید متذکر شد که ژانر های مطبوعاتی در مراحل بعدی انکشاف مطبوعات درین کشور هم به اشکال گوناگون به نشر رسیده است. در مطبوعات دوره اعلیحضرت امان الله (۱۲۹۸-۱۳۰۷)(۲). در مطبوعات آزاد دورهء هفتم شورای ملی افغانستان (فقط طی سالهای ۱۳۳۰و۳۱)(۳) در مطبوعات آزاد سالهای ۱۳۴۵و۱۳۴۶ (خاصتاً در هفته نامه های خلق و پرچم)(۴) و بالاخره در مطبوعات دوره های بعدی نشر ژانر های مطبوعاتی در وسایل ارتباط همه گانی کشور گونه گونی بیشتر یافت. تحلیل و بررسي محتوای مطبوعات در هر یکی از دوره های متذکره در خور کار جداگانه میباشد.

مطالعه سراج الاخبار به ما یاري میکند که بدانیم ژانر های نشر شده در آن اخبار چگونه نوشته و روی کدام اهداف وقف شده است. یکی از اشخاصیکه اغلب نوشتن ژانر های منحصر به فرد و دارای کیفیت عالی را به عهده داشت همانا شخص محمود طرزی بوده است. اما در پهلوی او عبدالرحمن خان لودین،عبدالهادی خان داوی و فیض محمد خان ناصری ه به حیث کارمندان این نشریه نوشته های زیبایی از خود به یادگار مانده اند. در صفحات آینده ، ژانر های سراج الاخبار را با ارائهء مثالها به ترتیب مورد تحلیل قرار میدهیم و می بینیم که چگونه نوشته شده اند و کدام اهداف را پیش برده اند.

---

(۲) محمد کاظم آهنگ ، سیر ژورنالیزم در افغانستان ... ص ۸۲-۲۱۷.

(۳) محمد کاظم آهنگ، ژانر های طنزی در جریده وطن، کابل: پوهنتون کابل ، ۱۳۶۴.

(۴) ابراهیم عثمان، ارگانهای نشراتی ح.د.خ.ا. قبل از پیروزی انقلاب ثور،کابل: پوهنتون کابل ، ۱۳۶۳،ص ص ۷-۱۲۸.

الف) ژانر هاي اطلاعي و تفاوت آن با گذشته

۱_ خــبر : همانطوریکه خبر از کهنترین ژانر های مطبوعاتی میباشد، در صفحات مطبوعات افغانستان هم از همان آغاز جلب نظر میکند. خبر را در نخستین اخبار کشور به نام شمس النهار (۱۲۹۰ هـ.ق مطابق ۱۸۷۳ ع) میتوان ملاحظه کرد ولی شکل و شیوهء نوشتن و نشر خبر در شمس النهار با شکل شیوهء نشر آن در سراج الاخبار تفاوت دارد.

در شمس النهار خبر ها تحت کدام عنوان مشخص و در ستون خاص نشر نمیشد بلکه خبر ها اعم از داخلی و خارجی معمولاً زیر نام جایی نشر میگردید که از آنجا نشأت میکرد؛به طور مثال: خبر بدخشان، خبر میمنه، خبر چترار، خبر کابل و غیره. همچنان خبر های خارجی زیر عنوان " خبر لندن" ، "خبرامریکا"، "خبر روسیه"، خبر چین و روس" ، " خبرطایف""خبر مراد آباد"، خبر سلطان روم" (۵) و امثال آن، اما در سراج الاخبار خبر ها را زیر عنوانهای مشخص "حوادث داخلیه"و " حوادث خارجیه" به صورت منظم در هر شماره میتوان ملاحظه کرد.

خبر ها در سراج الاخبار متمرکز بر موضوع به نشر رسیده است. به این معنی که هر گاه خبر پیرامون جنگ در بالقانات بوده است کاملاق وقف همین موضوع گردیده و تمام چگونگی آنرا توضیح مینماید. اما خبر های شمس النهار متمرکز به محل بوده و حاوی چندین موضوع میباشد. به طور مثال وقتی خبری زیر عنوان " خبر بدخشان" (۶) جلب نظر میکند، در آن پیرامون آب و هوا ، باریدن برف و ورود اشخاص از

---

(۵) شمس النهار ، شمارهء سال اول، ۱۲۹۰ شماره های شمس النهار در آرشیف ملی افغانستان موجود است.

(۶) همان

نورستان به فیض آباد و گزارش داستان موهومی از زبان این اشخاص صحبت میشود. در سراج الاخبار چنین نبوده و کاملاً وقف موضوع مطرح بحث میگردید؛ به طور مثال: "به وقت شام روز یکشنبه سلخ ماه مبارک رمضان هلال غرهء ماه شوال المکرم خیلي ظا هر و نمایان در نظر همه گان جلوه گر گردیده به نواخته شدن سي و یک فیر توپ فردا ثابت بودن عید سعید میامن پدید فطر اعلان گردید" (۷)

مطلب اقتباس شده افتتاحیه خبر متذکره میباشد. در قسمت بدنهء آن مطلب مربوط به عید سعید فطر به صورت مشرح توضیح و نشر گردیده است. شیوه و سبک نگارش خبر در سراج الاخبار، با روحیه نوین، توام با حقایق و ارقام عرضه میشد، ولی در شمس النهار غالباً به گفته هایی اتکاء میشد که حقیقت می بود و یا موهوم.

در شیوه خبر نگاری سراج الاخبار یک موضوع قابل تامل است و آن اینکه نویسندهء خبرها گاهی تبصره های تاییدی یا تردیدی را در آغاز و یا انجام خبر توام میساخت. این مساله اگر درانوقت مطلوب پنداشته مي شد با روحیه خبر نگاری امروزی چندان توافق ندارد(۸)

شمس النهار خبر های رسمی را از دفاتر حکومتی به دست میآورد و نشر میکرد.(۹)

سراج الاخبار هم اینگونه خبر ها را از دفاتر حکومتی، توسط شخص معینی (که عبارت بود از علی احمد ایشک آقاسی)، به دست میآورد و زیب صفحات

(۷) سراج الاخبار، شماره اول، ۱۶ میزان، ۱۲۹، ص ۴، ستون اول.

(۸) محمد کاظم آهنگ، په افغانستان کي د ژورنالیزم تاریخچه... ص۶۳.

(۹) همان، سیر ژورنالیزم در افغانستان ... ص۵.

خود مینمود. چنانچه در خبر های زیر عنوان " حوادث داخلیه" چندین مطالب به نام شخص مذکور نشر گردیده است.(۱۰) قابل تذکر است که طی سالهای سوم و چهارم و غیره خبر های دفاتر دولتی را شخص محمود طرزی هم جمع آوری کرده و به نشر رسانیده است. در این ارتباط نوشته یی را شاهد میاوریم که به شرح ذیل در شماره های سراج الاخبار نشر میشد. "هر نوشته بدون امضاء توسط مدیر اخبار تحریر میگردد."

با اتکاء بعباره، بالایی میتوان گفت که تعداد زیاد خبرها در این اخبار توسط شخص محمود طرزی تحریر میشد، زیرا بدون امضاء نشر میگردید. در سراج الاخبار تاریخ خبر که دال به تازه گی آنست تا حد زیاد ملاحظه میشود. مثال آنرا قبلاً ذکر کردیم که در آن آمده است: " شام روز یکشنبه سلخ ماه مبارک رمضان " در شمس النهار این مساله کمتر رعایت شده است.

خبر های خارجی را هر دو نشریه از روزنامه ها و هفته نامه های خارجی اقتباس میکردند، زیرا در آنوقت به اصطلاح سراج الاخبار " تار برقی" و یا تلگراف و تیلفون در افغانستان موجود نبود. تا جاییکه در شماره های موجود شمس النهار ملاحظه گردیده، نشریه های اخبار عالم، طلسم حیرت، راجپوتانه، عام لاهور، انجمن پنجاب، لاهور، کوه نور، سیدالاخبار دهلی، لوح محفوظ (مراد آباد)،استریجی گزت، اوده، بمبی گزت و لیاقت منطبع در نیم قاره، هند، سندی تایمز و الستریتد لندن نیوز (منطبع در انگلستان)، مفرح القلوب (کویت) سنت پترزبورگ (روسیه) اخباری به نام ایران منبع خبر های خارجی شمس النهار بودند. این نشریه ها به قسم مبادله به شمس النهار ارسال میگردید.(۱۱)

---

(۱۰) سراج الاخبار، شماره، دوم، سال دوم، ۲۰ میزان، ۱۲۹۱،ص۵، ستون۲.

(۱۱) محمد کاظم آهنگ په افغانستان کي د ژورنالیزم تاریخچه .... ص ص ۱۸-۱۹.

به همین ترتیب سراج الاخبار خبر های خارجی خود را از نشریه های ذیل اخذ و نشر مینمود: حبل المتین (فارسی منطبعهء کلکته از طرف ایرانیهای مقیم هند) الهلال و ترجمان حقیقت (ترکی) وطن، پایونیر، زمیندار، طنین، ملت، پیسه اخبار ، افغان، وکیل، عام لاهور، ملتری نیوز لودیانه (نیم قارهء هند)، چهره نما ، الموید ، الشعب ، الشعب الغراء (مصر) رای العام (بیروت) توران (بخارای نو) ترجمان(بزبان ترکی منطبعهء باغچه سرای روس) طوفان(کرمان، ایران) مارننگ پوست، تایمز لندن و دیلی نیوز (انگلستان)

در هر دو اخبار ترجمانان زبان اردو،انگلیسی، عربی وغیره موجود بود که خبر های خارجی را برای نشر آماده میساختند. در سراج الاخبار نام ترجمانان توام با خبر های شان به نشر رسیده است. در شمس النهار نام های ترجمانان واضح نیست اما یکی از اشخاصیکه غالباً خبر های اردوو انگلیسی و بعضی مقاله ها را برای شمس النهار ترجمه میکرد عبارت بود از عبدالقادر یوسفزی پشاوری.

در شیوه تحریر و ادبیات خبر ها در سراج الاخبار طرز افاده ء نو و تازه گیهایی به ملاحظه میرسد. این امر در فهم خبر ها و استفادهء خواننده گان از آن خیلي ثمر بخش و مفید بوده است؛ برای مثال: نخستین خبر را که زیر عنوان " خبر های داخلیه" نشر گردیده عرضه میکنیم . این خبر در بارهء سپری شدن ماه رمضان به شکل یک خبر طویل به نشر رسیده است. خبر چنین شروع میشود: از فیض و عنایت حضرت ایزد منان ، امسال ماه مبارک رمضان فیض رسان به بسیار خوبی و سرور و کمال فرحت حبور مرور نمود. لله الحمد هیچگونه مرض و بیماری پرخوفی مانند پارسال، که هنوز دهشت آن از خاطره ها فراموش نشده ، موجود نبود. هوا نیز به نهایت لطافت و خوبی بود ، که هیچکس را نه از گرمی اذیتی و نه از سردی شکایتی پدیدار بود." (۱۲)

سایر مطالب خبر وقف موضوعاتی مانند ختم قران پاک ، رویت هلال ، ورود

(۱۲) سراج الاخبار ، شماره اول ، ۱۶ میزان ، ص ۱۲۹ ص ۳ ،ستون اول.

عـید و ترتیبات استقبال از عید فطر گردیده است. در ارتباط به نخستین پاراگراف خبر مذکور ، که تقدیم گردید آنچه لازم بوده است در خود نهفته دارد. اطلاع داده است که رمضان به پایان رسید ؛ اطلاع داده است که در ماه مبارک رمضان کدام حادثهء دلخراشی به وقوع نه پیوسته بود و هم گفته است که نسبت به سال گذشته خیلی خوب سپری شد. به این ترتیب ضمن باز گفتن مطالب جالب اطلاعی روحیه مقایسه هم در آن موجود میباشد که همین خود خبر را جالب و موثر ساخته است.

خبر های داخلی در شمس النهارو در گام اول آنقدر زیاد نبوده است و اگر هم خبری به ملاحظه میرسد اصلاً یا خبر نمیباشد یا اینکه اکثر عناصر خبری در ان مفقود است متن سایر مطالب شمس النهار خیلی ثقیل میباشد و به شیوهء کتابی تحریر یافته است اما در عرضهء خبر های خود تا حد زیاد روش ساده را تعقیب کرده است. در ینجا مطلبی را به قسم مثال عرضه میداریم:

" از ملاحظهء اخبار عام لاهور واضح گردید که در کتاب حکمت چین یک عجیب و غریب نقل شناخت نسل انسان تحریر شده است. که مردم چین قدری خون اولاد را و قدری خون پدر را در یک ظرفی که در آن آب باشد می اندازند. اگر خون فرزند و پدربا هم مختلط گردید پس میدانند که اولاد حلال است و فرزند هم از آن پدر است و اگر احیاناً خون های شان با هم مختلط نگردیدند و جوش نخوردند پس او شان یقین میکنند که این فرزند هیچگونه رشته همراه این پدر ندارد." (۱۳)

از شمس النهار که بگذریم در سراج الاخبار ، در تمام شماره ها ، عنوان" حوادث داخلیه جلب نظر میکند و اغلب مطالب خبری شامل اجراآت و دید و بازدید امیر از جاهای مختلف کشور مراسم اعیاد ، مسایل آب و هوا ، تحت عنوان مذکور به نشر میرسید. باید متذکر شد که عنوان مذکور طوریکه قبلاً هم به آن اشاره شد ،

(۱۳) شمس النهار ، شماره دهم ، سال اول،. ۱۲۹ ص ۷.

مقاله ها ، راپورتاژها، تبصره ها و حتی نامه های وارده هم به نشر رسیده است.

به هر حال، خبر داخلی در سراج الاخبار ، به حیث یک پدیدهٔ مبرم و ضروری زیب صفحات این اخبار گردیده است. به خاطر آنکه خبر در سراج الاخبار اغلب وقف دربار میشد ، بناءً اندکی از زنده گی اجتماعی و خدمت به اکثریت عظیم توده ها دور بود. زنده گی کار و تولید و آرمانهای مردم کمتر در آن انعکاس مییافت. این خرده گیری ها را نه به خاطری بعمل میاوریم که محمود طرزی و همکاران او از اهمیت خبر داخلی ، از آرمان مردم ، از تولید و کار آگاه نبودند . آنان بخوبی این مسایل را میدانستند ولی غیر از موجودیت رژیم مطلقه و وابسته به یک سیستم استعماری، دهها مشکلات دیگر هم دامنگیر ایشان بود؛ به طور مثال : کارمندان حرفه ئی در مرکز و ولایات محدود بود ، وسایل سریع انتقال خبر کمتر وجود داشت؛ تا حدیکه لازم بوده است عقیدتمندی و دلچسپی به خبر و خبرنگار کمتر موجود بود و بلاخره خود خواهیهای ارباب امور و دربار به شکلی بود که اکثر بن بستهایی را که در کار و فعالیت ژورنالستی ایجاد مینمود. در تهیه و نشر خبر های خارجی نقش سراج الاخبار محض هینقدر بود که آنرا به عبارت شیوا و رسا ترجمه میکرد و به نشر آن میپرداخت، اما طوریکه معلوم است در ساختمان و محتوای آن نقش کمتری داشت. برای تصویر آن که چگونه خبر های خارجی نشر میگردید اینک چند خبری را به حیث مثال عرضه میداریم: نخست خبری را تقدیم میداریم که از پایونیر بدینگونه برگردان شده اشت: " در ابتدای امسال حالت پولتیکی جمیع ممالک کلان پر از شورش و فساد بوده است . و اگر در یک ملک شورش مزدوران و یا انقلاب خواهان فرو میشود به دیگر ممالک همان قسم فساد برپا میشود." (۱۴)

(۱۴) سراج الاخبار ، شماره اول، ۱۶ میزان، ۱۲۹۰.

عباره اقتباس شده افتتاحیه خبری بوده است. بقیه آن به شکل تبصره گونه در باره موضوع مذکور به نشر رسیده است.
طوریکه ملاحظه میشود ، سراج الاخبار از همان نخستین شماره‌ء خود روحیه ضد ممالک بزرگ استعماری را پرورش میداد. همچنان خواننده گان را به ضدیت با چنین کشور ها بر می انگیخت. کار برد اصطلاحات " مزدوران" و " انقلاب خواهان" دال بر آنست که نویسنده‌ء سراج الاخبار به این گروهها توجه داشت و اندیشه های مترقی را می پسندید.
اینک خبر دیگری را در عین موضوع اقتباس می نمایم:
" در شهر دوما مزدوران ریل از ین سبب اراده شورش داشتند که ایتالیا در طرابلس وضع مخالفانه ء ترکی را اختیار نموده است. لاکن شورش مذکور به توسط چند نفر کار داران معتبر فرونشست . " (۱۵)
رویهمرفته ، خبر های خارجی در شماره های سراج الاخبار به کثرت نشر میگردید. تعداد خبر های خارجی را غالباً نشر سایر مطالب تعیین میکرد. یعنی هرگاه نشر مطالب داخلی ، ستونهای اختصاسی ، داستان ، شعر و امثال آن مطرح میبود ، یا اینگونه مطالب زیادتر می بود ، در آنصورت مطالب خارجی کمتر نشر میشد. در غیر آن خبر های خارجی حتی گاهی صفحات زیاد اخبار را پر میکرد.
طوریکه ملاحظه میشود ، در شماره های سال چارم (۱۲۹۳) سال پنجم (۱۲۹۴)، وقتی ستونهای اختصاصی " ناموران زنان جهان" ، " ثروت ملل" و داستان " "فاجعه های پاریس" ختم میشود ، در تعداد خبر های خارجی افزایش به عمل می آید. چنانچه در بعضی از شماره های سال پنجم آن خبر های خارجی حتی ۱۳ صفحهء اخبار را اشغال کرده است . در این ارتباط قابل یاد آوریست که چون در

(۱۵) سراج الاخبار ، شماره دوم سال اول، ۳۱ میزان ،. ۱۲۹، ص ۵ ستون اول.

همین وقت جنگ اول جهانی در اوج خود بود ، بناءً خبر های آن از لحاظ دلچسپی برای خواننده گان بیشتر به نشر میرسید ولی با وجود آنهم عدم توازن در نشر مطالب به هر حال به حیث یک نقیصه تلقی میگردد.

خبر ها در سراج الاخبار ، از لحاظ شکل، به سه نوع تقسیم میشود:

خبر های کوتاه و خبر های توضیحی یا طویل که مثالهای آن در گذشته عرضه شد از نگاه سرعت و تازگی (با آنکه هنوز امکانات گرفتن خبر ها به وسیله تلگراف و تلفون وغیره امکانات تخنیکی میسر نبود) تدابیری به کار داشت، تاخواننده گان را بیش از پیش جلب نماید یک نوع خبر ها به نام " آخرترین خبر ها " نشر می گردید . درین ارتباط مطالبی را از شماره اول سال پنجم تحت عنوان " آخرترین خبر ها" مرور میکنیم . تحت این عنوان خبرها به صورت مختصر به قرار آتی به نشر میرسید:

" ۱۵- ماه اگست، **۱۹۱۵** – خبر لندن- یک جهاز ماسترل نام دولت برتانیه را کشتي تحت البحری جرمن غرق نمود. از عمله و نفری آن یک نفر هلاک و یک نفر مفقود گردیده " یا " ۶ماه اگست،خبر لندن- یک جهاز یورشیا نام انگلیز را تحت البحری دولت جرمنی غرق نموده از عمله آن ۱۴ نفر نجات یافته " (۱۶)

عنوان " آخرترین خبر ها" از همان آغاز نشرات سراج الاخبار موجود بوده و عندالضرورت خبر هایی از قماش بالایی را زیر این عنوان نشر میکردند.

در شماره های سالهای ششم ، هفتم و هشتم تعداد خبر ها به تناسب سالهای چارم و پنجم کمتر میشود و در عوض مطالب ادبی از قبیل اشعار و قصاید و بعضی ستونهای اختصاصی زیاد تر میگردد.

چون سراج الاخبار در هر دو هفته یکبار نشر میشد و هم امکانات سریع اخذ خبر

---

(۱۶) سراج الاخبار و شماره اول، سال پنجم، ۴ سنبله، ۱۲۹۴،ص ۱۵ ، ستون۲ .

ها کمتر میسر بود ، بنابران نشر خبر های خارجی در آن اخبار به شکل اجمال خبر ها بـه گونـهء تشریحی و توضیحی بهتر مینماید. اما چون در آنوقت یگانه اخبار در تمـام سرزمین افغانسـتان بـود ، بناءً هر مطلبی را کـه بـه نشـر میرساند ، برای خوانـنده گـان آن جالـب میبود . کارمندان سراج الاخبار گاه گاهی خبر ها را توأم با عکسـها ، جدولهـا و نقشـه هـا نشـر مـینمودند کـه ایـن مسـأله خـود در پروسـهء خبرنگاری آنزمان گام پیشرفته تر تلقی شده میتواند.
بدیـن ترتیـب در فـرجام ایـن بحث میتوان گفت کـه بـه صـورت نسـبی کـار سـراج الاخبار در تهـیه ، ترتیب و نشـر خبر هـا تا حد زیادی پاسخگوی شرایط بوده و از نظر دانشمندان فن مطلوب فکر میشود.

۲_راپورتاژ:

سراج الاخبار در تهیه، تحریر و نشر راپورتاژ نه تنها نسبت به اخبار های گذشته (شمس النهار و سراج الاخبار افغانستان) پیشگام بود. بلکه نظر به روزنامه ها و هفته نامه های بعدی نیز سبقت و امتیاز داشت . راپورتاژ، بحیث یک ژانر خبری و اطلاعی ، مقام برجسته یی را در سراج الاخبار احراز میکند.
شیوهء تبلیغی- ادبی که در نوشتن ژانر راپورتاژ به کار رفته است، سراج الاخبار و نویسـنده گـان آنرا در شمار اخبار و نویسنده گان طراز اول کشور افغانستان قرار مـیدهد. نویسـندگان سراج الاخبار ،به حیث رهکشایان شیوه های نگارش این ژانر مقام ارجمندی نزد آینده گان دارند.(۱۷)
در راپورتاژ های سراج الاخبار علاوه به رعایت شیوه های موزون اطلاع دهی ، چگونه گی اساسهای تبلیغی و بدیعی هم در نظر گرفته شده است. در راپورتـــاژ

---

(۱۷) محمـد کـاظم آهـنگ، راپورتـاژ، (بولتـن ژورنالیسـت، نشـریهء اتحادیـه ژورنالیسـتان افغانستان) شماره هشتم و دهم. سال دوم، عقرب قوس و جدی، ۱۳۶۷.

های این اخبار جریان واقعه با در نظرداشت ترسیم و تصویر محل واقعه ، تصویر حالت و چگونگی رخداد واقعه ، کاربرد کلام دیگران و شیوه های حسن تعلیل و حسن تمحید تحریر یافته است که همین خود ارزشمندی آنرا تعیین مینماید.
دانشمندان عقیده دارند که راپورتاژ عیناً مانند خبر واقعی و عینی میباشد.
همچنان در نشر راپورتاژ سرعت در نظر گرفته میشودو طوریکه یک دانشمند گفته است:" راپورتر باید حقیقت را بنویسد و چنان سریع بنویسد که به اصطلاح ها راز تکه نرود." (۱۸)

طوریکه گفته آمدیم، راپورتاژ های سراج الاخبار ، در کار ترسیم و تصویر جریان واقعه و در امر کار برد پیرایه های ادبی و در نشر واقعیت ها تا حد زیاد، داد سخن را داده است. اما از لحاظ ثمر بخشي اجتماعي و ارتباط به اکثریت مردم جامعه معضله هایی در یک تعداد از راپورتاژ های آن به ملاحظه میرسد، تعدادی از راپورتاژ های این اخبار وقف سیر و سفر و دید و بازدید امیر حبیب الله، فامیل و وابسته گان او میگردید. اما شماری از راپورتاژ های آن مردم، زحمتکشان و فقیران را هم از نظر دور نمانده است. اینگونه مسایل را نگارندهء آن به شکل خیلی ماهرانه و جالب انعکاس داده است.

طوریکه ملاحظه میشود راپورتاژ های سراج الاخبار تحت عنوان های دایمی " خبر های داخلیه " "مکتوب" و امثال آن نشر شده است؛ به طورمثال: در اینجا راپورتاژی را به قسم نمونه ارائه میکنیم که اصلاً زیر عنوان "مکتوب" نشر شده است. باید گفت که مکتوب بعد از مقدمهء ذیل به نشر رسیده است:

" داک شهر - ازداک شهر کابل مکتوبی گرفته ایم که ورود موکب اردوی ظفر آمود همایونی را که، مظفراً و منصوراً از محاربهء منگل به دار السلطنت کابل عودت نموده اند، تصویر میکند. لهذا مکتوب مذکور را جنساً درج مینماییم.

---

(۱۸) ابراهیم عثمان، کاظم آهنگ... ژانر های وسایل ارتباط همه گانی ... ض ۹۹.

مکتوب

به اداره خانهء سراج الاخبار افغانیه!

بعد القاب!

"دیروز یعنی یوم دوشنبه ۲۷ ماه رمضان المبارک که یک روز مقدس این ماه مبارک بود در هر طرف شهر یک شوق و شادمانی مشاهده میشد. مردم شهر فوج فوج به سوی سرک بزرگ بینی حصار میرفتندز ازین معلوم میشدکه غیر از شرافت معنوی آن روز مبارک یک شرافت مادی دیگری نیز در بر دارد. این مخلص شما نیز بعد از فراغت از وظیفه که در ماشینخانه داشتم. با یکی‌از رفقای خود در عرابه نشسته بهمان سمت عرابه چی را به راندن اشارت کردم.

عرابه از حد قومی باغ(×) هنوز نگذشته بود که به یک منظرهء بسیار پرشکوهی برخوردیم. آمدآمد اردوی مظفر از زبان هر رهگذر به یک سرور و مفتخر شنیده میشد. عرابه را در یک کناره کشیده در پیش یک منظرهء بسیار با شکوهی خود را یافتیم که همه هیبت و سطوت موجودیت عسکریه افغانیه را به کمال در نظرها تجسم میداد."

تا جاییکه مینویسد: " عرابهء ما چون در مقابل توقف داشت مجرای جریان آمدن اردو را به تمامها مشاهده میتوانستیم. صدا های دهلهای عساکر رساله یعنی سوار و موزیکهء عساکر پیاده ، تقرب نمودن اردو را اشعار میکرد. اول به اول عساکر نظامی غند اردل واردلی با عساکر... سواری خاصه، که به اونیفورم های رسمی خود شان ملبس بودندو به استقبال برامده بودند، موزیکه های اهویهء لطیفهء فتح را نواخته به تمام نظام و انتظام مهابت انجام مرور نمودند. در

(×) قومی باغ در شمال مرادخانی بین پل محمود خان و دروازه شرقی ارگ موقعیت داشت.

عقب آن عساکر ملکی شاهانه که هر فرقه و هر جماعهء هر قبیله با تخته چوبهاییکه اسم و شهرت شان بران نوشته شده بود و یکی از آنها که در صف اول شاند می بود به دست داشته بودند ، شناخته می شدند. از همه بیشتر جماعهء قوم جدران بود که به قیافت عجیب الخلقهء مردانهء رئیس و افسران شان (ببرک خان) از دور شناخته می شدند. بعد از آن دیگر صفوف عساکر ملکی به یک انتظام تمام در گذشتند. در عقب آن یک منظرهء دهشتنمای دیگری ظهور کرد که آنهم مرور گروه اشقیای گمراه شده یی بود . حقیقتاً که این منظرهء خیلی رقت آور بود. مجازات مدهشهء جهالت و شقاوت را رای العین نشان میداد. نتیجهء شقاوت و عصیان ذلت و حقارت و خذلانست که خدا انسانرا از آن بلای خانه ویران به حفظ و صیانت خود نگهدارد. بعد از ین منظره یک منظرء نظر پرور دیگر به مرور آغاز کرد که عبارت از عساکر ظفر مآثر مجاهد مسافر بودند که با یک نشهء سرشار غالبیت که از صنوف پیاده و طوپخانه و بلوکهای مترالیوز مرکب بود مرور نمود و در عقب آن سواری خود جناب جنرال(محمد نادر خان) با بلوکهای عساکر سواری معیتش و باقی افسران نظامی و بعضی از ذوات مستقبلین و در پی آن دیگر متفرقات اردو گذشتند." (۱۹)

در بخش دیگر این راپورتاژ ، نویسنده خاطرهء دیدار خود از عساکر را در قطعه آنان حکایه میکند و ازینکه به حضور جنرال مذکور بار یافته و با او مصافحه نموده بود ابراز خوشی و سرور مینماید. در اخیر نوشته امضای نویسنده چنین آمده است: "از ده افغانان کابل ۲۷ رمضان سنه. ۱۳۳(هـ.ق)م.ط."

راپورتاژ اقتباس شده از لحاظ محتوی و کیفیت و خصلت اجتماعی برخورداراست. زیرا جریان واقعه یی را تصویر میکند که حاکیست از بازگشت عساکر مظفر کشور در امر فرونشاندن تعدادی‌از باغیان. اصول راپورتاژ نویسی

(۱۹) سراج الاخبار، شماره اول، سال دوم، ۴ میزان، ۱۲۹۱ ،ص ۱۳ ،ستون اول.

ایجاب میکند که عباره های آن به اصطلاح ژورنالیزم " چطور" واقعه را ترسیم کند. این موضوع به وسیلهء فقره هایی چون : " شوق و شادماني " "فوج فوج"، "منظرهء پرشکوه"، "آمد آمد اردوي مظفر " و امثال آن به نیکویی افاده گردیده است. این راپورتاژ را کارمندان اخبار نه نوشته بلکه شخص دیگری که وظیفه اش خبرنگاری نبوده تحریر نموده است. این مسأله گویای این حقیقت است که دران وقت هم جسته جسته بودند، اشخاصیکه در نویسنده گی مهارت و توانایی داشتند.

در این جا اجازه بدهید ، راپورتاژ دیگری را مطرح بحث و تحلیل قرار دهیم که زیر عنوان " لیلهء جشن" به نشر رسده است. هدف این راپورتاژ گزارش مراسم بیست و یکمین سالگرد تولد شهزاده امان الله میباشد. در بخشي از این راپورتاژ میخوانیم : "...دالان به قرار همه شبهای جشنها به کمال زینت و آراسته گی ، هر چیزی در همه جاحاضر وآماده داشت. همه مدعووین حاضره با اونیفورمهای رسمي طعام خوری شبانه ملبس بودند و..." (۲۰)

عباره ء اقتباس شده یک بخش از متن راپورتاژیست که در آن چطور واقعه با عباره های " کمال زینت و آراسته گی " ، " هر چیز در همه جا حاضر"، "مدعووین با اونیفورمها ملبس" و امثال آن افاده شده است. این راپورتاژ با آنکه مربوط میشود به یک واقعهء دربار و آنهم تولد یک شهزاده مگر از لحاظ ارتباط دربار با مردم و جامعه و از لحاظ اینکه جامعه و مردم از خصوصیتهای زنده گی و مسایل دربار آگاه شوند ارزش خود را دارد. گذشته ازآن چون نگارندهء سراج الاخبار در ارتباط به شخص شهزاده امان الله هدفی داشت مبنی بر پیشبرد اهداف نهضت مشروطه خواهی دوم در کشور، بناءً برای خوش سازی شهزاده و جلب همکاری او در این زمینه گوشهء کاغذی رابه خاطر سالگرد او پرکردن مجاز

(۲۰) سراج الاخبار ، شماره، ۵۴، سال دوم ، ۱۹ عقرب ، ۱۲۹۱ ،ص۲ ،ستون اول

دانسته است. در این جا بخشهایی از دو راپورتاژ دیگری را که پیرامون عید قربان و عید رمضان نوشته شده عرضه میداریم. راپورتاژ از مراسم عید اضحی چنین آغاز مییابد: " به وقت شام روز سه شنبه ۹ ذی الحجة الحرام با انداخت ۳۱ فیر توپ عید سعید اضحی اعلان گردید." (۲۱)

راپورتاژ مربوط به مراسم عید فطر را ملاحظه فرمایید: " توپ های شادمانی ییکه برای ادای تعظیم وداع ماه صیام فرحت اختتام و استقبال و پذیرایی عید میامن پدید، انداخته می شدند. با هر صدای آن به صد ها صدای خوش ادای اطفالیکه بر بام ها برای شنیدن و حساب کردن توپ ها انتظار داشتند نیز هم آواز گردیده فرحت عمومی را دو بالا میساخت. روز جمعه همه اهالی و اطفال که به لباسهای رنگارنگ جدید ملی شان ملبس بودند به کمال شطارت دیده میشدند که جوق جوق به سوی مسجد ماجد عیدگاه توجه و عزیمت داشتند." (۲۲)

در عباره های اقتباس شده از دو راپورتاژ فقره های " باانداخت ۳۱ فیر توپ"، " توپهای شادمانی"، "استقبال و پذیرایی عید"، " رنگارنگ جدید ملی"، " کمال شطارت"، " جوق جوق" همه چطور واقعه رابیان میدارند و دارای خصوصیت راپورتاژ میباشند.

از دو راپورتاژ مراسم عید و راپورتاژ تشریفاتی و رسمی مراسم تولد معلوم میشود که نویسنده گان سراج الاخبار، در هر کدام خواست زمان و شیوهٔ خاص نویسنده گی را رعایت کرده اند. این چنین نوشته ها اکثر با حسن تمهید شروع گردیده و به شکل خیلی عالی انکشاف داده شده است. برای مستدل سازي بیشتر این ادعا راپورتاژ دیگری را از نظر میگذرانیم: " در روز سه شنبه گذشته ساعت ۸، اگر کسي از خانه خود برآمده جانب چمن نظامی خواجه رواش یک

(۲۱) همان، شماره پنجم، سال دوم، سوم قوس ۱۲۹۱، ص۳، ستون دوم.

(۲۲) همان، شماره اول، سال پنجم، ۴سنبله ۱۲۹۴، ص ۴ ستون دوم.

سیر و حرکت اجرا مینمود ، پس از یک چند دقیقه چون به سرک فراخ و جسیمی که از زیر گنبد کوتوالی جدا شده از پشت قشله قشون به شجاعت مشحون، غند های اردلی واردل و از پیش روی باغ فرحت سراغ ارگ مبارک به خط مستقیمی که از غرب به سوی مشرق به کمال وسعت و پهنایی ممتد گردیده ... به چمن نظامی میرسد. ناگاه نظرش را یک منظرهء هیبت نمای شوکت انتها که معانی بزرگ و صفات عظیم ... و عنوان جلیل عسکری را در بر میگیرد، به سوی خود جلب نموده ، هیکلهای مجسم و ... به کمال عظمت و وقار در پیشروی خود متین و استوار مییافت. " (۲۳) طوریکه ملاحظه میفرمایید . هدف اصلی نویسندهء این است که نمایش و اجرای تمرینات قطعات اردل واردلی ها را اطلاع دهد. وي قبل از آن راجع به دیده گیهای خود مانند گنبد کوتوالی،سرک های مربوط، چمن نظامی وغیره به شکلی تمهیدی ترسیم و تصویری راعرضه کرده است. بعد از ابراز مطالب مذکور چگونه گی نمایش قطعات متذکره را به نیکویی تصویر کرده است. قابل تذکر میباشد که در همین ارتباط در صفحات دیگر اخبار تصاویری از بازدید امیر از جریان نمایش عسکری به نشر رسیده است. هرگاه سراج الاخبار عکسها را توأم با متن به نشر میرساند مسلماً راپورتاژ مصوری از آن ساخته میشد.

کار استادانهء سراج الاخبار را در نوشتن راپورتاژ از نوشته آتی به خوبی میتوان فهمید. در این راپورتاژ اصلاً هدف اطلاع راجع به مسافرت امیر به جلال آباد میباشد ولی نویسنده این مطلب را بعد از یک مقدمهء زیبای ادبی ، که در آن حسن تعلیل و حسن تمهید به صراحت و زیبائی خاص نمایان است، چنین بیان کرده است:

---

(۲۳) سراج الاخبار ، شماره نهم ، سال پنجم، اول جدی، ۱۲۹۴ ،ص۲ ، ستون اول.

" موسم زمستان دهشت رسان کابل با همه ساز وسامان برودت و انجماد خود عیان گردید. آبشار از رفتار، هزار از گفتار، گلزار از ازهار، دلها از دلدار ،دیده ها از دیدار جدا ماند..." (۲۴) پاراگراف بعدی این راپورتاژ هم وقف ترسیم چگونه گی زمستان " دهشت رسان" گردیده و سپس پیرامون سفر امیر به جلال آباد مطالبی به نشر میرسد. در راپورتاژ مخصوصاً در ارتباط به سفر امیر این مسأله توضیح گریده است که چون کابل سرد شده بناءً وی به جلال آباد ، که هوای گرم دارد، سفر میکند . در راپورتاژ به صورت غیر مستقیم راجع به احوال نابسامان و زنده گی فقرزدهء مردم مطالب عرضه میشود و در عین حال از زنده گی پرتنعم و مرفهء امیر و مصاحبان او بحث میشود و به شکلی ترسیم میگردد که تأثیر اجتماعی خود را به جا میگذارد.

محمود طرزي در کار دراماتیک ساختن حقایق، که از ایجابات راپورتاژ نویسي میباشد. خیلی ماهرانه و استادانه عمل کرده است. در ارتباط به این مسأله گوشه یی از یک راپورتاژ رانقل میکنیم که باز هم راجع به زمستان نوشته شده است: "زمستان دهشت رسان کابل با همه سازو سامان و لوازمات هیبت و ثقلت نشانخود رونمای ظهور گردید..." . تا جاییکه گوید: " هرجا که دود است سود است" گفته ، هر کس به سوی آتش میدود! " الوبه از پلو" سروده همه گان پیش از نان به غم تدارک نمودن نیران میکوشد! "زمستان آفت جان فقیران"را ورد زبان ساخته، هر بی توشه به قدر پیسهء خود در اندیشهء اندوختن توشه میشود..." (۲۵)

طوریکه معلوم است ، دراماتیک ساختن حقایق معمولاً به مقصد جالب نمودن و موثر ساختن نوشته های ژورنالستی و ادبی بعمل می آید. محمود طرزی این

(۲۴) سراج الاخبار ، شمارهء دهم، سال ششم ، ۶ قوس ۱۲۹۵.

(۲۵)سراج الاخبار ، شماره هشتم سال هفتم ، ۹ قوس، ۱۲۹۶ ،ص اول ، ستون اول.

امر را نه تنها در راپورتاژ بلکه در سایر ژانر ها هم کثیراً مورد استفاده قرار داده است. در راپورتاژ بالایی عباره های "الو به از پلو". "هر جا که دود است سود است" و زمستان آفت جان فقیران" و غیره از عباره هایی شمرده میشوند که برای دراماتیک ساختن حقایق به کار برده میشوند. در امر دراماتیک ساختن کار برد ضرب المثل های وطنی ، گفته های بزرگان، کلمه های قصار ، مصراعها و بیتهای معروف و امثال آن سفارش میشود.

در سراج الاخبار ، راپورتاژ های زیاد نشر شده ولی در این اثر محض چند تای آنرا به عنوان مثال مورد ارزیابی و تحلیل قرار دادیم.

ب) ژانر هاي تحليلي- وسيله مهم پروپاگند انديشهء جوانان افغان

تا جاییکه صفحات سراج الاخبار نشان میدهد ، از ژانر های تحلیلی پنج نوع آن نشر گردیده که عبارت از مراسله ،مقاله، تبصره(نگارش)، تقریظ و نامهء وارده میباشد. از جملهء ژانر های مذکور مقاله و تبصره به حیث بهترین وسیلهء باز گویی فکر و اندیشه ء نگارندهء سراج الاخبار بوده است . به وسیلهء همین دو ژانرنه تنها راجع به انکشاف و پیشرفتهای اقتصادي و دگرگونیهای اجتماعی تحلیل اجتماعی به عمل آمده، بلکه راجع به مهمترین مسایل سیاسی کشور وجهان تحلیل های جامع و همه جانبه صورت گرفته است. دانشمندان معتقدند: " مطبوعات مانند زنده گی پیوسته در تشکل است و این امر هیچوقت و به هیچ اساس پایان ندارد. مطبوعات در میان مردم زنده هست و به صورت عادلانه در آرزو و امید ، خوشبختی و بدبختی ، محبت و خصومت میان آنان سهم میگیرد و همین پدیده ها را انعکاس میدهد . " (۲۶)

وقتی سراج الاخبار به میان آمد برای سهمگیری در زنده گی مردم و برای خدمت به هموطنان ، در پهلوی آنکه رسالت تنویر مردم را به عهده گرفت و در

(۲۶) کارل مارکس و فریدریک انگلز، کلیات، ج اول، (زبان روسي)، ص۱۶۶.

امر پیشرفت و ترقی اجتماعی کشور به مبارزات جدی پرداخت، در برابر استعمار و امپریالیزم اروپا به شکل خیلی جدی و ماهرانه نشرات و پروپاگند خود را سازمان داد (۲۷) بهمین سبب زنده ماند و سلسله جنبان آن در این کشور مطبوعاتی گردیده که عنعنهء کارو پیکار محمود طرزی را نه تنها دنبال کردند بلکه در امر انکشاف آن هم گامهای پیشرفته برداشتند.

سراج الاخبار افغانیه با اتخاذ سیاست مردمی؛ با کار برد شیوه های روشنگرانه برای احراز زنده گی مرفه و مترقی و با پیشگیری سیاست ضد استعمار به صورت همه جانبه در خدمت مردم خود قرار گرفت. طوریکه معلوم است در راه این آرمان پیوسته به پیش حرکت کرد و یک سرمو هم در کار آن عقب نشینی ، تنبلی و اهمال دیده نمیشود.

مبارزه های سراج الاخبار برای تأمین اهداف آن به وسیلهء همه ژانر های متن آن بعمل آمده است، اما از لحاظ سیاسی و اجتماعی مقاله و تبصره را در زمرهء نخستین ژانر ها میتوان تلقی کرد.

قابل تذکر است که نشر سراج الاخبار و با به وجود آمدن جمعیت سراج الاخبار افغانستان (۲۸) و به دنبال آن سراج الاخبار افغانیه روی این هدف استوار بوده است.

سراج الاخبار افغانستان محض یک شماره نشر شده و متوقف گردید اما سراج الاخبار افغانیه در مبارزات و پیکار های خود از یک طرف روحیه ملیت گرایی را به مقصد تأمین استقلال افغانستان تسریع بخشید ، از جانب دیگر مبارزات خود را برای تأمین مشروطه شاهی در کشور عیار ساخت، بناءً در تحلیل ژانر های

---

(۲۷) محمد کاظم آهنگ، په افغانستان کي د ژورنالیزم تاریخچه ص ۱۱۵.

(۲۸) عبدالحی حبیبی ، جنبش مشروطیت در افغانستان ، کابل: کمیته دولتی‌طبع و نشر: ۱۳۶۳ ، کابل ص ۶-۱۲.

مقاله و تبصره و دیگر ژانر های تحلیلی خواهیم دید که چقدر موضع گیری سالم برای تأمین مشروطه شاهی در سازماندهی فعالیتهای جمعیت جوانان افغان سهم بارزی به جا آورد . چون بررسي و تحلیل ژانر های تحلیلی مخصوصاً در ارتباط به جنبش مشروطه خواهی بعمل میآید لهذا قبل از آنکه ژانر ها در داخل اهداف خود آنها مورد ارزیابی قرار گیرد بهتر است شمه یی پیرامون جنبش جوانان افغان صحبت نماییم تا در پرتو آن ارتباط این دو پدیده بهتر تحلیل گردد.

نخستین جنبش جوانان افغان به نام " مشروطه خواهان اول" توسط مولوی محمد سرور خان واصف کندهاری در ۱۳۲۳ هـ.ق ، آغاز و سازمان داده شد. این جنبش تا ماه صفر ۱۳۲۷ هـ.ق ادامه یافت و بنا به قتل و حبس تعدادی از اعضای آن خاتمه یافت(۲۹). به قرار نوشتهء مرحوم حبیبي این حرکت " ظاهراً از بین رفت ، ولی بعداً در قلوب اولاد ملت اندر خفا ریشه دوانید و مشروطیت دوم را به وجود آورد که استقلال افغانستان و طرز نوین اداره و تحول افکار را در دورهء امانی ثمر داد" (۳۰) درین نهضت عوامل داخلی و خارجی ، شخصیت های مختلف و شرایط بین المللی سهم داشته است. از جمله عوامل داخلی سهم سراج الاخبار و نگارنده ء آن خیلی بارز و ارزشمند بوده است. مرحوم حبیبی مینویسد:

"در این وقت در باریان امیر دو دسته بودند: یکی طرفداران جنگ که در آن برادر امیر ، سردار نصرالله و دو فرزند امیر، عنایت الله، و امان الله شامل بودند که از طرف محمود طرزي (خسر شهزاده گان و عنصر مهم پیشوای روشنفکران) وحلقه های دینی و طرفداران ترک و اکثریت قبایل افغان حمایت میشدند..." (۳۱)

---

(۲۹) همان ص ص۱۲_۷۲.

(۳۰) همان ص ۷۴،

(۳۱) همان ص۸۹-۹۰ .

در عبارت مذکور معنای طرفداران جنگ این است که در آن هنگام هیأتی از اروپا از طرف سلطان عثمانی به حضور امیر حبیب الله آمده و میخواست امیر را به ضد انگلیس به جهاد دعوت کند. اما طوریکه گفته شد اشخاص متذکره طرفدار شمول جنگ و جهاد بودند ولی خود امیر وعدهء دیگری طرفداری نکردند. در عبارت مذکور هدف ما محمود طرزی بود که هم طرفدار جنگ بود و هم " عنصر مهم پیشوای روشنفکران".

به هر حال تأسیس و انکشاف کار سراج الاخبار به دست محمود طرزی " منبع بیداری سیاسي و زمینهء پرورش تخم مشروطه خواهی ... گردید." (۳۲)

محمود طرزی بدون ایجاد هیاهو و بدون آنکه دربار و وابسته گان آنرا به هراس اندازد ، آرام بجای مولوی محمد سرور واصف(ع) نشست و نخل مشروطه خواهی را به ثمر رسانید.(۳۳)

از سخنان بالایی بر می آید که علامه طرزی هنگام نشر سراج الاخبار موقفی را به سویه رهبری جنبش مشروطیت دوم در افغانستان احراز کرد. او میگفت: "الا ای جوانان وطن بیدار باشید که استقلال وطن را از دست ندهید!! زیرا با بذل جانها ، مالها و مساعی فراوان متمادی بدست آمده است." (۳۴)

بدین ترتیب سراج الاخبار و محمود طرزی از بهترین عامل و عنصر جنبش جوانان مشروطه خواه افغان بودند و علاوتاً در قلمرو هند در محافل آزادی طلبان آندیار و در محافل مشروطه خواهان ایران و آسیای میانه که در آتش استعمار و بهره دهی میسوختند نیز" جنبش آفرین و روان بخشا بود."

قابل تذکر است که در نشریه ها و آثار محمود طرزی و سراج الاخبار از نهضت مشروطهء دوم به صراحت یاد آوری نگردیده است. اما طوریکه در چند

(۳۲) همان ص ۱,۱.

(۳۳) همان، ص۱,۲.

(۳۴) عبدالحی حبیبی ، جنبش مشروطیت در افغانستان ... ص۱,۲.

اقتباس از اثر های مرحوم حبیبی ذکر شد. محمود طرزی حیثیت رهبر و رهنمای جنبش را داشت. برای اینکه بدانیم چطور ژانر های سراج الاخبار مخصوصاً ژانر های تحلیلی آن، که اکثر توسط شخص محمود طرزی نوشته میشد، بر نهضت مشروطه دوم و سازماندهی آن تأثیر داشت بهتر است مرامهای مشروطیت دوم را بدانیم. طوریکه مرحوم حبیبی نوشته است مرامهای مشروطیت دوم عیناً همان مرامهای مشروطهء اول میباشد. بناءً مرام مذکور را شامل ده ماده قرار ذیل درج این صفحات مینمایم:

۱- اطاعت به اصول اسلام و تقدیس قران عظیم و قبول تمام احکام اسلامی.

۲- کوشش مداوم در بدست آوردن حقوق ملی و مشروط ساختن رژیم حکومت تحت نظر نماینده گان ملت و تأمین حاکمیت ملی و حکم قانون.

۳- سعی در راه تلقین عامه به درستی امور معاشرت و نکوهش عادات ذمیمه.

۴- آشتی و حسن تفاهم بین تمام اقوام و قبایل افغانستان و تحکیم وحدت ملی.

۵- سعی در اصلاح ملت از راه صلح و آشتی، نه با دهشت افگنی و استعمال سلاح زور.

۶- تعمیم معارف و مکاتب و وسایل بیداری مردم و مطبوعات.

۷.تاسیس مجلس شورای ملی از راه انتخاب آزاد نماینده گان مردم.

۸- تحصیل استقلال سیاسي و آزادی افغانستان و گسترش روابط سیاسي و اقتصادی با دنیای خارج (که در آنوقت امیر افغانستان مکلف بود غیر از دولت هند برتانوی با دیگر دولتی رابطه سیاسي نداشته باشد).

۹_ تأمین مساوات و عدالت اجتماعی.

۱۰-بسط مبانی مدنیت جدید از صنعت و حرفت و ساختن شوارع و بلاد و ابنیه و منابع آب و برق وغیره (۳۵)

---

(۳۵) همان اثر ص ۵۵-۶۵.

با در نظر داشت اهداف مشروطه دوم و با حفظ روحیه مسلک روزنامه نگاری اینک میپردازیم به معرفی و تحلیل ژانر های تحلیلی.

۱)مراسله:

اگرچه پیدایی مراسله های دیگر هم در سراج الاخبار ممکن است، اما از نظر نویسنده‌ء این اثر تنها یک مراسله به معنای واقعی کلمه و مطابق به شیوه‌ء ساختار این ژانر، در این اخبار به نظر رسید. این مراسله هم مانند تعدادی از ژانر های دیگر زیر عنوان دایمی "مکتوب" به نشر رسیده است. در این مراسله از شیوع مرض ساري و با در کندهار صحبت شده است. در آغاز مراسله راجع به سرسبزی و شادابی ولایت کندهار، وفرت غله و خوشی و سرور مردم آن سامان سخنها گفته شده و بعداً در باره‌ء شیوع مرض و با اطلاع میدهد. در مراسله، وضع رقتبار و تأثیر انگیز مردم کندهار ترسیم و تصویر گردیده است.

در این مراسله معضله طرح گردیده و پیشنهاد به عمل آمده و راههای حل و جلوگیری مرض نشان داده شده است. پیشنهادات شامل مراسله عبارت است از تدابیر وقایوی و حفظ الصحه‌ء محیطی که طبعاً پاک ساختن محیط و جلوگیری از کثافات را ایجاب میکرد. همچنان در مراسله پیشنهاد شده که قوانین حفظ الصحه باید از طرف مردم رعایت گردد و به مقصد رسیده گی به وضع رقتبارصحی مردم پیشنهاد گردیده که در آن ولایت اطبای حاذق مقرر شوند. زیرا وضع و برخورد داکتران موجود در آن ولایت مطلوب نبوده است. مراسله‌ء مذکور بدون افشای نام نویسنده‌ء آن به صورت عام بدین شکل: "به امضای یک قندهاری" نشر گردیده است. (۳۶)

این مراسله از نوع تحلیلی بوده و شامل گونه بیست که در آن معضله ها توضیح میگردد، پیشنهادات به عمل می آید و راههای حل معضله نشان داده میشود. اینگونه مراسله از لحاظ اجتماعی خیلی ثمر بخش و ارزشمند

---

(۳۶) سراج الاخبار، شماره هفتم، سال ششم، ۲۰عقرب ۱۲۹۵، ص۷، ستون دوم.

میباشد و بسا در حل مبرمترین مشکل جامعه کمک میکند.(۳۷)

۲)مقاله یا تبصره:

این دو ژانر را به خاطری تحت یک عنوان بررسي و تحلیل مینمائیم که بین این دو ژانر مرز خیلی دقیق وجود دارد و اکثر با یک بی احتیاطی کوچک یکی به دیگری تبدیل میشود و یا اینکه یک بخش مقاله و بخش دیگرش به تبصره مبدل میشود و یا بر خلاف آن.

مقاله ها و نگارش ها در سراج الاخبار ، از لحاظ ژورنالیزم ، خیلی ماهرانه نوشته شده و در اکثر موضوعات دقیق و همه جانبه برخورد نموده اند. این مسأله را ضمن تحلیل این دو ژانر توضیح خواهیم کرد و هم در همین دو ژانر ملاحظه خواهیم نمود که چطور اهداف نهضت مشروطه خواهی از آنها برآورده میگردید.

در امر اطاعت به اصول دین مقدس اسلام، که شامل نخستین مادهء مرامهای مشروطیت دوم بوده است، مقاله ها و نگارشهای متعددی در سراج الاخبار به نشر رسیده است. گذشته از آن رسالهء محمود طرزی تحت عنوان " علم و اسلامیت " که به قسم ضمیمهء سراج الاخبار نشر شده و متمم کار آن میباشد شاهد خوب ما درین زمینه است. در رساله محمود طرزی بنیاد های علم و اسلام جدا نمیداند و هم اسلام را وسیله ء دوری از علم تلقی نمیکند و بناءً خواننده گان اخبار خود را به فراگیری دانشهای عصر تشویق و ترغیب مینماید و هم به آنان تلقین میکند که دین مقدس خود را با تمام بزرگداشت پیروی و تقدیس کنند. (۳۸) به همین ترتیب سراج الاخبار زیر عنوان " ترقی مسلمانان" مقالهء مخصوص نشر کرده که در آن داد سخن داده شده است.(۳۹)

---

(۳۷) ابراهیم عثمان و دیگران ، ژانر های وسایل ارتباط همه گانی ، ص ۱۲۲-۱۳۱.

(۳۸) مقالات محمود طرزی در سراج الاخبار ... ص۱۶۱-۱۹۱.

(۳۹) سراج الاخبار ، شماره ۱۶ ،سال دوم، ۱۸ثور ۱۲۹۲ ،ص۷. ستون اول.

"آیا مانع ترقی مسلمانان در چیست" مقالهء دیگری میباشد که در آن اسلام و نصرانیت به قسم مقایسه ئی مطرح بحث قرار داده شده و دین اسلام به حیث دین عقل ثابت گردیده است. (۴۰)

همچنان مقالهء دیگری زیر عنوان : " آیا به راستی اسلامیت دشمن علم و حکمت و مانع ترقی و مدنیت است" به نشر رسیده است. در این مقاله مطالب گسترده پیرامون اینکه هیچگاه اسلام مانع علم و حکمت و ترقی نبوده و نمی باشد ، جا داده شده است.(۴۱)

در مقالهء دیگری زیر عنوان" اتحاد اسلام" نه تنهامطالب را پیرامون داعیه افغانستان به شکل عالمانه پرورده بلکه اتحاد اسلام را در سراسر جهان تأکید میکند .(۴۲)

مقاله های دیگر هم در باب اسلام نوشته آمده است. در اینجا برای مثال یکی از این مقاله ها را اقتباس میکنیم. این مقاله زیر عنوان" اگر مسلمانان متحد شوند" چنین نوشته شده است:

"اگر" ادات شرط است: به شرطیکه مسلمانان متفق شوند کامیاب میشوند!

"مگر" از ادات شرطیکه مسلمانان متفق نشوند ناکام میمانند.

"یک چیز دیگر هم هست که آنرا "کاشکی" میگویند ، و عربی آن "لیت" است.

"یالیت" ایکاش پروردگارا! چه عظیم الشان خالق فعال توانا و دانایی، که آبرا با آتش خاک رابا باد ، در محیط محفظهء،عجیب الخلقهء "انسان" نام بدیعه خلقت ، یکجا به هم جمع آوردید : "فتبارک الله احسن الخالقین".

"بشریت عجیب یک مجموعه اضداد است! آب با صفای حیات بخشای اخلاق

---

(۴۰) همان، شماره ۱۴ ، سال ششم ، ۵ حوت ۱۲۹۵ ،ص۲ ،ستون اول.

(۴۱) همان، شماره ۱۶ ، سال ششم، ۵حمل، ۱۲۹۶ ، ص۳، ستون اول.

(۴۲) همان، شماره ۱۳ ، سال اول، ۱۵حمل، ۱۲۹۱ ، ص ۱۰ ،ستون اول

حسنه، با آتش سوزان خانه ویران کن صفات ردیه، در کالبد تیره و تارش یکجا گردآمده باد تند و تیز نخوت و غرور حرص طمعش، خاکهای صبر و حلم و قناعتش را میروبد. مواد مذاب شدهء غضب و کین و بغض ، کوه آتشفشان نفس و هوایش به سیلان و جریان آمده آبهای صفای صدق و اخلاص و حقوق شناسیش را به بخار های غلیظ و کثیف حیله و خدعه و غدر و خیانتش تحویل و تبدیل میدهد.

"بشریت عموماً باید با هم متحد و متفق باشند ، تا حق اشرافیت و اکملیت و مدنی بالطبغی نوعی خود را به جا آورده باشد. علی الخصوص اسلامیت باید ضرور و بالضرور، یک بنیان مرصوص گردند، تا امر جلیل قدسیت دلیل "اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا" را ایفا کرده باشند. ملت نجیبهء شجیعهء افغانیه ، لابد، ضرور ، مجبورباهم اتحاد و وداد کند و نفاق و شقاق روگردان شوند تا در چنین وقت نازک، دین خود شانرا... ملیت وطنیت خود شانرا ، تا به درجه یی که در وسع طاقت شان باشد، یعنی تا به آخرین نفس ، محافظه و نگهبانی بتوانند."

در بخش دیگر مقاله زیر عنوان دومی " چی سان اتحاد باید کرد." اتحاد را در دو پدیده جستجو میکند . نخست ، "اتحادديني" دوم " اتحاد ملتیو وطنی ". در مورد اتحاد ديني بعد از مقدمه یی میگوید که این نوع " اتحاد پوره نیمشود مگر به اینکه به صدق ایمان و صفوت وجدان ، از دل و جان ... همفکر و هم خیال باشند..." و اتحاد ملتی و وطنی هم " میسر نمیشود مگر به اینکه ملت اغراض شخصی و مقاصد نفسی و سیالداریهای قومی و رقابتهای عشیرتی و تفرقه های جنسی و فروعات مذهبی را از مابین خود برداشته به صفات حسنه اتحاد و اتفاق حقیقی متصف شوند. عداوت و رقابت رابه یکسو افگنند، همه " یا" های نسبتی قومی و جنسی و زایی و عشیرتی و قبیله گری را با هم حل و مل نموده یک وجود سازند و یک " یا" ی نسبتی افغانی را از آن تشکیل بدهند. در اخیر به جای

نتیجه گیری دعا میکند. که ملت افغانرا از حرص و از دو رقیب دیو سیرت طماع" به حفظ و امان خود قایم و دایم داشته باشد. " (۴۳)

مقالهء اقتباس شده نخست از همه به شکل خیلی ماهرانه و استادانه با ادات شرطی "اگر" و "مگر" شروع میشود و همین بخش مسلماً فرضیهء اساسی آن بحساب می آید. مخصوصاً وقتی کامیابی و ناکامی مسلمانانرا مشروط به اتفاق و اتحاد آنان طرح مینماید همین خود فرضیه است.

برای ثبوت فرضیه خود نخست راجع به خلقت انسان با تمام زیبائی و دانایی آن بحث مینماید. بعداً راجع به خلقت انسان و خصوصیت اضداد این خصلت کلمه ها و عباره های جالبی را تقدیم مینماید و میگوید که بشریت باید به طور عموم متحد باشد و مسلمانان بصورت خاص مطابق به مفاد آیه کریمه باید متحد و متفق باشند.

باید گفت که بادر نظرداشت سویه و ذهن خواننده گان در آن هنگام واقعاً دلیل وحقیقتی بالاتر از کلام خداوندی نمیتوانست قناعت مردم را فراهم کند. بناءً اشاره به آیات مبارک و نقل آیت مبارک "واعتصمو بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا" از بهترین حقایق به حساب میآید. به عبارت دیگر نویسنده، همانطوریکه ایجاب میکرده است، متن مقالهء خود را با دلایل، حقایق و منطق استوار آراسته ساخته و به دنبال آن مطالب ضروری دیگری را مانند " اتحاد دینی " و اتحاد وطنی" گنجانیده است.

همانطوریکه گفته شد نتیجه گیری خود را به شکل دعاییه تنظیم کرده است که باز هم بنابه شرایط و حالات خیلی به جا و مناسب میباشد.

از مطالب بالایی که بگذریم، مقالهء مذکور خیلی نزدیک به آرمان مادهء اول نهضت مشروطهء دوم میباشد. همچنان مقاله یی زیر عنوان "مسلمانان اتحاد کنید!" (۴۴)

---

(۴۳) سراج الاخبار، شماره۱۳، سال پنجم، ۱۶ حوت، ۱۲۹۴، ص اول، ستون دوم.

(۴۴) همان، شماره۲۳، سال اول ۵سنبله، ۱۲۹۱.

از نوع مقاله هاییست که آرمان مذکور را همه جانبه انعکاس داده است.

در امر تأمین حقوق ملی و تأمین حاکمیتملی، تحصیل استقلال و آزادی سیاسی کشور نه تنها مقاله ها، تبصره ها و سایر ژانر های تحلیلی سراج الاخبار داد سخن را داده اند بلکه دیگر ژانر ها هم به شکل طنزی و هم به شیوهء مستقیم وقف این امر شده است.

در ارتباط به طرحهای متذکره ژانر های تحلیلی به شیوهء مستقیم یا غیر مستقیم رسالت خود را به سر رسانیده اند؛ به طور مثال: وقتی سراج الاخبار تبصره یی را زیر عنوان"آزادی آسیاو افریقا " (۴۵) به نشر میرساند، در آن از مداخله ها و دست درازیهای استعمار گران به تفصیل صحبت میکندو به شیوهء خیلی ماهرانه آنرا به افغانستان ارتباط میدهد. چنانچه میگوید که اروپاییها آسیا و افریقا را اروپا کردن میخواهند و این بدعت را هم از کندهار ، هرات، کوشک، و مشهد آغاز میکنند. " زهی تصور باطل زهی خیال محال". همچنان عنوانهای " آسیا بایداز آسیاییان باشد." (۴۶) و "ترقی شرق" (۴۷) ازینگونه مطالب را در محتوای خود گنجانیده اند. و اما در مقاله " افغانستان و نعمت آزادی" مطالب گسترده ، پیرامون اینکه افغانستان آزاد بوده است و اسارت اجانب را نه پذیرفته و نه می پذیرد، عرضه نموده است. به همین ترتیب در مقاله یی تحت عنوان "استقلال افغانستان " مطالبی را از سرمقالهء اخبار "چمن" اقتباس میکند. و تا جاییکه میگوید: " افغانستان دولتیست که مستقل بوده و مستقل هست و مستقل خواهد بود" (۴۸)

در تبصرهء دیگری زیر عنوان " استقلال افغانستان " به شهادت مواد حقوق

(۴۵) همان، شماره ۲۳، سال اول، ۵ سنبله ۱۲۹۱.

(۴۶) همان، شماره ۱۷، سال دوم، اول جوزا، ۱۲۹۲.ص۷ ستون اول.

(۴۷) همان، شماره۹، سال هفتم،۲۴ قوس ۱۲۹۲. ص اول ستون اول

(۴۸) همان،شماره۱۲، ساله هفتم، ۹ دلو ۱۱۹۶.

دول و یا حقوق بین المللی مسأله‌ء استقلال کشور رامورد تحلیل و ارزیابی قرار میدهد و تا جاییکه مینویسد:

"سراج الاخبار ترجمان حسیات ملت است... و جان بحث این اخبار مسأله استقلال افغانستان است، بناءً این اخبار در امر استقلال وطن خود " قدرت سکوت را در خود نمی بیند" و هر آنچه را لازم داند، بیان میکند. سراج الاخبار به تمام قوت و نیرومندی " بر همه برادران داخل عزیز خود و عموم برادران خارج از وطن خود... به فریاد بلند اعلان میکند که : دولت علیه مستقله‌ء افغانستان نسلاً به نسل با همه معانی " استقلالش و آزادی یک دولت [مستقل] بوده و هست و خواهد بود..." (۴۹) به همین ترتیب در تبصره ئی تحت عنوان " شناخته شدن استقلال افغانستان " ماده یی را از فصل هفتم عهد نامه ییکه در سوم مارچ ۱۹۱۸ بین دولتهای غالب و روسیه در شهر بریست لیتوفسک امضاء شده بود به قرار آتی نقل میکند.

"دولت های ایران و افغانستان هر دو مستقل اند. ضمیمه هیچ دولت دیگر نمیشوند . دول امضاء کننده گان صلح ، موظفند که استقلال سیاسي و اقتصادی ایران و افغانستان را محترم شمارند." (۵۰)

درینجا، به مقصد فهم خصلتهای ژانری، تبصره و تحلیل جنبه های ژورنالیستی آن تبصره بالایی را که زیر عنوان "شناخته شدن استقلال افغانستان " در سراج الاخبار به نشر رسیده جنساً اقتباس مینماییم:

" دولت های ایران و افغانستان هر دو مستقل اند، ضمیمه‌ء هیچ دولت دیگری نمی شوند. دول امضاء کننده گان صلح، موظفند که استقلال سیاسي و اقتصادی ایران و افغانستان را محترم شمارند.

---

(۴۹) سراج الاخبار ، شماره۱۳ ، ساله هفتم، ۲۴ دلو۱۲۹۶ ، ص اول، ستون اول.

(۵۰) همان، شماره ۲۳ ، سال هفتم، ۱۹ سرطان ، ۱۲۹۷ ص ۱۵ ، ستون دوم.

" چون این فقره‌ء عهد نامه‌ء دول معظم، از مسایل هستی و حیاتی دولت متبوعه‌ء مقدسه‌ء ما ، افغانستان ، شمرده میشود"سراج الاخبار افغانیه" نقل و ثبت فقره‌ء هفتم آنرا با ایفای مراسم تشکر و امتنان از لوازمات حقوق شناسی میداند و به صورت یک وثیقه‌ء مهم، ثبت صحایف یادگار حیات خود میسازد.

" ای ملت غیور و جسور افغانیه! دولتهای معظمه‌ء غالبه‌ء دنیا ، مانند دولتهای معظمه‌ء قوی الشکیمه ء المان و دولت بزرگ اوستریا و مجارستان، و مقام خلافت یعنی دولت علیه آل عثمان و دولت تازه جوان بلغارستان ، در عهد نامه ییکه با دولت روسیه امضاء نموده اند ، استقلال دولت متبوعه‌ء مقدسه‌ء ما ، افغانستان را ، به فصل هفتم آن عهد نامه، داخل شرایط صلح و دولت روسیه هم آنرا قبول و امضاء نموده است.

" دولت متبوعه‌ء مستقله‌ء افغانیه ما که از آغاز هستی و وجود یافتن خود مستقل براسه تشکیل یافته ، وجود خودشرا اداره کرده ، و نسلاً نسلاً پادشاهان ذیشان افغانستان ، از خود قوم و جنس افغان بوده و در اول تشکیل دولت خود به قرار قاعده‌ء طبیعی، انبساط ورزید تا هند ، سند ، کشمیر، ترکستان، جاها را به قوه‌ء انبساطیه‌ء طبیعیه خود پر و املا نموده و باز در میان خود ، خود به خود ، هر گونه نشیب و فرازی که دیده ، در خود و از خود دیده و هر سود و زیانی که از آن انقلابهای پر فراز و نشیب هم دیده بخودش عاید بوده ، که این چیزها طبعاً و فناً ، آزاد و مستقل سیاسي و اقتصادی بودن افغانستان را ، از روی تاریخ، آشکارمیسازد. اما" حقوق دول" نام یک دستورالعمل نو ظهوری ، بعد از آغاز یافتن دولت افغانستان ، تنها در مابین دول غربیه‌ء اروپا قرار گیر شده، و سبب بعد مسافات و موجود نبودن علایق و روابط و مناسبات دولت مطبوعه‌ء مستقله‌ء ما ، داخل آن دستور العمل شدن نی، بلکه تا به بسیار زمان ها ، از وجود داشتن اینگونه دستورالعمل هم خبر دار نبود." ازین بود که از تصدیق و محترم شناخته شدن استقلال دولت متبوعه‌ء ما از طرف دولتهای معظمه‌ء

غربیه، در تعویق مانده بود. حال آنکه، به شناخته شدن،یک چیزی وجود نداشتن آن چیز لازم نمی آید. بلکه بعضی عوارض و حایل میباشد که بودن و شناخته شدن آن چیز را مانع آمده میباشد! مثلاً: آفتاب طالع، اگر یک مدت مدیدی به واسطهء عارضهء ابر های کثیف با تحدب کره دیده نه شود و شناخته نه شود ، با آنهم بر عدم وجود آن حکم نمیشود. و لیکن چون اعتماد روحانی ما بر این است، که چون نوری را ایزد بر افروخته باشد، و کسی خواهد آنرا پف کند، نمی تواند، بلکه نور خلقتی و طبیعی که آنرا روشن کرده باشد، ضیا پاشی و انوار نثاری آن به قرار قواعد طبیعی خود به خود کامل وتمام شده میرود. اینستکه ابر ها و عوارض را ، قوهء خارقهء باصره از هم پاره پاره نموده ، آن حقیقت که دولت افغانستان مستقل و آزاد خلقتی و فطرتی بوده است به ظهور آمد، و آن حقیقت از طرف حقیقت بیان دیده شده، تصدیق و محترم گردید.

" ای کهن سالان معظم و محترم قوم مکرم افغانیه! ای جوانان غیور و برومند ملت افغانیه! ای نونهالان آمال و استقبال! ای عزیزان با کمال!.

"چشمهای تانرا باز کنید! گوشهایی تان را به آواز رحمت های بلا نهایاتی که از خزینه های غیبی لاریبی، ذات اقدس خداوندی، جل شانه ، بر افغانستان و افغانیان در چنین زمانهای بلاباران، و آوان آفت رسان،که بر تمام جهان نازل و وارد آمده از چنان چیز هائی نیست که بمقابل شکران آن چشم پوشی کرده شود. و این نیست مگر از فیوضات نعمت بزرگی حق. چون این نخستین بار است که از طرف دولتهای بزرگ دنیا ، استقلال سیاسي و اقتصادی ، وحاکمیت و ملکیت تامهء افغانستان تصدیق و قبول و محترم شناخته شده است، شکر این نعمت عظمای غیبی، ربانی را ، زیب وظیفهء بنده گی دانسته بود ، دولت های معظمه که محض از راه حق بینی و حق شناسی، این حق صریح طبیعی ما را شناختند، و تصدیق فرمودند . ابراز منت داری و امتنان را از لوازم تربیه انسانیت می شناسیم."

ملاحظه بفرمایید که نویسندهء این تبصره چگونه ماده یی از عهد نامهء بریست را به قسم فرضیه خود قرار داده و با شکران و سپاس به حیث یک وثیقهء مهم آنرا درج تاریخ ساخته است.

در متن دول بزرگ را معرفی مینماید و هم میگوید که به خاطر بعد مسافه و ده ها معضلهء دیگر مسأله استقلال کشور ما در دستور العمل حقوق بین الدول گنجانیده نشده است، بناءً شناخته شدن استقلال ما از طرف دول بزرگ غرب به تعویق مانده است. نویسنده استدلال میکند که وجود نداشتن یک شی مانع شناخته شدن آن نمی گردد. مثلیکه اگر آفتاب بنابر وجود ابر های کثیف مدت زیاد دیده نشود این امر معنای آنرا ندارد که آفتاب شناخته نشود چه آفتاب موجود است و ابر ها حایل شده تا برای مدتی دیده نشود. بهمین وتیره نور خلقتی و طبیعتی ابر های کثیف را پاره کرده و افغانستان را میبینند و هستی آنرا تایید میکند، بناءً چون استقلال آن تایید شده باید آنرا احترام نمایند.

در نتیجه به مردم افغانستان خطاب میشودکه چشم های خود را باز کنند و گوشهای خود را متوجه آواز رحمت های بلا نهایت گردانند و این نعمت بزرگ را که آزادیست - آزادي سیاسی و اقتصادی کشور ما- با شکران و سپاس بی پایان استقبال کنند و با احراز آن به درگاه حضرت رب المنان شاکرو ثنا خوان باشند.

باید گفت که مقاله ها و تبصره های منتشر در سراج الاخبار ، اکثر به شیوه یی نوشته آمده اند که در آن فرضیه، تحلیل علمی توأم با حقایق و ارقامو نتیجه گیری وجود دارد. در عین حال از نظر متن رسالتمند و هدفمند بوده اند . در ارتباط به چند مقاله و تبصره ییکه در صفحات گذشته مورد تحلیل قرار داده شد ، باید گفت که همهء آن در برآورده شدن اهداف مشروطه خواهان دوم به خاطر تأمین استقلال کشور سهم ارزنده یی را داشته اند. این سهم را به اشکال گونه گون اجرا کرده اند ؛ به طور مثال: با نشر همین مقاله ها و تبصره ها مدیر مسوول سراج الاخبار استقلال افغانستان را اعلام میدارد. ولی ما خوب میدانیم که

متأسفانه استقلال این کشور هنوز تأمین نشده بود و بعداً در اثر حرکت ملی و مترقی مشروطه خواهان دوم در دوره‌ء سلطنت اعلیحضرت امان الله تأمین گردید . اما تأمین استقلال کشور یقیناً در پهلوی دیگر عوامل، محصول سعی و تلاشهای خسته گی ناپذیر محمود طرزی و سراج الاخبار او میباشد. وی این امر را ، از طریق ژانر های تحلیلی ، با کمال استادی و مهارت برآورده ساخت. دانشمندان و مورخان کشور همه معتقد اند که همین تلاشهای محمود طرزی ثمر بخش بود و به اثر این تلاشها وی "به آرزوی خود رسید."

در ارتباط به ماده‌ء ششم مرامهای مشروطیت که عبارت است از تعمیم معارف و مکاتب ووسایل بیداری مردم، سراج الاخبار تبصره ها و مقالات خوبی به نشر رسانیده است. نخست از همه در رساله‌ء علم و اسلامیت که تبصره گونه است و به قسم ضمیمه‌ء شش ماه اول سال اول نشراتی اخبار به نشر رسیده است معنای علم توضیح گردیده است. همچنان درین رساله طلب علم و فراگیری آن مطابق به آیات و احادیث مبارک برای هر مسلمان اعم از زن و مرد تایید و سفارش شده است . برای فرا گرفتن علم ، خواندن و نوشتن را شرط اول حساب میکند و در عین حال راجع به اینکه علم به اقسام گونه گون تقسیم میشود و انتها ندارد ، مطالبی را تقدیم مینماید. بدینترتیب راجع به ارزش و اهمیت علم و ضرورت آن برای مسلمانان ، افغانان و همه‌ء انسانها تحلیل همه جانبه و جامعی عرضه میدارد.(۵۱) زیر عنوان " مسلمانان کدام علم را بیاموزند" (۵۲) مقاله‌ء جامعی به نشر رسیده است. درین مقاله آمده است: " درین باره سخن را پوست کنده و صاف میخواهیم بگویم... مقصد از علم همان علمیست که از تهلکه‌ء بنده گی پر شرمنده گی غیر دین ما را خاطر جمع سازد. و بر مسند

---

(۵۱) محمود طرزی ،مقالات... ص۱۶۱-۱۸۳.

(۵۲) همان اثر... ص ۱۸۱-۱۸۳

عزت و سرافرازی بنشاند. مقصد از علم همان علمیست که از محکومیت و احتیاج اجانب مارا مستغنی سازد... مقصد از علم همان علمیست که آهن را در کف ما موم کند و طبقات عالیه هوا را به جولان ما محکوم نماید...

" هزار افسوس که ما این علمها را شیطانی میدانیم و عمر خود را صرف مالا یعنی مکنیم. در وقت حاضر، علم همین علمهاست که به محافظه اساس اسلامیت خدمت میکند... خروار ها علمی که منحصر به دانستن ترکیب " ضرب زید عمراً " و فهمیدن قضایای "سالبهء جزییهء، موجبهء کلیه" و... باشد. درین زمان حاضر به درجهء یک سر نیزه گک یک فوتهء فولادی و ... به دین محمدی خدمت کرده نیمتواند."

از عبارتهای بالایی جرأت ، منطق و درستی افکار نگارندهء سراج الاخبار را به خاطر تلقین و فهماندن اندیشهء سالم و مطابق به مرام مشروطه دوم، به درستی میتوان درک کرد.

مقاله " خواب در تاریکی " که در بخش های گذشته هم بر طبق ضرورت از آن یاد شد ، از جمله مقالاتیست که اهمیت علم را توضیح میکند ، درین مقاله روشنی را علم ودانش خوانده و تاریکی را جهل و نادانی. بناءً در پرتو این کلمه همه افراد ملت را به راه روشن یعنی فراگیری علم و دانش دعوت میکند تا ازتاریکی و جهل نجات یابند(۵۳) بهمین وتیره در مقاله یی زیر عنوان "آیا مانع ترقی مسلمانان در چیست" نخست بحثی را پیرامون "خرافات چیست" را می اندازد . درین بحث خرافات ضد عقل خوانده شده و اضافه گردیده است. که در تعدادی از کشور های اسلامی رواجها و عاداتی ملاحظه میشود که یکی آن هم با دین مقدس اسلام ارتباط و مناسبتی ندارد و هم اینچنین عادات با عقل توافق بهم نمی رساند. بناءً باید ضد این رواجها به پیکار و مبارزه برخاسته و برای

(۵۳) همان اثر ... ص۱۹۸-۲۰۴.

تفهیم و تلقین راه درست اقدام نمود.

مختصر اینکه سراج الاخبار نه تنها در مقاله ها و تبصره های یاد شده بلکه در سایر نوشته های خود هم در امر تعمیم و گسترش علم و دانش و مخصوصاً علم و دانشی که مطابق نیاز و ضرورت زنده گی و جامعه باشد مبارزات خود را بی امان پیش می برد . در عین حال در برابر خرافات ، جهل و نادانی اندیشه های سازنده ارزشمند خویش رابرای اطلاع خواننده گان عرضه مینمود . برای فهم درستی ادعای مذکور اجازه بدهید مطلب دیگری را مرور کنیم . سراج الاخبار در مقالهء " آیا افغانستان ازین واقعات چه سان استفاده کرده میتواند" نخست میپردازد به اینکه افغانها استعداد و توان هر کار ار ندارد. تا جاییکه گوید: " بسیار افسوس است که ما مردمان افغان ... جهت قوت علمی را هیچ در هیچ میدانیم. زیرا افغانان ما علم را به معنای دانایی تلقی نمیکنند ، و منحصر در همان کتابهای کهنه و فرسوده می شمارند." ورنه در اینقدر سالها باید مکتبی آباد میکردیم ، در حالیکه دیگران با داشتن علم و دانش و کتاب و اخبار پیشرفت و ترقی کردند... (۵۴) به همین سان در سایر مقاله ها و تبصره های سراج الاخبار در بارهء خرافات پسندی مردم و ندادن اهمیت به علم و دانش روشنی انداخته شده وتحلیل های جامع و همه جانبه بعمل آمده است . در عین حال دهها مقاله و تبصرهء سراج الاخبار همه موید آنست که متکی به آرمان جریان مشروطه خواهی در افغانستان کار و پیکار خود را ادامه میداد. مقاله ها و تبصره های سراج الاخبار ، در امر اصلاح اخلاق جامعه ، اصلاح ذهن و اندیشهء مردم و آماده ساختن آنان برای تأمین مساوات و عدالت همه از ارزش و اهمیت عالی برخوردار میباشند. اینچنین نوشته ها را زیر عنوانهای "نصیحت"، "نصیحت به هم شهریان"، "اخلاقیات" ، " امن و آسایش" و امثال آن به کثرت

(۵۴) محمود طرزی ،مقالات ... ص۴۱۵-۴۲۱.

میتوان پیدا کرد . (۵۵) در هر کدام از این نوشته ها در برآورده سازی هدف خود نویسنده کمال مهارت، هنر نویسنده گی وتحلیل علمی و منطقی را کار بسته است.

مقاله ها و تبصره های سراج الاخبار ، در امر دعوت مردم به اتفاق و اتحاد ، در شماره های گونه گون جلب نظر میکند. درین میان مقاله یی تحت عنوان "اتحاد ملت، موضوعات عسکری و امنیت" (۵۶) قابل هر گونه ارزش و اعتماد میباشد.

همچنان نشر تبصره یی زیر عنوان " راهها و پل ها" به شیوه خیلی جالب و همانطوریکه قبلاً متذکر شدیم با یک حسن تمهید عالی بخاطر تربیت فکر و بیداری مردم کشور نوشته شده است. این نوشته نقش ترقی اقتصادی را در زنده گی اجتماع همه جانبه تحلیل نموده است.

نوشته چنین آغاز یافته است: "هرگاه یک ملکی را به یک وجودی تشبیه بدهیم، راه های منظم آنرا عروق و شرایین وجود، و پل های آنرا مفاصل یعنی بند های آن وجود ، اگر بگوییم هیچ یک سخن مبالغه نگفته خواهیم بود.

" زیرا اگر در عروق و شرایین یک بی انتظامی و نا همواری راه یابد، جوهر خون و ماده، یگانه، حیات به انتظام تمام از پایتخت دل در هر طرف وجود جاری و ساری نگردیده ، حیات وجود را در تهلکه می اندازد.

"راهها و پل های مملکت عیناً همین اهمیت و مزیت را دارد، که عدم انتظام و درستی آن موجب عدم انتظام و درستی ملت میگردد..." (۵۷)

---

(۵۵) سراج الاخبار ، شماره دوم ، سال اول، ۳۱ میزان، .۱۲۹ ؛شماره سوم، سال اول، ۱۴ عقرب.۱۲۹ ؛ شماره چارم،سال اول، ۳۰ عقرب، ۱۲۹ ؛ شماره هشت،سال دوم، ۱۹جدی ۱۲۹۱.

(۵۶) همان، شماره ۲۳ ، سال چارم، پنجم اسد ، ۱۲۹۴ ص اول، ستون اول.

(۵۷) سراج الاخبار ، شماره دوم، سال اول ، ۳۱ میزان، ۱۲۹۰ ،ص اول، ستون اول.

مقاله های دیگر و تبصره های متنوع و متعدد مانند. " ضروری بودن ریل در افغانستان " (۵۸) "فابریکه پشمینه بافی"، "صنایع"، . "صنایع داخلی چسان ترقی میکند." "ضروری بودن صنایع داخلی"، "داک" و ده ها عنوان دیگر همه و همه به قصد معرفی پیشرفت های اقتصادی ، بیدارۀی و آگاهی خواننده گان به زنده گی مدنی و عصری نشر گردیده است.

بدین ترتیب ملاحظه میشود. که بانشر مقاله ها و تبصره ها در سراج الاخبار از یک طرف زمینهء آگاهی و بیداری مردم مهیا میگردید و از جانب دیگر به مردم تلقین میکرد که چطور این بیداری و آگاهی به اثر مداخلهء بیگانه گان خدشه دار میشد. بناءً در برابر آن مبارزه و پیکار جدی لازم بوده است. در این جا مقصد ثابت ساختن ادعای بالایی تبصره یی را به تحلیل میگیریم . این تبصره زیر عنوان "حرب حاضر" به نشر رسیده تاست. در این نوشته پیرامون حربی توضیحات ارائه میگردد که از طرف ایتالیا در برابر مسلمانان وخاصتاً امپراتوری عثمانی راه انداخته شده بود. در بخشی از این نگارش میخوانیم : "... ایتالیا به این حرکت نا شایستهء وحشیانهء خود نفرت و لعنت سه صد ملیون نفوس اسلام را که در کرهء زمین موجود میباشد بر خود جلب نمود. باری اگر مسأله را یک رنگ مذهبی و دینی نیمدادندهر چه که بود ،بود، ولی ... قتل عام زن و مرد و اطفال مسلمانان را روا داشتن ، حرب حاضر را یک رنگ مذهبی دادند که به این حرکت جاهلانهء خود در این عصر بیستم... خاطره های محاربات اهل صلیب عصر های بسیار مقدم را یاد آوری نمود" (۵۹)

در این نگارش نویسنده به دولت انگلیس پیشنهاد میکند که این طفل خود سر و بی باک یعنی ایتالیا را که " خلاف قوانین مکتب مدنیت حرکت نموده "

---

(۵۸) همان، شماره ۲۴ ،سال اول، ۲۱ سنبله،ص ۱۲ ،ستون اول.

(۵۹) همان، شماره پنجم، سال اول، ۱۴ قوس، ۱۲۹۰ ، ص۶ ، ستون اول.

سلی بزند و تأدیبش کند.

این تبصره از نظر مضمون موضوعی و از نگاه شکل خبری میباشد، زیرا در باره یک واقعهء روز و حادثهء در حال جریان نوشته شده است.

تبصره جالب دیگری زیر عنوان " تاریخچهء یکساله سراج الاخبار افغانیه" نشر شده است. (۶۰) این تبصره از نظر مضمون عمومی میباشد و از نظر شکل تحلیلی ، در این تبصره نخست راجع به مهم ترین دست آورد های یکسال عمر نشراتی سراج الاخبار ، در ساحه های گوناگون زنده گی اجتماعی و اقتصادی در داخل کشور، بحث گردیده است. همچنان به تعقیب آن مسایل مهم خارجی را طی یکسال مذکور همه جانبه تحلیل و بررسی نموده است. از این لحاظ عمومی میباشد. و اما چون پیرامون همه مطالب متن تحلیل و توضیح عالمانه دقیق صورت گرفته به این سبب شکل آن تحلیلی به حساب میآید.

این تبصره خیلی ژورنالستی و استادانه نوشته شده است. عنوانهای فرعی آن مانند: راه ها و پل ها ، نهر سراج، قصر دلکشاه، برج ساعت و آب پغمان تبصرهء مذکور را جالبتر ساخته است. در ژورنالیزم مترقی امروز اینگونه تبصره ها را از لحاظ اهمیت آن در صفحهء اول و حتی در جای مناسبی در صفحه اول و غالباً به جای سرمقاله نشر میکنند.(۶۱) در تبصرهء دیگری زیر عنوان " تاریخچه سیاسیه خارجیه" راجع به معضله های مهم در ایران ، تغیرات در چنین ، وقایع جاپان ، مخصوصاً مرگ میکادو و موتسوهیتو، وقایع هندوستان خاصتاً مسافرت جارج پنجم ، شاه انگلیس در این سرزمین ، اوضاع مراکو، وقایع اروپا و امریکا به تفصیل بحث کرده است. این تبصره هم از نوعی که قبلاً به آن اشاره رفت میباشد. چنین تبصره ها طی سالهای بعدی هم جسته جسته در سراج الاخبار به نشر رسیده است.

---

(۶۰) همان،شماره اول، سال دوم ، ۴ میزان، ۱۲۹۱ ،ص ۳، ستون دوم.

(۶۱) ابراهیم عثمان،... ژانر های وسایل ارتباط همه گانی، ص۱۴۶-۱۵۶.

تبصره هایی زیر عنوانهای ((مطبعه و مطبو عات))(۶۲) ((یک دو سخن در اهمیت آثار عتیقه)) از قماش نگارشهای مو ضوعی میباشد . زیرا در این نوشته ها به صورت خاص راجع به مطبعه و مطبوعات و آثار عتیقه معلومات ارایه شده و با کار برد حقایق و ارقام اهمیت و ارزش این دو پدیده در زنده گی اجتماعی تحلیل و تو ضیح گردیده است.

قابل تذکر است که تعدادی از تبصره های سراج الاخبار زیر عنوان ((اجمال سیاسی)) به نشر رسیده است. چنین تبصره ها از نظر مو ضوع،هم عمومی اند و هم موضوعی ولی از نظر شکل معمولاً خبری میباشد زیرا در صورت اول شامل مطا لب خاص سیاسی میگردند ودر صورت دوم درارتباط به مسایل تازهٔ روز نوشته می شدند. این قبیل تبصره ها در شماره های مختلف سالهای نشراتی سراج الاخبار به نشر میرسید ،چنانچه به طور مثال : تبصره یی راجع به جنگ روم و با لقانات خیلی زیبا و استادانه تحریر یافته است.(۶۳)

شکل دیگر تبصره نویسی در سراج الاخبار چنین بوده که تبصره ها و سخنان روز نامه ها و نشریه های خارجی را پیرامون مسایل مختلف زنده گی افغانستان ،اقتباس میکرد و طی تبصره یی به تایید و یا تردید آن می پرداخت.این گونه تبصره ها از نظر متن موضوعی و از نظر شکل تحلیلی میباشند. زیرا متن آن به صورت مشخص وقف موضوعی خاص میگردید و بخاطر آنکه مستدل و مقنع به پاسخ آن پرداخته باشند ، تحلیل علمی و منطقی با ارائه ارقام و حقایق بعمل میاوردند. بطور مثال : مطلبی را از((تایمزاوف اندیا)) راجع به بغاوت منگل اقتباس کرده و موضو ع ر اهمه جانبه تحلیل و ارزیابی نموده است.

در نگارش، آنچه را درارتباط به مطلب متذکره درست می پنداشتند تایید نمـــوده

---

(۶۲)سراج الاخبار، شماره روم ، سال دوم ،۲۱ میزان، ۱۲۹۱ ،ص۲ ،ستون اول.

(۶۳) همان ،شماره پنجم ،سال دوم ،۳ قوس، ۱۲۹۱ ، ص ۵، ستون اول .

اند و بر نادرستی های آن انتقاد و تردید نوشته اند. (۶۴)

در این جا لازم است گونهٔ دیگری از تبصره های نشرشده در سراج الاخبار را معرفی نماییم. سراج الاخبار سراز شماره۱۶ سال اول خویش معمولاً یک یا دو ورق را به شکل عین صفحات اخبار به نام ((علاوهء سراج الاخبار افغانیه)) به قسم ضمیمه نشر میکرد. طوریکه ملاحظه شد مطالب این علاوه ها هم غالباًاز قماش تبصره های موضوعی باشند، برای مثال: تبصره یی که در نخستین علاوه به نشر رسیده چنین اقتباس میشود: ((چون دراین وقت درسمت جنوبی مملکت بعضی وقوعات حربیه به وقوع میآید، سراج الاخبار افغانیه مجبور گردید که به قرار عادت همه اخبار ها به قسم علاوه خبرهای واقعات را برقارئین کرام خود هر وقت تقدیم نموده و عرض حرمت ورزد.))(۶۵)

این تبصره ها را بخاطری موضوعی خواندیم که به صورت خاص پیرامون جنگ داخلی در سمت جنوبی کشور ما بود.

طوریکه درصفحات گذشته مقاله ها و تبصره ها ی سراج الاخباررا تحلیل و بررسی نمودیم این نوشته ها تحت عنوانهای گونه گون، روی موضوعات مختلف مطابق نیاز و ضرورت جامعه و در موقع مشخص آن نوشته و نشر شده است. این نوشته ها از لحاظ محتوی‌متنوع میباشد واز لحاظ برآورده سازی ،هدف خود شاید همین کافی باشد که بگو ییم شرایط مساعد ی را ایجاد نمود که بر اساس آن زمینهء تأمین و تحصیل استقلال سیاسی افغانستان میسر گردید . به اثر همین پیکارهای قلمی و عوامل دیگر بود که معارف در کشور شروع گردید وانکشاف داده شد، در رشد فرهنگ و کلتور گامهای آغازین اما متین برداشته شد، در تنویر اذهان مردم گامهای، واقعاً، بنیادی گذاشته شد،مطبوعات

---

(۶۴) همان، شماره دوم، سالدوم ۲۱میزان، ۱۲۹۱، ص۸، ستون اول.

(۶۵) همان، (علاوه) شماره ۱۶، سال اول، ۲۸ثور ۱۲۹۱.

بحدی انکشاف کرد که وقتی سراج الاخبار جبراً برای یک مدت خیلی کوتاه از نشر بازماند، بدنبال آن چندین روزنامه، جریده و مجله جای آنرا پر کرد و راه برای کتاب نویسی و نشر کتب هموار گردید و مختصر اینکه در همه امور و شوءون زنده گی تأثیرات همه جانبه و ژرف به جا گذاشته شد.

۳- تقریظ:

اصطلاح تقریظ به بررسی جنبه های عمومی یک اثر به شکل توصیفی و تشویقی اطلاق میگردد و به همین ترتیب نقد شامل مطالعه و بررسی عمیق و همه جانبهء یک یا چند اثر ادبی ،علمی و هنری میگردد. هر دو اصطلاح را در زبان انگلیسی به نام (critics) یاد کنند. برای نوشتن نقد دید ژرف، علمی و تخصصی ضرورت است، در حالیکه تقریظ را هر نوسیندهء یک وسیلهء ارتباط همه گانی نوشته میتواند.

ژانر تقریظ، برای نخستین بار در مطبوعات افغانستان، در سراج الاخبار افغانیه نمودار شده است. نخستین نمونهء آن در سال سوم این اخبار به قلم محمد جعفر کندهاری راجع به خود اخبار نشر گردیده است. تقریظ مذکور با این بیتها شروع میشود:

به نام خدای زمین و سپهر — فروزندهء ماه و ناهید و مهر
که در کام مرد م زبان آفرید — در اندام خاکی روان آفرید
به تیغ زبان گوهر گفت داد — میان سخنها درایش نهاد

متن تقریظ اینطور آغاز میبابد:

«تازه بیانی که از گوهر پرآب شاداب تر و مصفاتر در معرض بیان آید نثار بار خداوندی را سزاست جلت عظمته که از بین موجودات هیاکل انسانرا به حلل دانش و بینش مفتخر ساخته و قوه ء ناطقیهء طبیعت را که علت دانش و بینش است در ذات این وجودات امانت نهاد و سلطان والای عقل را در مملکت بدن بر

سریر مخروطی دل متمکن ساخت که تا هر یک ازین وجودات به حسب استعداد و قابلیت خود به اوج فلک کمال عروج وصعود نمایند وبه حقیقت شرف و خصایل انسانی فایز گردند.)) (۶۶)

بعد از مقد مهء مذکور مطا لبی را پیرامون مدیر مسؤول و خد مت های وی درنشر سراج الاخبار به طور گسترده اضافه میکند و تقریظ خود را به بقای دولت و طول عمر امیر ختم مینماید. قابل یاد آوریست که تقریظ وظیفه دارد تا از یک طرف ماهیت اثر را به صورت جامع و مانع به خواننده گان معرفی کند و از جانب دیگر نواقص اثر را به صورت بیطرفانه و علمی مورد تحلیل قرار دهد و برملاء سازد. با این کار تقریظ به نویسنده و یا نویسنده گان یک اثر کمک میکند که نواقص خود را اصلاح نمایند و در امر ایجاد اثر های دیگر تشویق شوند. بدین ترتیب تقریظ یک ژانر سازنده است و انتقادات در آن به مقصد اصلاح به عمل میآید. (۶۷) اما تقریظ نشر شده درسراج الاخبار یک جناح مسأله را رعایت کرده است این جناح عبارتست از معرفی، تعریف و توصیف بیش از حد اثر تقریظ شده. جناح دیگر مسآله که روحیه انتقادی آن میباشد در تقریظ موجوده نیست. همچنان مدح و ستایش امیر در این تفریط مانند هر نوشتهء دیگر سراج الاخبار شاید از مجبوریت های سیاسی و اجتماعی بوده باشد، در حالیکه بدون آن هم ممکن بود. به هر حال اگر قرار باشد سراج الاخبار را بخاطر مدح و ستایش امیر محاکمه نماییم نوشتهء آن از این خصلت بدور نمی ماند ولی شرایط و زمان طوری بود که اگر چنین ستایشها بعمل نمی آمد در پهلوی آن انتقادات و کار های سازندهء دیگر نا ممکن میبود.

تقریظ ها در سراج الاخبار غالباً بشکل نظم تحریر یافته است. یکی از این

---

(۶۶) سراج الاخبار، شمارهء اول، سال سوم، ۲۵ سنبله، ۱۲۹۲، ص۱۲، ستون دوم.

(۶۷) ابراهیم عثمان... ژانر های وسایل ارتباط همه گانی، ص ۱۵۷-۱۶۶.

تقریظ ها به قلم مرحوم عبدالعلی مستغنی، در ختم سال سوم و در شروع سال چهارم به نشر رسیده است. چند بیت نخستین این تقریظ بد ین قرار میباشد:

نو بهار آمده پر گل همه گلزار است این
یا پراز معنی رنگین شده اخبار است این
این چه اخبار دل آویز و چه الفاظ متین
این چه مضمون شکربار و چه گفتار است این
یا چراغیست درخشنده سراج الاخبار
که چو خورشید به هر شهر نمودار است این

تا جاییکه گوید:

کند این ماه جهان گرد بهر ماه دو بار
سیر آفاق چسان کوکب سیار است این
کامل از عمر گرامی شدش امسال سه سال
درچهارم سنهء عمر به رفتاراست این

این تقریظ از لحاظ افاده های لفظی خیلی زیبا تحریر یافته و از لحاظ چگونگی طبیعت و خصوصیت تقریظ یک سلسله حقایق ضروری را توضیح میدارد و بیشتر به شکل تعریف و توصیف نوشته شده و مانند تقریظ نثر، که قبلاً آنرا تحلیل کردیم، از انتقاد و خرده گیري اثری دران دیده نمیشود. (۶۸)
تقریظ مذ کور از لحاظ نوع خود در جملهء تقریظ بر آثار ادبی مطبوع محسوب میشود.
در شمارهء ششم سال چارم به عین وزن و قافیه نظم دیگری به شیوهء تقریظ بالایی از قلم غلام حیدر مذ نب جلب نظر میکند و در عین شماره تقریظ منظوم

(۶۸) سراج الاخبار، شماره پنجم، سال چهارم، ۱۲ عقرب ۱۲۹۳ ص ۱۶، ستون اول.

به قلم مرحوم مستغنی به پشتو نشر گردیده است. (۶۹)

تقریظ های مذکور، چه دری وچه پشتو،همه به عین شکل و مضمون نوشته شده و نشر آن این نظر را ایجاد میکند که شاید در آن وقت قریحه آزمایی در این مضمون راه انداخته شده بود و اما چون هر کدام آن به مناسبت تجدید سال نشراتی اخبار نوشته آمده است نمیتوانیم آنرا تقریظ نگوییم.

تقریظ نثر دیگری به قلم سید محمد محسن کندهاری یکتن از علمای معروف آند یار،هم در سراج الاخبار به نشر رسیده است.این تقریظ هم مانند دیگر تقریظ ها با تعریف ها و توصیف های بیش از حد این اخبار مزین گردیده است. و جالبتر از همه اینکه در این تقریظ سراج الاخبار از جملهء ((سرآمد ان اخبار های اسلامی)) خوانده شده است. (۷۰)

علاوهء بر تقریظ های مذکور که همه راجع به خود سراج الاخبار تحریر یافته است یکتعداد از نشریه های خارجی هم به شکل مختصر معرفی گردیده، این نشریه ها معمولاً وقتی معرفی میشد که مطلبی را پیرامون افغانستان به شکل انتقادی و توصیفی نشر میکرد.

همچنان رساله های ضمیمهء سراج الاخبار مانند علم واسلامیت، آیا چه باید کرد،ادب در فن،توحید، مختصر جغرافیای عمومی، معلم حکمت، فلسفهء وطن و سراج اطفال به صورت خیلی مختصر معرفی شده است که از نظر ژانر تقریظ کمتر میشود آنرا تحت این عنوان تحلیل نمود، ولی اگر خرده گیری را یکسو گذاریم شاید بگونه یی بتوان آنرا تقریظ یا معرفی کتاب خواند. این نوشته ها هم مملو از ثنا و صفت امیر به نشر رسیده است. به طور مثال: رسالهء ((آیا چه باید کرد؟)) چنین معرفی گردیده است: ((یک رسالهء حقیرانه با این

(۶۹) همان، شماره ششم، سال چارم، ۲۸عقرب، ۱۲۹۳، ص ۷، ستون دوم.

(۷۰) همان، شماره هفتم، سال پنجم، ۳۰ عقرب، ۱۲۹۴، ص۹، ستون دوم.

شمارهء ۲۴ خود به عرض نظرگاه قارئین کرام خود می رسانیم. و این نیست مگر از تشویقات معارف پروری و تلطفات ترقی گستری اعلیحضرت شاهانهء شان که یک نظر خاص توجه همایونی را در بارهء این نامهء گرامی معطوف می فرمایند.)) (۷۱)

بقیه مطالب نوشته وقف سایر موضوعات، و از جمله اینکه محمود طرزی به تنهایی یک اخبار ۱۶ صفحه یی را به نشر میرساند، گردیده است. لهذا اگر قصور و و نقصانی در آن دیده شود ((عفو و سمع آنرا به نظر خطاپوش ارباب کرم)) حواله کرده و سایر مطالب را درج نموده است. بهمین ترتیب کتب دیگری مانند جلد اول و دوم سراج التواریخ، به قلم ملا فیض محمد کاتب، معرفی گردیده و هم اعلان آن در پشتی اخبار به نشر رسیده است.

۴- نامهء وارده:

نامه های وارده در سراج الاخبار، غالباً مطابق به هد ف این ژانر تحریر گردیده است. نامه ها عموماً راجع به معضله ها، مشکلا ت،خوشیها و تآثرات خواننده - گان نوشته شده خلاها و نواقص کارو زنده گی را برملا ساخته اند. اکثر نامه های وارده پاسخ خود را یا درعین شماره بیکه نشر گردیده و یا در شماره های بعدی یافته است که این امر نشاندهندهء توجه مسئولان اخبار به خواستها و نیازهای خواننده گان و اجتماع شان میباشد. عنوان دایمی ((مکتوب)) در سراج الاخبار باز گویندهء آنست که مد یر مسؤول آن به عقیده و نظر خواننده گان ارج و اهمیت فراوان قایل بود، اما باید گفت که تعداد زیادی از مطالب نشر شده زیر این عنوان را نامهء وارده نه، بلکه سایر ژانر ها تشکیل میداد. در این اثر فقط آن نوشته ها را مورد بررسی و تحلیل قرار میدهیم که به معنای واقعی کلمه نا مهء وارده بوده است.

(۷۱) سراج الاخبار، شماره ۲۴، سال اول، ۲۱ سنبله، ۱۲۹۱ ص ۴، ستون دوم.

نخستین نامه به معنای واقعی ژانری آن در سال دوم سراج الاخبار (۷۲) از طرف شخصی بنام سید آل عمران از پوهنتون آکسفورد ارسال شده و به نشر رسیده است. در این نامه، پس از ابراز مطالبی راجع به جنگ بالقانات و امپراطور عثمانی، نفرت و انزجار مستشرقین پوهنتون مذ کور در برابر ظلم و اجهافیکه بر عثمانیها روا دیده میشد، ابراز شده است. در این ارتباط نامه ء دیگری نشر گردیده است. (۷۳)

همچنان نامه یی از پشاور رسیده و دران پیرامون نفرت از مسلمانان و آثار اسلامی در نیم قارهء هند شکایت شده است. (۷۴)

نامهء یی از کندهار، که واقعاً نامهء وارده خوبی محسوب میشود رسیده که جنساً آنرا اقتباس میکنیم: ((چون مطابق احکام اعلیحضرت خاقان مغفور مبرور، ضیاء الملته والدین، علما و طلبای مملکت محروسه را از حوالهء خانه واری(نوعی مالیه بود که از هر خانواده اخذ میشد) و دیگر تکا لیف شاقه معاف و موقوع القلم فرموده اند، ولی در ولایت، مملو الجهالت غور، اگر کسی به طلب علم و به د ست آوردن کمالات دینی اشتغال ورزد رئیس و عامل محله حتی الوسع آن طالب العلم را از تحصیل مانع میشود وزجر و توبیخ و اذ یت بی اندازه او را میرساند و باالمشافهه میگوید که تو ملا، فلان ملا، و فلان ملا، و... همهء شان ملا و طالب میشوید پس وجه روپیه سر کار را از که حصول کنیم)) (۷۵)

مبادا دل آن فرومایه شاد که ازبهر د نیا دهد د ین به باد

امضای: گل محمد الترکی المغولی.

---

(۷۲) سراج الاخبار، شماره ششم، سال دوم، ۱۹ قوس، ۱۲۱۹ ، ص ۷، ستون اول.

(۷۳) سراج الاخبار، شماره۱۳، سال دوم، ۴ حمل، ۱۲۹۲ ، ص۸، ستون دوم.

(۷۴) همان، شماره دوم، سال پنجم، ۲۰ سنبله، ۱۲۹۴.

(۷۵) همان، شماره دوم، سال پنجم، ۲۰ سنبله، ۱۲۹۴، ض۷، ستون دوم.

طوریکه میدانیم، نامهء وارده از گونه ژانر های تحلیلی محسوب میشود. اما نامهء بالایی تحلیل کمتر دارد. باید گفت که در ژانر نامه هم تحلیل به کار است و هم نه. تحلیل گاهی لازم می افتد که مساله ء قابل ارائه از موضوعات عمدهء اجتماعی باشد و نظرات گونه گون پیرامون آن عرضه شده بتواند. در انصورت نامه نویس نظر خود را با ارائه ارقام، حقایق و احصائیه ها و با استدلال و تحلیل منطقی آراسته میگرداند تا آنکه میان مخالفان و موافقان مطلوب افتد. نامه هاییکه به تحلیل مزید نیاز ندارند از قماش نامهء بالایی میباشند، زیرا در چنین نامه ها مطلب را بدون تحلیل و استدلال بیان میدارند وآرزوی خود را بر آورده میسازند. در نامهء بالایی شکایت شده که عالمان و طالب العلمان به خاطر مالیه سرکار از تحصیل علم باز داشته میشد ند و همین مطالب با در نظر داشت فرمان امیر سابق کشور ابراز گردیده و از کسانیکه مانع تحصیل علم میشد ند شکایت بعمل آمده است. نامهء مذ کور از چند جهت قابل ارزش فراوان میباشد.

۱ـ نویسنده با جرأت تمام حقیقت را برملا ساخته است.

۲ـ عاملان موضوع را به صراحت معرفی کرده است.

۳ـ برای اینکه نامه اش موثر افتد از حکم و فرمان مقتدرترین انسان وقت یاد آوری نموده است.

به خاطر آنکه علا قمندان فکرنکنند که در سراج الاخبار محض نامه های بدون تحلیل به نشر میرسید، اینک به بررسی نامه یی می پردازیم که خود سراپا مشحون از تحلیل واستدلال میباشد. این نامه زیر عنوان «مکتوب از شهر» به شرح آتی به نشر رسیده است: در نامه، نخست از همه نامه نویس خود را بد ین شکل معرفی میکند:

«این خادم الشرع احمدی و چاکر دین محمدی، ملا رفیق ابن المرحوم ملا ابوبکر آخند زاده ابن المغفور ملا صد ر الدین آخنده زاده...» سپس راجع به این حرف میزند که به سراج الاخبار علا قه زیاد داشته است و به هر وسیلهء ممکن

آنرا پیدا میکرد و از خواندن محتوای آن محفوظ میگردید. او همچنان در بارهء این مسا له بحث کرده است که چرا ستون خاصی زیر عنوان ((ناموران زنان جهان)) در اخبار موجود است، در حالیکه مردان حق اولیت را درین امر دارند و باید ستونی به نام ((ناموران مردان)) اول به نشر میرسید و بعد ازان برای زنان این حق داده میشد. (۷۶)

استدلالیکه قاضی صاحب به خاطر این نظر خود کرده این است که زن نصف وجود مرد است. زن بی اهمیت و کم مقدار است و امثال آن.

نامهء متذ کره کا ملاً به نشر رسیده و به اساس تقاضای نامه نویس پاسخی هم از طرف سراج الاخبار در برابر آن نشر گردیده است. در پاسخ، نخست از همه ابراز شکران شده از اینکه قاضی صاحب نامه یی را بدان شرح و تفصیل نوشته بود. سپس پیرامون سخنان قاضی صاحب مبنی بر کم مقداری و بی اهمیتی زن در جامعهء آنو قت افغانستان مطالبی ابراز گردیده و گفته های قاضی صاحب را تایید نموده است: اما فوراً گفته است که زن - این جنس شریف نصف وجود اجتماع میباشد- و اساس خلقت بنی نوع انسان است.در نامه اضافه شده که قاضی صاحب با وجود علا قه مندی شد ید به سراج الاخبار اشتراک نکرده بود، در حالیکه از زنان کابل زیاده از یکصد نفر در اخبار اشتراک داشتند. گذشته از مطالب متذ کره در اخبار شانزده صفحه یی محض نیم صفحهء آن برای زنان وقف گردیده است، در حالیکه باقیماندهء آن همه برای مردان میباشد. در پاسخ مطالب گسترده در باره حقوق زنان گفته شده و از قاضی صاحب سوال گردیده است((که آیا تعلیم علم و آموزانیدن تربیه به زنان لازم و ضروراست یا نی.))

به پاسخ سوال مدیر اخبار قاضی صاحب یک بار دیگر نامه یی می نویسد و

---

(۷۶) سراج الاخبار، شماره ششم ، سال سوم،قوس ۱۲۹۲ ، ص۱۱ ، ستون دوم.

طی آن به استشهاد آیت کریمه میگوید که آموختن علم به قدر ضرورت به هر مسلم و مسلمه فرض عین میباشد. با نشر نظرات قاضی بار دیگر محمود طرزی مطالب همه جانبه درباره‌ء حقوق زن و اشتراک آن در زنده گی اجتماعی به نشر میرساند.

طوریکه ملاحظه می فرمایید چنین یک موضوع واقعاً در خور هر نوع تفصیل و تشریح میباشد و هم در ان تحلیل و استدلال منطقی و ارایه‌ء ارقام واحصاییه ها لازم می افتد. چناچه همین کار در سراج الاخبارهم به عمل آمده است، در نتیجه این بحث باید گفت که نشرنامه ها در سراج الاخبار بیانگر این حقیقت میباشد که در گام اول علا مه محمود طرزی نویسنده گان و اهل نظر را جرأت میداد تا معضله ها و مشکلات محیط خود با مسایل مربوط به زنده گی شان را آزادانه ابراز نمایند. با نشر نامه های وارده یک بار دیگر یکی از آرمانهای نهضت مشروطه دوم بر آورده شده است زیرا درماده ء ششم مزام نهضت مذ کور بیداری مردم و تعمیم معارف و مطبوعات به صراحت آمده است. نامه های وارده، در حقیقت امر به گونه یی، سهم گیری مردم را در زنده گی سیاسی و اجتماعی نشان میدهد و هم مؤید بیداری و آگاهی آنان در مسایل مربوط به حساب می آید . نشر نامه های وارده محتوای اخبار را از یکنواختی و انحصار کارمندان مربوط بیرون میکند. نشر نامه ها علا قمندی مرد م را می افزاید و بالاخره نشر نامه ها استعداد قلم بدستان و صاحبان اندیشه را شکو فانتر میسازد، بنابر همین علل بوده است که محمود طرزی ستونهایی از سراج الاخبار را وقف این نامه ها گردانیده بود.

ج) نقش سراج اخبار در ایجاد ژانر های تبلیغی بدیعی

۱_ حماسهء قهرمان

وقتی از موجودات حماسه قهرمان (او چرک) در سراج الاخبار با یک متخصص تاجیک سخن در میان آوردم او مثل من هم مسرور شد و هم متحیر- مسروربه

خاطری که او یک اوچرک نویس است و هرچند نمونه های این ژانر را بیشتر بیابد بر تجاربش افزوده میشود و متحیر به خاطری که چرا با نشر رساله ییکه (۷۷) پرا ودا آنرا زیر عنوان ((تولد اچرک در افغانستات)) معرفی نمود ،او و من هردو. قانع بودیم . درست در همان روزهاییکه رساله، مذ کور در پراودا معرفی گردید ، ما هر دو کتابی را به نام ((اوچرک- حماسه واقعی قهرمان)) می نوشتیم. درین کتاب مثالهایی از مطبوعات کنونی افغانستان آورده ایم ولی متاسفانه از موجودیت اوچرکهای نشر شده در سراج الاخبار آگاهی نداشتیم.چون ((جوینده یابنده است)) نویسنده این اثر هم در جریان تحقیق و تتبع در متن سراج الاخبار اوچرک را در این اخبار تشخیص داد که یکی آن اوچرک پورتریتی راجع به سید جمال الد ین افغان میباشد ودیگر آن اوچرگ سفری است. بااین انکشاف تازه حالا به جرات میتوان گفت در حدود هفتاد سال قبل از امروز او چرگ در افغانستان تولد شده است" که این یکی دیگر از ابتکارات سراج الاخبار و یافته های نویسنده، این سطرها میباشد.

عالی ترین اوچرک در سراج الاخبار همانا اوچرکیست که به قلم محمود طرزی راجع به سید جمال الدین افغانی، شخصیت بزرگ سیاسی، کلتوری و مطبوعاتی افغانستان و مشرق زمین نوشته شده است. (۷۸)

این اوچرک از گونه، پورتریتی میباشد و برمبنای ((احوال سید جمال الدین افغانی)) که به گونه، بایوگرافی در نشریه، الهلال، منطبعه، مصر، نشر شده بود ، به رشته، تحریردر آورده شده است. محمود طرزی این نوشته را با تمام مهارت و استادی نوشته است و در متن آن از هر آنچه پیرامون سید دریافت نموه استفاده کرده است.(۷۹)

---

(۷۷) ببرک احساس، مجموعه، اوچرکها، کابل: حقیقت انقلاب ثور(بعداً پیام). کابل۱۹۸۶.

(۷۸) راجع به سید جمال الدین افغانی رجوع شود به: پوهاند عبدالحی حبیبی، نسب و زاده گاه سید جمال الدین افغانی، کابل:بیهقی کتاب خپرونو موسسه.وزارت اطلاعات وکلتور، ۱۳۵۵.

(۷۹) سراج الاخبار، شماره پنجم، سال ششم، ۲۱ میزان، ۱۲۹۵ ، ص اول، ستون دوم.

آنچه حایز هر گونه ارزش میباشد انتخاب قهرمان این اوچرک است. زیرا به قرار گفتهء گورکی قهرما ن اوچرک، صرف نظر از اینکه چه قهرمانی دارد، باید سازنده گی داشته باشد. سید جمال الدین افغان نه تنها در کشور آبایی خود نظریات سازنده ارائه داده است بلکه در سراسر شرق و تعداد ی از سرزمینهای غرب هم از نظریات و اندیشه های سازندهء او استفاده ها به عمل آمده است.

محمود طرزی در آغاز اوچرک سید جمال الدین افغان پیرامون اینکه در بارهء سید چه احساس داشت و چه وقت بااو ارادت و شناخت حاصلکرد، مطالبی را عرضه میکند. به تعقیب آن نظرات پدر مرحوم خود، غلام محمد خان طرزی، را در بارهء سید درج مینماید و درارتباط به همین نظرات قصیدهء غرای پدر ماجد خود را در وصف سید هم ثبت نموده است. قصیده با این مطلع شروع میشود:

نسیم صبح در گلشن وزید از جانب صحرا

عبیر آمیز و عنبر بیز و روح انگیز وجان افزا

تا جاییکه در مورد سید گوید:

جمال الدین نام آور، سخن فهم وسخن پرور

خردمند وهنر گستر، فلک قدر و ملک سیما

تا اخیر

همانسان که در سطرهای قبلی اشاره کردم علاومه محمود طرزی در نوشتهء خود به شمول قصیدهء پدرش مطالب گونه گون را گنجانیده ولی به نظر نوسیندهء این اثر، اوچرک را درین نبشته باید از این پاراگراف قبول کرد که میگوید، ((شنیدنهای من، عبارت از بعضی فقراتیست که در حق حضرت علامهء از زبان والد بزرگوارم، مرحم حضرت طرزی صاحب و استاد مرحومم ملا محمد اکرم و برادر بزرگوارم خازن الکتب میباشد)) شنیده بودم که میفرمودند:

((در زمان سلطنت اعلیحضرت امیر محمد اعظم خان... یکی از اجلهء علمای روم، از راه کراچی اول به قندهار و باز به کابل آمده بود، که در علوم نقلیه و

عقلیه صاحب ید طولا و در حکمت و فلسفه بی همتا بود. زی و قیافتش به زی و قیافت علمای روم بود. یک خد متگار بگوییم یا شاگرد بگوییم هم داشت که عرب مصری بود... علامه به زبان عربی بااو سخن میگفت. هر چه که میگفت از خوبیها وعظمت و شوکت دولت روم بیان میکرد. به بسا ادیا ن باخبر و از علوم و فنون یک د فینهء توانگری بود...))

ملاحظه بفرما یید چطور نویسنده نه عبارت خود بلکه به صورت غیر مستقیم از زبان دیگران کلمه ها و عباره های خیلی زیبا و روح انگیز را استخدام کرده و اوچرک خود را آغاز نموده است.فقره های مذکوز عبارت اند از ((یکی از اجلهء علمای روم))، ((در علوم نقلیه وعقلیه صاحب ید طولا))،((در فلسفه و حکمت بی همتا))، ((زی و قیافتش به زی و قیافت علمای روم بود))، ((به عربی سخن میگفت))، ((از عظمت دولت روم بیان میکرد.))،((به بسا ادیا ن با خبر)) وامثال آن.

نویسنده در آغاز نوشتهء خود او را افغانی میگوید ولی بعداً او را رومی میخواند وعلا قه اش را به روم بیش از حد نشان میدهد .همچنان او را از دانشمندان بی مانند فلسفه و حکمت معرفی میکند و... که همین عباره ها واقعاً خواننده را وامیدارد تا نوشته را سراپا بخواند.

در پاراگراف دیگر نویسندهء اوچرک راجع به زاد گاه و نسب سید اینطور ابراز نظر مینماید:

جناب علامهء مرحوم را در افغانستان سید جمال الدین رومی میخواند ند، در بلاد روم به سید جمال الدین افغانی معروف بود وعجب تر اینکه ایرانیان او را اسعد آبادی همدانی می شناختند.))

این عبارت یک بار دیگر احساس خواننده را مهمیز میکند تا د قیق دریابد که واقعیت چیست؟ او اصلاً از کجاست؟ و چطور این شخصیت افغانی مقبول طبع ملل مختلف واقع گردیده، به اندازه ییکه هرکدام او را از آن خود تلقی میکند.

محمود طرزی در پاراگراف دیگر نوشته خویش می نویسد که شنیده گیهای او در بارهء سید همینقدر بود وبعد ازین توجه خواننده گان را به دید نیهای خود جلب میکند که از ملا قات و صحبت شخص او با سید میسر شده بود. این دید نیها محصول هفت ماه اقامت علامه طرزی در سرزمین عثمانی و در خدمت سید جمال الدین افغان بوده است. این مسافرت به اثر سفارش بدوش شروع شد وطیّ اقامت خود در مرکز دولت عثمانی غالباً هر روزه از «محفل عرفان» حضرت سید فیض می برد. طرزی میگوید: «علامهء مشارالیه، یک معد ن عرفان بود. هر کس به قدرآلات و ادوات حواس دماغیهء خود، از آن معدن به استخراج فضایل کامیاب می آمد. این هفت ماهه مصاحبت، به قدر هفتاد ساله سیاحت را در بردارد. مباحث علمیه و... هر جمله و هر عبارهء آن کتابها، رساله ها تحریر به کار دارد...»

محمود طرزی خود راجع به زادگاه و نسب سید مشکوک بود و معلوم میشود که جرأت آنرا هم نداشت تا اصل واقعیت را از شخص سید بپرسد. زیراطرزی مگوید: «... چیزیکه خود من درین خصوص از زبان مبارک خود علامه شنیده ام. از قرار ذیلست:

««روزی در اقامتگاه سید ارباب دانش زیاد جمع بودند و راجع به اختلا فات روزنامه ها و نشریه ها وراجع به که و کجا یی بودن سید بحث میکردند. من خیلی خوش شد م که اینک از زبان خود وی راجع به این مسایل چیزی میشنوم. ولی چیزیکه سید گفت نه تنها مرا در روشنی نگذاشت بلکه اختلاف و شبههء مرا زیاد تر ساخت. سید فرمود ند: «خوبست: افغانی مرا نگوید، ایرانی مرا ایرانی نداند، ترکی مرا ترکی و اروپایی مرا اروپایی نشناسد، اما کدام ملت پدر سوخته در دنیا خواهد بود، که جرأت کرده بگوید: جمال الدین از نسل آدم و حوانیست...»

مسالهء بیماری و مرگ سید پر از ابهام و اسرار های زیاد میباشد و به گفتهء محمود طرزی مطالب «چیده و سر پوشیده...» دران مضمر است، اما چون طرزی درین هنگام در استانبول بود و در خد مت سید قرار داشت لهذا وی جریان

را از نزدیک دیده و شنیده و درین باب مطالبی را از زبان سید نقل میکند که بر بسیاری موضوعات روشنی می اندازد. سید گفته است: «روزی بود که به قرار عادت یومیه، به سواری عرابه به دره «کاغذ خانه» رفته بودم، شام تاریک شده بود، که عرابهء من در پیش دروازهء خانهء من رسیده توقف نمود. چون از عرابه فرود آمد م، د ید م که دریک طرف دروازهء یک جسم بغچه مانندی پیچیده افتاده است.

«خد متگاری که با من بود امر کردم تا به ببیند که دران بغچه چیست. مگر آن جسم بغچه نبود، بلکه یک انسان بود که د فعتاً فریاد بر آورده گفت:

ـ آقای سید، من «رضای کرمانی» ام به مرض فالج گرفتارم، امروز وارد این شهر شدم، همنقدر توانستم که خود را بر پشت یک مزدور انداخته تا به دروازه رسانیدم فقط.

ـ «چون صدایش را شنیدم، هماندم شناختم،خد متگارانرا امر دادم که او را به خانه درآرند، فردای آن بایک سفارش نامهء مخصوص، او را به شفاخانه انگلیزی، که در بیگ اوغلی بود، روانه کرد م تا تداوی شود. بعد از پانزده روز درهمین دالان بودم، که رضاء به پای خود به کمال صحتمندی و تندرستی در آمده سلام داد. تعجب کرده پرسیدم.

ـ چطوری رضاء!

ـ گفت: به تمام تنومندی وتوانایی از همت و مرحمت آقای خود خوب تداوی شدم و خوب صحت یافتم. حالا برای وداع آمده ام.

ـ گفتم: چه؟ إ مگر خیال رفتن داری.

ـ گفت: بلی میروم.

«چون طبیعت و مزاج رضابه من معلوم بود. دانستم که اصرار فایده نمی بخشد. از انرو مانع نشده رخصت دادم، او وداع کرده برفت بعد از ان خبر نشدم که چه شد!» در عباره های بالایی افاده ها و الفاظ قهرمان اوچرک به بهترین نحو

بیان شده است. در گفتار های مذ کور داستان جسم « بغچه مانند » در ارتباط به رضا کرمانی خیلی جالب میباشد، مخصوصاً وقتی مرض او، که شاید صعب-العلاج بوده است، به ساده گی در ظرف ۱۵ روز تداوی گردید، باعث تعجب و حیرت خواننده گان میگردد. در عین حال دیالوگ سید و رضا کرمانی به کیفیت اوچرک می افزاید: در بارهء آیندهء داستان باز هم صحبتها و گفته های محمود طرزی و سید را با برداشتهای شخص طرزی عرضه مینماییم:

سید گفت که از رفتن رضا کرمانی مدتی گذشت. در همین مد ت خبر «سامعه خراشی » درتمام د نیا بخش گرید که اعلیحضرت ناصر الدین شاه، پادشاه ایران، به ضرب گلولهء « رضا کرمانی » به قتل رسید. هنگام حوالهء گلولهء طپانچه ب سینه شاه، رضاه گفته بود « بگیر این گلوله را به انتقام سید جمال الدین » شاید بنابر همین کلمه ها، به تعقیب واقعه مذ کور سفیر ایران به دربار سلطان عبدالحمید پادشاه عثمانی رفته و اصرار ورزید تا سید را به سفارتخانهء ایران تسلیم کند.

اما سید میگوید، با وجود آنکه رضا کرمانی چنان گفت، آیا سید جمال الدین چه گناه داشت که او را به سفارتخانهء ایران تسلیم کنند « به به!! ازین خسا فت عقل! سلطان عبدالحمید خان، چون یک ذات دانایی بود، بر این اوضاع و سخنان سفیر از زیر لب یک تمسخر پنهانی، که خودش بداند و لبهایش، کرده و سفیر را به دایرهء منطق دعوت نموده و فرمودند:

« آقای سفیر: یک قدری خود داری فرمایید! به این خبر کدورت اثر، من هم از شما بیشتر المناک شدم، ولی این سخن محالست که من بدون محا کمهء حقوق دولیه، یک شخص را، که او در استانبول باشد، شاه در تهران وفات کند، قاتل گفته به شما تسلیم کنم! »

به هر حال سید را به سفارت ایران تسلیم نکرد، ولی واهمه و ترس او را فرا گرفت. همد رین حال شخصی به نام شیخ ابوالهدی، که گفته میشود رقیب و

دشمن سر سخت سید جمال الدین افغانی بود ، به دربار عثمانی نزدیک شده بود .شیخ مذ کور هر روز به تخریب سید می پرداخت و ترس و وحشت دربار را از ناحیهء سید بیشتر میساخت. دربار عثمانی به اثر این تخریبها و بنابر نفوذ شخصی سید و قتل ناصر الدین شاه، که غالباً عامل آن سید را می پنداشتند ، سخت متوجه بود .

نویسندهء او چرک میگوید که سید از حد زیاده سگرت صرف میکرد و خودش میگفت که به اثر آن مرض دامنگیرش شده بود . غالباً این مرض ((سرطان)) بوده است. مرض روز به روز شدت می یافت. سید خواست جهت تداوی اروپا سفر کنداما سلطان عبدالحمید اجازه نداد و گفت که دولت عثمانی خود به تداوی او می پردازد . در این ارتباط محمود طرزی نوشته است:

((... این چنین صید به دام آورده را آنچنان صیاد ماهر، که بعد از هزار هاافسانه وافسون و صد ها حکمت و فنون، از استانبول تا به پاریس دام انداخته به دست آورده باشد آیا چه سان خواهد شد که به رایه گانش از د ست بدهد . ؟!))

در اوچرک آمده است که ((سید به اثر این مرض تحت عملیه جراحی قرار داده شد و صحت یاب گردید . اما بار دیگر مرض عود کرد بالاخره دکتوران مجبور شدند به عملیات دومی دست بزنند . در عملیات اولی دوازده دندان و قسمتی از استخوان فک اسفل سید کشیده شد و در عملیات دومی نصف زبان سید نیز بریده شد و در نتیجه قریب ~~به~~ چار روز پس از عملیات ((حیات سید نیز به انجام رسیده، مانند یک گنج شایه گان حکمت و عرفان، در خاک نهان گردید .))

محمود طرزی پیرامون علت مرگ سید مطالب زیادی را در بخش اخیر اوچرک خود درج کرده است که از نظر تاریخ و زنده گی سید جالب و قابل ارزش میباشد .

اما به نظر نویسنده این اثر، اوچرک باید با مرگ سید ختم می شد. در این اوچرک هدف عمده این بوده است که چطور سید به حیث یک قهرمان فعالیتهای ضد استعمار و ضد استبداد را در سرزمینهای جهان اسلام سازماندهی میکرد و هرجا نتایج مثبت ازان حاصل می نمود. سید به حیث قهرمان به ضد خرافات نادانی؛ بی سوادی و جهالت پیکار می نمود. این امر را از اجتماع منزل و ماوای او که روزانه بروی هزاران علا قه مند باز بود، میتوان درک کرد. درهمین اوچرک به خصوص حرکت رضا کرمانی و قتل ناصر الدین شاه غالباً یکی ازین فعالیتهایی بود که شاید پیروزی این حرکت باعث ترس و وحشت شاه عثمانی و همچنان رهبران و زمامداران دیگر شده باشد. در این اوچرک طوریکه قبلاً هم اشاره شد حرکت رضا کرمانی به حیث عمده ترین پرابلم آن محسوب میشود.

قابل تذ کرمیدانیم که حیات سید پر از کارها، قهرمانیها، و فعالیتها است و هر کدام آن شایستهء نوشتن اوچرک، داستان، نمایشنامه و ده ها نوشتهء دیگر میباشد. به عنوان مثال:عرضهء برنامهء اصلاحی سید به امیر شیر علیخان و تطبیق آن، جمع نمودن وطنپرستان گرد هم و تلقین اندیشه ((پان اسلامزم)) درمصر، نشر عروة الوثقی (۲۶ ذیحجه ۱۳۰۱ ق- ۱۳۰۲ ق) (۸۰) درپاریس، نشر ضیاء الخالقین(رجب ۱۳۰۹ ق) (۸۱) درلندن و دهها مطلب دیگرهم، و همه سوژه هایی اند که میشود ازان ها اوچرکها، داستانها ونمایشنامه ها نوشت. اوچرک دیگری، که واقعاً در نوع خود (اوچرک سفری) شرایط و خصوصیتهای این ژانر را در خود دارد، به قلم مرحومه عبدالهادی داوی نوشته

(۸۰)(پوهاند عبدالحی حبیبی، نسب و زادگاه سید جمال الدین افغانی... ص.۷.

(۸۱) همان ص۸۱

(۸۲) سراج الاخبار، شماره نهم، سال چهارم، ۱۱ جدی، ۱۲۹۳، ص ۷، ستون اول (بخش اول) بخش دوم آن در شمارهء ۱۶ سال مذ کور نشر شده است.

شده است.

به گونهء یک اوچرک سفری عالی، این اوچرک برخورداراز هر نوع ترسیم و تصویر بدیعی میباشد و در پهلوی آن مطالب هدفمند و قابل ارزش اجتماعی درآن شرح و تو ضیح شده است.

نویسنده ء اوچرک، بعد از آنکه نخستین روز سفر خود را به نیمه میرساند ، در وادی ((مینو سرشت چاردهی)) و در نزدیکیهای قلعه قاضی میرسد و شب در آنجا به اصطلاح او تراق میکند. در نوشتهء وادی چاردهی چنین تو صیف شده است:

((این قطعه وادیست دلکشا و سرزمینیست بحجت افزا ، معموریت کابل ثمراشجار و بارکشتزاراینجاست. خاکش زرخیز است و هوایش دلاویز وآبش مسرت انگیز.)) درنوشته همچنان آمده است:

((در میان شهر مینو بهر کابل و((چادهی)) یک کوه باشکوه مسمی به شیر دروازه و دیگر کوه با تمکین آسمان سای((آسه مایی)) مانند دیوار باغ واقعست. راهیکه میان دوکوه هست دروازهء غربی کابل شمرده میشود.))

به همین ترتیب راجع به سایر خصوصیتهای مهم کابل وچاردهی مطالب ارزشمند را بیان میکند وسپس پیرامون رباط و ارزش آن مفصل سخن میراند ، زیرا شب را در رباط قلعه قاضی به سر می برد و بناءً از خوبیها و خصوصیتهای رباطها به حیث توقفگاههای مسافران صحبتها به عمل می آورد.

روز دیگر، مسافر حرکت خود را به سوی کندهار ادامه میدهد و بعد از مدتی به ((مقام خرچگیری)) چوکی ارغندی مواصلت میورزد. در نوشته اش در برابر اعمال و کردار مسوولان خرچگیری درآمد ، فی الفوراز درون ((کوته)) برآمده باهیبت عجیب و صدای غریب فریاد زدند((باشیدإ ایستاده باشیدإ که معنای توقف را اعلان می نموداز چار پنج دهان به یکباره گی خارج شد.))

مسافر مینویسد که درمقام خرچگیری بعد از آنکه مامورین و موظفین مربوط به نحوی ازانحاا((راضی میشونداا)) کاروان رااجازه حرکت میدهند. اوچرگ به همین وتیره تحریرشده وردو شماره سراج الاخبار به نشر میرسد. طوریکه ملاحظه میشوداین نوشته تکمیل هم نشد که فهم علت آن مشکل است، زیرا در سراج الاخبار نیامده است که چرا نشر آن معطل قرار داده شده است،اما حدس این نویسنده آنست که غالباً نقاط انتقادی و گزندهء نوشته سبب بر افروخته گی ارباب امور گردیده و مانع نشر آن شده اند. اما به هر حال،در بخشهای نشر شدهء آن که به یقین اوچرگ سفری میباشد، نویسنده هدفهای مشخصی را برملا ساخته است. چنانچه ملاحظه فرمودید یکی ازین اهداف معرفی و توصیف بدیعی وادی زیبای چاردهی بود، که به گونهء عالی صورت گرفت. دیگر، هدف نویسنده برملا ساخته ارزش و اهمیت رباطها بوده است که آنهم به نیکویی انجام گرفته است و دیگر افشای اعمال نادرست مسوولان خرچگیری ها بوده که آنهم عالی ترسیم شده است.

در نتیجه باید گفت: دو اوچرک معرفی شده که نخستین آن پورتریتی و دومین سفری بوده است، هریک به شکل خیلی زیبا و استادانه تحریر یافته است. این دو اوچرک به گونهء ((مشت نمونه خروار)) به حیث بهترین نمونه های این ژانر در مطبوعات هفتاد سال قبل کشور و آنهم در ((جریدهء فریدهء)) سراج الاخبار افغانیه، معرفی گردید. در ضمن نقش نگارنده گان آن به حیث پیشآهنگان جهان ادب و ژورنالیزم روشن شد. شاید کاوشهای بیشتر سبب گردد که اوچرکهای جالبتر دیگر هم در اخبار مذکور پیدا شود.

۲- ژانر های طنزی:

دانشمندان میگویند که " طنز آن شیوه تجسم واقعیت است که در آن جهات منفی زنده گی و محتوای فرسودهء حیات به کمک الفاظ و کلمه های هجو انگیز ابراز میشود" (۸۳)

لوناچارسکی، نویسنده و روزنامه نگار برجستهء روس (۱۸۷۳-۱۹۳۳) گفته است: "طنز باید شادمانه، و خشم آگین باشد." شادمانه بودن طنز را بعد از تحلیل، اسپنسر در بارهء ماهیت بیولوژیکی خنده، که لازمهء طنز است در این امر میداند که چون انسان در برابر دشمنان خطرناکو سهمناکی قرار میگیرد، برای مقاله با آن خود را بسیج مینماید. وقتی مسأله بی اهمیت از آب در آید از حالت بسیج خود را بیرون میسازد. هرگاه این حالت عادی باشد با تبسمی خاتمه مییابد و اگر خیلی جدی باشد با خندهء جدی و به اصطلاح " نعره یی " ختم میشود. همین حالتی که خود رابرای مقابله با مسأله جدی و با فشار بزرگ آماده ساخته اید ولی به جای آن این حالت را از خود دور میسازید و به حالت تعادل باز میگردید شادمانه گی طنز را افاده میکند و اما خشم آگین بودن طنز را چنین توضیح مینماید: " در اکثر موارد طنز پرداز ، غمگینانه ، معتقد است که دشمن طرف مبارزه اش بس سهمگین و خطرناک است" بناءً چطور باید با خنده او را نابود کند. در چنین حالت خنده تلخ میشود و توأم با یک سلسله حمله های نیشدار و خشم آلود تبارز میکند. مسلماً چنین خنده ها برای پیروز شدن بر دشمن به ظهور میرسد. همین حالت خشم آگین بودن طنز را نشان میدهد . (۸۴) قبل از بحث

(۸۳) ابراهیم عثمان...، ژانر های وسایل ارتباط همه گانی... ص ۲۱۲.

(۸۴) لونا چارسکی، در بارهء ادبیات (ترجمه به دری ع.ن)، کابل، کمیتهء دولتی طبع و نشر ۱۳۶۳ ص ۷۱_۷۷.

روی اصل موضوع باید گفت که طنز ادبی معمولاً به شکل کلیه ها ، بدون قید زمان و مکان و مشخص بودن اشخاص تحریر میابد در حالیکه طنز ژورنالیستی خاص میباشد و در مکان و زمان معین به میان می آید.

با این حرف ها در باره طنز و اینکه طنز چه باید باشد می پردازیم به تحلیل طنز در سراج الاخبار، باید گفته آید که طنز برای نخستین بار در مطبوعات افغانستان در سراج الاخبار به نشر رسیده است. طنز پردازی در مطبوعات بعد از سراج الاخبار هم ادامه یافته است که معرفی هر کدام بخشهای جداگانه را ایجاب میکند. و اما در سراج الاخبار خوشبختانه تمام انواع ظنز های مطبوعاتی را میتوان پیدا کرد.

پـــرودیـه:

پرودیه ژانر طنزی را گویند که بیشتر روی آثار نظم و نثر ادبی نوشته میشود. هدف آن معمولاً این است که اثر ادبی را از نظر شکل و محتوی به گونهء طنزی به باد انتقاد قرار میدهد تا نویسندهء اثر و اشخاصیکه به ایجاد کار های مشابه میپردازند ، کار خود را اصلاح کنند و در آینده متوجه باشند تا خلاهاییرا که دارند رفع نمایند . بناءً ژانر پروردیه در رفع نواقص و رشد مسایل ادبی کمک میکند و لذا یک ژانر سازنده است. (۸۵) پرودیهء منتشر در سراج الاخبار ، زیر عنوان "ادبیات" و عنوان دوم "مشاعره" بر ادبیات یک شعر قاآنی، شاعر معروف کلاسیک زبان فارسی نوشته شده است.

در نوشتن پرودیه معمول است که نخست اثر قابل انتقاد نقل میشود و به دنبال آن به عین وزن و قافیه (اگر نظم باشد) به نظم مورد انتقاد طنزی قرار داده میشود. این شیوه را محمود طرزی کاملاً رعایت کرده و پرودیهء خود را به قرار آتی تحریر نموده است:

(۸۵) ابراهیم عثمان و... ژانر های وسایل ارتباط همه گانی ...ص۲۳۶-۲۴۰.

جناب قاآنی میگوید:

من ار شراب میخورم، به بانگ کوس میخورم
به بارگاه تهمتن، به بزم طوس میخورم
پیاله های ده منی، علی‌الرووس میخورم
شراب گبر می چشم، می مجوس میخورم

نه جوگیم که خوکنم به برگ کوکنارها

محمود طرزی میگوید:

شراب آب شربود، شرار آتشش بدان
مخور مخور که میشوی، توبا جنون هم عنان
ز گبر میشوی بدتر، مجوس میشوی عیان
به نزد خلق وحق شوی، تو شرمسار در جهان
ز کوکنار و چرس و بنگ، کناره گیر هرزمان

که میکند ترا زبون، چو جوگیان به کارها

در پرودیهء بالایی چند مسأله قابل تأمل و توضیح است.

نخست، با شعر قاآنی هم وزن میباشد ولی از لحاظ قافیه همگون نیستند،بناءً در این ارتباط اضافه میشود که هرگاه شعر از نظرشکل نه، بلکه از نظر محتوی مورد انتقاد طنزی قرار بگیرد در آنصورت وزن رعایت میشود وقافیه نمیشود.

دوم ، سرودن اشعار خمری نزد شاعران، حتی شاعران متصوف، امر عادی بوده است و قاآنی هم از آنان مستثنی بوده نمیتواند ، ولی به نظر محمود طرزی چون توصیف از می و می نوشی مخصوصاً جوانان را به بیراهه میکشاند ، بناءً در رد آن پرداخته است.

سوم، از این شعر تنها هدف وی این نبوده است که می نوشی را در میان جوانان مردود بشمارد ، بلکه ارباب امور مملکت هم با عادت کردن به می نوشی زمام امور را از دست میدهند ، بناءً آنان هم مطرح بوده اند.

چارم ، در همین پرودیه بوده است که یک مصرع به شکل آتی سروده شد:

"بس است صید بودنه، میان کشتزارها"

هدف از مصرع مذکور مسلماً امیر و همراهان او بوده اند که در موسم معین سال به شکارگاهها میرفتند و فارغ از غم ملت به شکار می پرداختند . به نظر من چنین مطالب تنها در همین طور یک نوشته ممکن است ولی علاوه بر آن محمود طرزی شیوه هایی را کار می بست که به اثر یکی آن امیر نهایت خوش میشد و بنابران اگر در پهلوی آن مصرعی رابه شکل بالایی هم میخواند نزدش بی تفاوت بود.

به طور مثال: طرزی عکس امیر را بالای سنگی که در یکی از کوههای پغمان قرار دارد نشر کرده و در شرح آن نوشته است"علواند رعلو" (۸۶)

با در نظر داشت توضیحات بالایی در سازنده گی این پرودیه نه شکی باقی میماند و نه تردیدی.

ایپی گرام:

ایپی گرام کلمه یونانی بوده و به معنای شرح و تصویر متن لوحه ها آمده است. این ژانر در بدو پیدایش خود برای شرح مجسمه ها ، لوحه های تعمیر ها و ظرفها نوشته میشد. همچنان متونی که در آن خدا های یونانی و قهرمانان آن سرزمین توصیف و ستایش می شدند هم ایپی گرام خوانده میشد. بعداً شکل هجوی را به خود گرفته و باکلمه مختصر و طنزی راجع به نواقص و صفات زشت در یک جامعه نوشته میشود. ایپی گرام یک شکل معین ندارد بلکه با اشکال

(۸۶) سراج الاخبار ، شماره ۱۴ ،سال دوم، ۱۹حمل، ۱۲۹۲ ،ص اول.

گونـه گـون تحریرمیـتواند شد.(۸۷) در سراج الاخبار ایپی گرام به اشکال آتی به ملاحظه میرسد:

بازی با کلمه ها:

در ارتباط بـه ایـن نـوع بـاید گفت که سراج الاخبار در شماره اول سال هفتم خود در دو مـورد تغییـر آورد. یکـی آنکه کلمهء "مدیر" "به صاحب امتیاز" و "سرمحرر" تعویـض شـد و دیگـر محمـود طرزی به محمـود افغـانی تبدیل یافت. در بارهء این تغییـرات توضیـحات و دلایـل هـر چـه بـوده باشد، ولـی بـه صـورت مشـخص در ارتباط به تغییر نام خود ، از طرزی به افغانی طنزی را بدین شکل تحریر نمود:

شخص در مهر خود نـام خویش را چنین حک کرد: " الکبوتر و الچاریک و البوق و الپشم و الپانزده."

وقـتی مـردم از او پرسیـدند چرا بـدان طولات نامی را گزیده بود. او گفت: " من درایـن نـام خـود بسیار اختصار و شکسـته نفسی کرده ام." ، زیرا نام پدرم "قاضی منصـور بـن موسـی" بـود و مـن در برابـر آن نـام بـزرگ نـام کوچک بـالایی را اتخـاذ نمودم- بدین معنی که: کلمهء اول نام پدرم یعنی "قاز" افادهء کننده ء یک مرغ کلان است. در حالـیکه من بجای آن "کبوتر " را انتخاب کرده ام. به جای کلمه "من" که وزن گرانیسـت "چـاریک" را گـزیدم و بـه عـوض "صـور" کـه سـرنای عظـیمی میباشـد"بـوق" راگرفـتم و بـه جـای "مـو" "پشم" و به عوض "سی"، پانزده را اختیـار کردم. (۸۹)

حالاشما خود قضاوت کنید که این خود اختصار و شکسته نفسی میباشد و یا بزرگی ، کیفیت و چگونگی طنز بالایی؛ در افاده های لفظی و معنوی آن، و آنهم فقط در زبان دری، نـهفـته است. بـه ایـن مـعنی کـه اول، "قـاضی"به ض نوشته

(۸۷) ابراهمي عثمان و ... ژانر های وسایل ارتباط همه گانی... ص۲۴۱-۲۴۵.

(۸۹) سراج الاخبار ، شماره اول، سال هفتم، ۱۳ اسد ،۱۲۹۶، ص ۱۰ ، ستون دوم.

میشود. اما وقتی آنرا "قاز" میگوید مسلماً این تغییر طنز خوبیست . دوم، "من" جزء اسم باشد و توأم با "منصور" افاده میشود ولی در اینجا آنرا به قسم جداگانه "من" گفته و از آن وزنی را اراده کرده که در کابل به صورت عنعنه یی‌هشت سیر را افاده میکند. سوم، "صور" باز هم جزء اسم در کلمهء منصور باشد. درحالیکه آنرا باز هم به صورت منفرد به معنای صور اسرافیل اراده کرده است. چارم، کلمه "مو" بار دیگر جزء کلمهء "موسی" باشد و آنرا هم از کلمهء مذکور جدا ساخته و آنرا به معنای "مو" گرفته است و پنجم "سی" که جز کلمه "موسی" میباشد به معنای عدد گرفته شده و در برابر آن پانزده را قرار داده است در کلمه اخیر یک مسأله طنزی دیگر نیز موجود است که اصلاً "سی" در کلمه "موسی" به شکل "سا" تلفظ میشود در حالیکه با موجودیت "سی" که در زبان عربی به نام الف مقصوره یاد میشود و "ا" تلفظ میشود آنرا "س-۳۰" تلفظ میکند یعنی به "ی" معروف.

این ایپی گرام از گونه یی باشد که از آن شوخی دوستانه اراده میشود. در این طنز برعلاوه آنکه از لحاظ بازی با کلمه ها آنرا خنده آور میسازد . خواندن کلمه ها و ظرز بیان آنها با بار های معنایی مشخص لفظی و معنوی طنز گوارا یی را به میان آورده است. همچنان در آن اشخاص به یاد انتقاد قرار داده شده که این گونه نامها را اتخاذ میکردند.

شیوه آزاد:

از این نوع، طنزی تحت عنوان "لطیفه" نشر گردیده است: "دونفر دزد جبهء یک مردی را دزدیدند . یک دزد جبه را به بازار برد که بفروشد، مگر یک دزد دیگر جبه را از نزد آن دزد بدزدید . چون به نزد رفیق خود آمد از او پرسید که جبه را به چند فروختی . گفت : برادر مپرس! بازار خیلی کساد بود، به همان قیمتی که خریده بودم فروختم."(۹۰)

---

(۹۰) سراج الاخبار ، شماره ۱۱ ، سال سوم، ۲۲ دلو، ۱۲۹۲ ، ص۸ ستون اول.

این طنز با انگشت گذاشتن به یک جنبه اخلاقی کردار تعدادی از انسانهای نابه کار نوشته شده است. چون مشخص نیست یعنی کدام شخص معین را بباد انتقاد نمی گیرد بناءً از قماش طنز های خوش طبعی باشد.

شیوهء تجاهل عارفانه:

ازین قماش مطلبی زیر عنوان "من هیچ فرصت ندارم" (۹۱)به شکل آتی به نشر رسیده است:

" به ساعت ۸یا۹ صبح از خواب بیدار میشوم. البته چون تا ۱۲ بجه بیدار باشم باید به همین وقت برخیزم. چون برخاستم، حوایج ضروریه را اجرا مینمایم. بعد از آن وضو کرده وقضایی نماز صبح خود را میخوانم. چه کنم که وقت برخاسته نمیتوانم . (من هیچ فرصت ندارم)"

"من با مرغها و بودنه ها و سگها بسیار الفت و شوق دارم. اعلاترین اینها در خانهء من موجود است که در خانهء هیچ رئیس دیگر موجود نیست به ساعت یازده از دیدن آنها فراغت حاصل میشود . چه عرض کنم !

(من هیچ فرصت ندارم)

"بعد از آن به سلام والدهء ماجدهء خود به خانه میروم. یکساعت آنجا می نشینم و یکساعتمن از آن سبب صرف سلام والده صاحبهء من میشود که آنجا یک خوب طوطی شرین زبان موجود است، همراه او به سخن گفتن مشغول میباشم. (من هیچ فرصت ندارم)

"از خانه باز به دیوان خانه می آیم که آنجا احباب جمع میباشند که با آنها گفت و شنود مینمایم حتی که نان خوردن هم به یک بجه میرسد."

---

(۹۱) همان، شماره هفتم ، سال سوم، ۲۲ قوس ۱۲۹۲ ،ص۱۲ ، ستون دوم.

(من هیچ فرصت ندارم)

به همین ترتیب شش بند دیگر هم دارد که هر کدام آن باز هم گوشه یی از زنده گی چنین یک شخص را به گونه طنزی بیان میکند. این طنز را میتوان به صورت بند بند به شکل جداگانه هم نشر کرد ولی در سراج الاخبار تمام آن یک باره گی نشر شده است.

این طنز در بند دوم خود یک فقره دارد که این فقره در هدفمندی آن می افزاید زیرا درین فقره میگوید " در خانهء هیچ رئیس دیگر..."

فقرهء مذکور از یکطرف نشان میدهد که تمام این "بی فرصتیهای زنده گی ضایع کن و وقت خور" در حق یک رئیس سراغ میشود و فقرهء ما قبل فقرهء ذکر شده یعنی "اعلاترین اینها درخانهء من" یک موضوع دیگر را افاده میکند که سایر روسا هم از قبیل سگ و مرغ و بودنه داشتند اما اعلی ترین آنرا نداشتند. در تنیجه میتوان گفت که به قرار طنز مذکور مخصوصاً همین بند آن روسای آنزمان قسماً به مرغ بازی و بودنه بازی و سگبازی مصروف بودند و مدت کمی را در خدمت خاک و وطن و مردم سپری می کردند.

از مطالعهء کامل این طنز به صراحت میتوان استنتاج نمود که یک مامور عالی رتبهء زمان نشر سراج الاخبار چه گونه وقت خود را صرف بیهوده گیهای حیات می نمود و باز هم میگفت که " فرصت ندارم!"

در اخیر قابل ذکر است که یک ایپی گرام دیگر هم در سراج الاخبار زیر عنوان "مرض عارضهء هیضه" به شکل آزاد نشر شده است.(۹۲)

کنایه (لقمه)(×)

کنایه گونه یی از ژانر طنزی را گویند که توسط آن واقعه های نا مطلوب و نا

(۹۲) همان، شماره پنجم،سال پنجم، اول عقرب، ۱۲۹۴. ص۸، ستون اول.

(×) در زبان و ادبیات تاجیکی به گونه"لقمه" معمول میباشد.

ملایم زنده گی اجتماعی به شکل کنایه ونیشخند به باد استهزا و انتقاد قرار داده میشود. کنایه در زبان ایتالوی Replica و در زبان لاتین Replcare باشد و معنای این کلمه ها بازگوینده و تداعی کننده است. در کنایه نویسنده ضمن انگشت گذاری و تحلیل واقعه، به شکل طنزی ، نقش اشخاص را هم به شکل منفی و یا مثبت تبارز میدهد.(۹۳) در سراج الاخبار تاکنون دو نوشته، به شکل کنایه، جلب توجه نموده است که نخستین آن زیر عنوان "دزدی و رهزنی " به نشر رسیده و دومین هم زیر عنوان عمومی "مقاله مخصوصه" نشر شده است.

نوشته اولی زیر عنوان "دزدی و رهزنی " بدینقرار شروع میشود: " از چندیست که دزدی و رهزنی درشهر و نواحی آن یکرواج فوق العاده گرفته است. روایتها و حوادثهای (حوادث درست باشد.آ.) فاجعه ناک مختلفی درین خصوصها به ما نمیرسد، نمیدانیم که این حوادثها تا چه درجه صحت و حقیقت داشته باشد. لاجرم بعد ازاین هر قدر معلوماتی که خود ما تحقیق کرده توانستیم خواهیم نگاشت."

پس از توضیحات بالایی سراج الاخبار بدون اشاره بدین موضوع و بدون آنکه ارتباط را قایم سازد، درست به تعقیب آن مطلبی را زیر عنوان " سراج الاخبار افغانیه میخواهد موذن شود" به نشر رسیده است. عنوان مذکور اشاره به حکایتی میباشد از یک موذن که در نزدیک قصر پادشاه در یک محله مصروف این وظیفه بود. در حکایت آمده است که روزی موذن از کوچهء خود میگذشت که دو نفر شقی و دزد در خانهء بیوه زنی داخل شده میخواستند اموال او را به تاراج برند و هم در حق وی " بی ستری ناموس " کنند. موذن به داخل خانه بیوه زن شد و به دزدان نصیحت و اندرز داد تا ازین اعمال بپرهیزنده . دزدان او را به قتل تهدید کردند وبناءً از آنجا دور شده و احوال حادثه را به اصطلاح به "تهانه دار "

(۹۳) ابراهیم عثمان و- ... ژانر های وسایل ارتباط همه گانی ... ص۲۴۶-۲۴۹.

محل رسانید. چون از موظفان تهانه هم نتیجه ء مطلوب حاصل نکرد ، دگر چاره یی ندید جز آنکه فوراً به مسجد برود و آذان بدهد. با شنیدن آذان نا به هنگام پادشاه فرمان داد که موذن را حاضر کنند. وقتی علت آذان را از وی پرسید قصه رابه پادشاه باز گفت. پادشاه فرمان داد که واقعه راتحقیق کنند و در نتیجه معلوم شد که سخنان موذن همه درست بود ، بناءً هم دزدان و هم همدستان آنان را به کیفر کردار شان رسانید و به موذن امر فرمود که هر وقدت به همچو حوادث مواجه شود از آذان خودداری نکند.

قبلاً گفته شد که نویسنده‌ء این کنایه بدون تأمین ارتباط توضیحات اولی و حکایت موذن مسأله را دنبال کرده است. اما وقتی حکایت موذن خوانده شود ارتباط مسأله خود به خود تأمین میگردد. اساساً افاده و ابراز کلام طنزی به همین شیوه به کیفیت آن می افزاید . نویسنده توضیحاتی ارائه میکند و به دنبال آن عنوانی را به شکل بالایی، یعنی "سراج الاخبار میخواهد موذن شود" ملاحظه میکنید که غالباً باعث تعجب خواننده میشود و حسّ کنجکاوی او رابر می انگیزد که در نتیجه مطلب ثانوی را دقیق میخواند و هدف کلی واقعه را میداند. به هر حال، در فهم و آگاهی مطلب بالایی کدام معضله وجود ندارد و به شکل گویا و روان همه چیز افاده شده است، بناءً حالا می پردازیم به تحلیل کنایه دومی که زیر عنوان " مقاله مخصوصه" به نشر رسده است.

این کنایه هم به شکل بالایی ، نخست راجع به یک واقعه توضیحاتی را ارائه میکند و بعداً پیرامون آن داستانی را باز میگوید. در حقیقت این شکل افاده به همان شکل شعری "مدعا مثل" قرابت دارد. به هر حال در توضیحات مقدماتی نویسنده مطالبی را پیرامون کلاه پیک دار بدین شرح ابراز میدارد:

تعدادی از مردم کشور خرده گیری کرده بودند که استعمال کلاه پیک دار ، تراشیدن بروت و ریش نادرست و ناجایز میباشد. سراج الاخبار ضمن ابراز مطالب مفصل درین موضوع نوشته است که بنیاد همه معتقدات به شمول دین

مقدس اسلام موقوف به نیت میباشد. هرگاه کلاه پیک دار را به سر کنیم و خود را پیرو نصارا بدانیم مأخوذ میباشیم ولی اگر چنان نباشد هیچ باکی ندارد. گذشته از آن کلاه پیک دار، مخصوصاً هنگام جنگ، مزایایی دارد که باید آنرا پوشید. و در اخیر میگوید که دیگر "وقت این چیز ها برای مسلمانان باقی نمانده و همین فروعات طلبی اسلام را از بسا چیز های اصلی محروم گذاشته است." (۹۴)

به دنبال توضیحات متذکره نویسنده داستانی را از زبان مونتیسکیو دانشمند و ادیب شهیر فرانسوی راجع به یک ایرانی در پاریس نقل میکند که در اینجا خلص و نتیجهء آنرا نقل میکنیم.

داستان ازین قرار بوده است که یک نفر ایرانی ملبس با کلاه و چپن ملی خود در پاریس زنده گی میکرد. مردم پاریس هر جا او را میدیدند باتعجب و تحیر خاص بر او می نگریستند، سوالها میکردند و اکثر با دیدن او میگفتند:

"اعتراف باید کرد: تام یک سیمای ایرانی و ...! " از شنیدن و دیدن چنین حالات ایرانی خسته شده و بلاخره تصمیم میگیرد که چپن و کلاه ملی را دور کرده و یکدست دریشی را با تمام ایجابات آن در بر کند. به مجرد عوض کردن لباس دیگر هیچکس متوجه او نشد. بناءً او فهمید که آن همه آوازه و هنگامه، صحبت و تبصره به آن "قلپاق بلند و آن ردای قبای ایرانی" او بود. اما در حالت بعدی اگر کسی او را به حیث ایرانی معرفی میکرد، هیچ کس باور نکرده و به تعجب میگفتند: "اوی! این آقا مگر ایرانیست .!! به راستی که این یک چیز خارق العاده میباشد! آقا یک انسانیست آیا یک انسان چه سان ایرانی میتواند شد."

وقتی چنین داستانها را میخوانیم به یاد گفتهء آن دانشمند بزرگوار میافتیم که میگفت: اگر آدمی به گوش و چشم و بینی باشد، میان ترق

---

(۹۴) سراج الاخبار، شماره ۱۶، سال دوم، ۱۸ ثور، ۱۲۹۲، ص۳، ستون دوم.

دیوار و آدمیت چه فرقست. کاش آن بزرگوار زنده می بود و میدید که تشخیص آدمیت را از اعضای طبیعی بدن گذشتانده و حتی به لباس قرین میدانستند و میدانند. درین زمینه محمود طرزی کلام و افاده های خود را نیکو افاده کرده است. نخست خرده گیری هموطنان خود را بر کلاه پیک دار و تراشیدن بروت و ریش تحلیل میکند و آنرا خرده گیری بیهوده و فرع ثابت میسازد و باز هم به شکل طنزی و عالی پیرامون آن داستانی را از شخصیت مهم فرانسوی راجع به نقش لباس حکایت میکند و در آن کوتاه بینی و خود خواهی تعدادی از انسانها را به باد انتقاد قرار میدهد.

واقعاً چنین کوتا نظری ها و خود خواهی ها و "چهره کردن انسان از روی لباس" هنوز هم در جوامع گونه گون انسانی از میان نرفته است. در این ارتباط ناگزیریم داستان فلکلوریک محلی (از کوهدامن و مخصوصاً میربچه کوت) کشور خود را هم در اینجا اضاف نمایم:

آورده اند که در محله یی مراسم ازدواج پسر، یکی از کلان شونده گان محل بر پا بود . در دهات قاعده بر آن بود که مردم ده اکثر بدون آنکه حتی کسی آنانرا دعوت بکند یا خیر، برای صرف نان و اشتراک در سرور و شادی هم دیه خود میرفتند. به هر حال یک تن از فقر زده های ده با لباس محقر و ژولیده در خانه صاحب ازدواج رفت. کسانیکه به دهن در ایستاده بودند با دیدن لباسهای محقرش به او اجازه ندادند داخل منزل شود. همین شخص به منزلش باز گشت و به هر تربیتی که ممکن بود لباس نو و مقبول به تن کرد و به ازدواج شتافت. این بار در بانان ازو استقبال کردند و سفره هموار گردید و غذای مکلف برایش چیده شد . به جای آنکه خود غذا صرف کند دهن استینهای پیراهن خود را در غوری و قاب و کاسه به غذا نزدیک میکرد و به تکرار میگفت :

"بخورید! نوش جان کنید!! و ...! " اطرافیان همه متعجب شدند چون احوال پرسیدند داستانرا باز گفت و از جایش برخاسته آن محل را ترک گفت. یقیناً با

ارائهء این داستان ، داستان مونتیسکو و توضیحات مقدماتی محمود طرزی چگونگی طنز واضح شده باشد.

فـلیتان:

فلیتان ژانر طنزیی را گویند که راجع به کردار زشت و نادرست اشخاص به اشکال گونه گون تحریر میبابد. هر گاه فلیتان در مسایل مربوط به زنده گی داخلی یک جامعه نوشته شود ،هدف آن انگشت گذاری به نواقص اشخاص و رفتار نادرست آنان میباشد. هر گاه یک جامعه در حال انکشاف و تحول باشد و مردم آن با احراز شیوه های پیشرفتهء زنده گی آرزوی انکشاف بیشتر و سریعتر جامعهء خود را داشته باشند ، اما تعدادی در برابر آن قرار گیرند ، درینصورت هم در برابر اشخاص مخالف میتوان فلیتان نوشت. در حالت اولی، آنانیکه قواعد اخلاقی را زیر پاکنند فلیتان در جهت اصلاح و بهبود اخلاق و کردار شان نوشته میشود. درینصورت نقش و روحیه فلیتان بیشتر سازنده گی داشته میباشد. در حالت دوم، چون شخص و یا اشخاص به صورت بنیادی ضد منافع جامعه قرار میگیرند ، بناءً در جهت محکوم کردن و ریشه کن ساختن چنین اشخاص و اندیشهء شان تحریر میشود.

هر گاه فلیتان در برابر دشمنان خارجی و ضد منافع ملی یک جامعه نوشته شود در آنصورت مانند پامفلیت روحیه خصمانه داشته میباشد و هدف آن نابود ساختن دشمن است. همچنان فلیتان را در برابر اشخاص دارای خصلتهای ضد انسانی به سویه بین المللی هم میتوان نوشت. در چنین یک حالت هم فلیتان خصلت آشتی ناپذیری داشته و آنرا دایماً حفظ میکند.(۹۵)

---

(۹۵) ابراهیم عثمان و... ژانر های وسایل ارتباط همه گانی ...ص ۲۵۰-۲۶۲ و خندهء سازنده (پامفلیت و فلیتان)، از دکتور اسد الله سعد الایف و کاظم آهنگ،کابل : اتحادیه ژورنالیستان افغانستان ، ۱۳۶۷.

فلیتان منتشر در سراج الاخبار از گونهء اولی آن باشد یعنی راجع به موضوع داخلی کشور میباشد. این فلیتان زیر عنوان عمومی "حوادث داخلیه" و عنوان دومی "تاریخچه جنگ رستخیز آهنگ" چنین به نشر رسیده است:

" اگر کدام فالبین یابه اصطلاح زنها روی طالع اخبار ما را باز میکرد و ما هم از مردمانی می بودیم که به فالها و فالبینها گوش مینهادیم مطلق طالع اخبار خود را "مریخی " میبافتیم. زیرا بنابر اقوال اساطیر ، خاصیت سیاره مریخ را خونریزی و آتش افروزی میگویند: اخبار بیچارهء ما مگر در روزیکه " قمر در مریخ" بود. عرصه پیرای عالم وجود گردیده است!!!...

"سال اول ما به حوادث خونریزیهای محاربهء طرابلس غرب. سال دوم و سوم ما به حوادث جنگ های بالقانها و سال چهارم ما به تمام ها به حوادث جنگ موجودهء رستخیز آن پر و املا گردید. حال سال پنجم اخبار ما شروع نمود: تا به بینیم که "مریخ" چه میکند! البته یا قیامت کبری یا قیامت صغری را بر پا خواهد کرد!

"از خواجه نصرالدین پرسیدند که قیامت کی میشود؟ گفت: آیا از قیامت کلان می پرسید یا قیامت خرد؟ گفتند: قیامت یک قیامت است. خرد و کلان آن کدام است؟ گفت: قیامت کلان آنوقت میشود که من بمیرم و قیامت خرد آنست که همه مردمان بمیرند.!...

"حالا ما منتظریم که به بینیم چه میشود! هیچ شبهه نخواهد بود که قیامت کبرای خواجه نصرالدین برخود اخبار ما برپاخواهد شد، زیرا میبینند، می شنود، حس میکند ولی چیزی گفته نمیتواند و دم فرو خورده ، خورده.آخر الامر مانند غازات متراکمهء ولکانها دماغش به یک انفجار و انفلاق مدهشی گرفتار می آید. و از هم پاره پاره.گردیده از دغدغه عالم هستی وامیرهد:

اگر نگوید" دیگ مزار را می برند!" و اگر بگوید" به مزارش می برند!" چه مشکل حال!

مرا دردیست اندر دل اگر گویم زبان سوزد
وگردم در کشم ترسم درون استخوان سوزد

"گفتنی های اخبار ما هم "افسانه سرمگسک" گردید! "کلم کلم ما ینفع-ش".
هزیان در هزیان! ژاژ در ژاژ ملعبه بالعنعنه! سفسطه فی الفلسفه! و الحاصل هیچ در هیچ !!"(۹۶)

بـــس کن ایدل چند داری ناله‌ء شبگیر را
بـــرده انـد از نـــاله هایت قوت تاثیـر را

فلیتان بالایی با تمام خصوصیتهای بدیعی، و لوله یی سازنده گی نوشته شده است این خصوصیتها را به شکل آتی میتوان برجسته ساخت.

۱- هدف عمده فلیتان اینست که بگوید، تحت سانسور ارباب امور دولت قرار گرفته و نمیتواند به صورت آزادانه دیده گیها ، شنیده گی ها و احساس خود را صریحاً ابراز دارد. اینگونه دم فروبستنها آخر الامر کار اخبار رابه جایی میکشاند که خود بمیرد، ولی طوریکه میبینیم اخبار به این صراحت نمیتوانست عقیده‌ء خود را بیان کند بناءً :

۲- میگوید که با وجود عدم اعتقاد به فالبینی و "روی طالع" اگر طالع اخبار خود را می دیدیم آنرا "مریخي" میيافتیم زیرا مانند سیاره‌ء مریخ خاصیت خونریزی و آتش افروزی را به خود گرفته است. با تذکر احوال سال اول تا چارم ، سال پنجم اخبار را محول میسازد به خصوصیت مریخی آن که آیا در نتیجه‌ء این امر کدام قیامت به سر آن خواهد آمد و خود پاسخ میدهد که قیامت "کبرای خواجه نصرالدین" بالای آن می آید یعنی خودش میمیرد.

(۹۶) سراج الاخبار ، شماره اول، سال بنجم ۴ سنبله، ۱۲۹۴ص ۷ ، ستون دوم.

۳- درین مرحله مصرع نخستین را با نوشته اش توأم میسازد که واقعاً به صورت جدی آوای قلب نویسنده را بیان میکند و اما فوری یک گریز شاعرانه می زند و میگوید که مطالب اخبار به مانند "افسانه سرمگسک" گردیده و همه هزیان و ژاژ و ملعبه و سفسطه و هیچ در هیچ است. با این گریز میخواهد مسوٴولیت را از دیگران دور ساخته و به عهده ٴ اخبار خود گذارد.

۴- بدینترتیب با جنگ و گریز ها، افسانه سازیها و خوش طبیعتیها در داخل الفاظ و عباره های طنزی هدف خود را بیان میکند.

۵-اصطلاحات "فالبین"، "روی طالع" ، "مریخی"، "قمر در مریخ"، "قیامت صغری"، "قیامت کبری"، "خواجه نصرالدین " ، "دیگ مزار را می برند!"، "افسانه سرمگسک"، "هزیان در هزیان"، " ژاژ در ژاژ"، "ملعبه بالعنعنه"، "سفسطه بالفلسفه " و "هیچ در هیچ" همه اصطلاحات سازنده و تحریک آفرین و ولوله یی میباشند که در هر حال چندین بار بر موثریت کلام و خاصتاً در چنین یک حالت می افزایند. به همین وتیره کاربرد دو مصرع هم از شیوه های موثر سازی کلام محسوب میشود.

کاربرد این اصطلاحات و ابیات کیفیت ادبی و تبلیغی اثر را بیشتر ساخته است. مختصر اینکه در فلیتان متذکره باید نقش اشخاصیکه سبب سانسور مطالب دلچسپ و اجتماعی میگردند، با تذکر نام و یا حد اقل پست و وظیفه شان ، بر ملا ساخته می شد. ولی یقیناً این امکان موجود نبود و با آنهم درین سرزمین دانایان میدانستند که کدام اشخاص چنین نقشی را به عهده داشتند و هم این اشخاص خود می فهمیدند که سخنان علامه محمود طرزی متوجه آنان بوده است. بناءً فلیتان هدفمند ، سازنده و تا حدی محکوم کننده تحریر یافته و مسلماً نقش خود راموثرانه به جا نموده است زیرا به تعقیب آن در حدود سه- سال دیگر سراج الاخبار زنده بود و تبلیغ میکرد، و حتی سخنان خود را فاش میگفت.

بحث ژانر های تحلیلی مخصوصاً مقاله و نگارش شاهد مدعای ما درین امر است.

پامفلیت:

پامفلین اثر تبلیغی - بدیعی میباشد که در آن با استفاده از عناصر طنزی یک واقعه زشت دارای ارزش اجتماعی را محکوم میکنند. در پامفلیت معمولاً اشخاص عادی مطرح بحث نمیباشد بلکه اشخاصی در نظر گرفته میشود که نمایده گان یک آیدیالوژی و یا یک دولت و یا یک سیستم میباشند. هدف پامفلیت محکوم کردن به سویه نابود ساختن بوده و برخورد پامفلیت نویس معمولاً روحیه مخاصمانه و آشتی ناپذیر دارد. (۹۷) حالا که شمه یی پیرامون تعریف و هدف پامفلیت اطلاع حاصل کردیم، میگذریم به معرفی کوتاه پامفلیت های سراج الاخبار یکی ازین پامفلیتها زیر عنوان عمومی "حوادث خارجیه" و عنوان دومی "افغان" (۹۸)، پامفلیت دیگری در سراج الاخبار زیر کلیشهء "حوادث خارجیه" و عنوانهای فرعی "جنگ و صلح" و فالبین" به نشر رسیده است. (۹۹)در آخرین بخش ژانر های طنزی و در آخرین قسمت این اثر اجازه بدهید که به عنوان حسن ختام یکی از ابتکاری ترین و یکی از عالیترین و انقلابی ترین نوشته های سراج الاخبار را به خدمتشما تقدیم نماییم. این نوشته همان پامفلیت معروف " حی علی الفلاح " میباشد که با نشر آن محمود طرزی استقلال افغانستان را یکجانبه اعلان نمود. این پامفلیت از بس شدید و جدی بود، در همان نخستین روز نشر خود سانسور

(۹۷) دوکتور اسد الله سعد لایف و محمد کاظم آهنگ، خندهء سازنده (پامفلیت فلیتان) کابل، اتحادیهء ژورنالستان افغانستان ، ۱۳۶۷ ،ص ۱۰۷-۱۲۲ و ژانر های وسایل ارتباط همه گانی ص ۲۶۲-۲۶۷.

(۹۸) سراج الاخبار ،شماره اول، سال چارم، ۱۴ سنبله ۱۲۹۳. ص۶، ستون دوم.

(۹۹) سراج الاخبار ، شماره اول ، سال هفتم ۱۳ اسد ۱۲۹۶.

شد. (۱۰۰) و نویسنده اش یعنی علامه محمود طرزی ، این دانشمند و ژورنالیست بی امان و پیکار جوی انقلابی قرن بیستم افغانستان به زور برچهء شحنه های امیر حبیب الله ، برای نخستین بار در تاریخ مطبوعات کشور ما به یک محاکمه شخصی مطبوعاتی کشانیده شده و ۲۴ هزار کابلی جریمهء نقدی را به امر شخص معین سلطنت یعنی سردار عنایت الله به خزانه دولت تحویل نمود. (۱۰۱) این پامفلیت از همان عنوان خود با طنز شروع میشود.

برای تحلیل دقیق و برای فهم عمیق آن نخست تمام پامفلیت را اقتباس مینماییم. طوریکه گفتیم پامفلیت زیرعنوان "حی علی الفلاح" بدین شکل شروع میشود:

نوا را تلختر میزن چو ذوق نغمه کم یابی!!
حدی را تیز تر میکن، چو محمل را گران بینی.

"آری! آری! هر آنقدر که میتوانی ، نوارا تلختر بزن! همانقدر که در حنجره ات بگنجد ، حدی را تیز تر بکن! زیرا وقت، مانند نفسهای آخرین بیمار در گذر است و محفل بیخر! تا بخواهی که آهنگ نغمهء "آسا" را " راست" کنی، سرود نوای "شام کلیانی" بیوقتی، تا به "اصفهان" و حجازت" می کشاند! چرا که ، منزل خیلی دراز است و محمل به درجه یی سنگین میرود ، که صدا های حدی ، باآواز های درا ها دمساز آمده ، شرق و غرب را در یک اهتزاز سامعه خراشی در آورده ! اما هزار افسوس، که اشتران بار بردار، محمل، یار غمگسار را، از کسالت و عطالت وا نمیرهاند ، و قدم از قدم بر نمندارد. بشنو! بشنو! که نوای هر نغمه را مقامیست و ذوق و آهنگ هر مقامی ، با وقت میعاد معین آن کامل و

(۱۰۰) پوهاند عبدالحی حبیبی، جنبش مشروطیت در افغانستان ...ص ۱۱۸.

(۱۰۱) این مطالب را مرحوم محمد صدیق طرزی ،برادر زاده محمود طرزی که ژرف در جریان واقعه بود به نویسنده این اثر گفته است.

تمام! وقت چون مساعد آمد ، از فرصت استفاده کرده ، مقام مخصوصش را نواختن لازم می آید ، که اگر مقام با وقت تمام نیاید ، ذوق آهنگ در نغمهء او تار، تار و مار میگردد!

صبح شد برخیز ساز راستی آسانواز!
شام حرمان در عقب باشد ، چو وقت از دست شد!

مبلغین اسلام، با بلاغهای حقیقت مقام نغمه ها میسراید ، حدیها میخواند ، آواز ها میدهد ، فریاد ها میکند "بیدار شوید" گفته ، فغانها بر میکشد . " هشیار گردید" نداها کرده ، منادیها میدواند ، اما که میشنود ؛ ! که میخواند ؛! که گوش می نهد ؛! چند نفر میفامد؟ چند شخص میداند؟ چند تن برمیخزد؟ کو؟ کجا؟ کی؟

آتشها افروخته میشود ، جهانرا آتش فرا میگیرد . کرهء زمین، شکل یک والکان مهیبی را کسب مینماید. انفجار های عظیمی به عمل میآید. سیلابهای مواد مذاب مانند اژدها های آتشین ، سهمگین، از هر طرف سیلان مینماید ، خشک ، تر ، خوب، بد هر آنچه در پیش رویش تصادف میکند ، پاک سوخته و محو کرده میرود ، از قعر بحر ، آتش فوران کرده ، به کرهء نسیمی تأثیر میکند. به عوض باران رحمت ، از لکه های ابر ژپلینها ، قطره های بومیه های غضب میریزد. بر که میریزد ؛ در کجا می افتد؟ بر آن نمرود ها ، فرعونها ، شدادها یی میریزد ، که به خداوندی بحر ها مدعی شده اند. شیپور کج و پیچ ادعای خداوندی بر را ، بر کمر آویختند. و در بیرق بر افراشتند . ملیونها بشریت را ، اسیر و عبید ساختند. چه استقلالها ، چه آزادیها ، چه حکومتها، را پایمال نموده اند! چه خانمها ، چه خاندانها را ، برباد کردند! هنوز هم خیالها دارند ، که چها کنند و چه تقسیمهای برادرانه و چه کاسه بخشیهای خویشاوندانه به کار برند!

الله الله! " ما در چه خیالیم و فلک در چه خیال "! فرعونی دعوی ربوبیت میکند. دماغ شکنی در خانهء خودش تربیه شده، به سر میرسد، و به یک عصا مانند سنگ بقه در قهر قلزمش غرق مینماید! نمرودی به دعوی الوهیت بر میخیزد ، پشهء پا شکسته یی به مغز خوردنش مامور میگردد! پرکار داران پرکاری ظهور میکند ، یک نوک پرکار خود را بر یک نقطه وحید غرب شمال گذاشته ، دیگر نوک آنرا بر هر هرطرف کرده دور داده ، در خریطهء عالم هیچ قطعه و نقطه را نه بینی که از اثر خون آلود نوک پرکار غدارانه اش خالی مانده باشد! بحر ها از منست ! برها از نشست ! در قطعه های پنجگانهء زمین اراضیهای واسعه از منست! ممالک فسیحه از منست! نفوسهای بی شمار سیاه، سرخ، زرد ، رنگارنگ از منست! طلاها ونقره های بی حساب شوخ و شنگ، از منست! در عالم وحید منم! بر نفوس بشر، جبار عنبد منم! ذولبطش الشدید منم! سد سدید منم! در های همه آبنا های علم را کلید منم! منم منم! دیگر نیست! همه هستیها ، در برابر هستیم باشد نیست!

دیدی که چطور شد؟ از اصل مرکزش، بلی! بلی! تام از اصل مرکزش، یک دینامیت کفید. همهء محیطش را به لرزه در آورد! آتش داد ، در داد ، سوختاند ، داهیه های عظمایی که عالم را انگشتری انگشت خود میدانستند ، عقلهای خود را گم کرده حیرت زده شدند. خزینه هاییکه گویا زمین از برداشتن آن به ستوه آمده بود ، و از کوه امداد میخواست، به درجه یی خالی گردید ، که تختهای زیرین صندوقهای آن پدیدار آمد! خرسهای سفید قطب شمالی، صورت شیر های برفی را گرفته، انجماد یافت. ناخنهایش در کفهایش فروریخت. آتشها ، دود ها ، بخار ها منجمدش ساخت! بلی بخت چون بر گردد ، آتش کار برف میکند! به ما و شما چه! به بلای ما! به درد ما! خدا از اینهم بدترش کند! ما غم خود را بخوریم، بحال خود بیندیشیم، هر نغمه یی که میسراییم، از خود

میسراییم! هر سازی که مینوازم، از خود مینوازیم! حادی حدای محمل خود شویم. اما نوارا تلختر زدن لازم! حدی را تیز کردن ضرور!
مراد از کلمه جمع " ما" مسلمانان است. مقصد از تلختر نوازی نوا، و تیز کردن حدی صاف صاف گفتن، پاک فهمانیدن است.
سراج الاخبار افغانیه، یک اخبار مسلمانیست، نه انگلیزیست، نه روسی، نه فرانسوی، نه اتلیانی، نه جرمنیست، نه اوستریایی، نه چینیست، نه ژاپانی! صرف مسلمانیست، در مسلمانی هم، محض افغانیست، هر چیزیکه میگوید، از مقامات علویت افغانیت می سراید، از نواهای شرافت ملیت می نوازد!
افغانیت که گفته شود، هیکل دلاوری و غیرت را، به نظر باید آورد، افغانیت که گفته شود، مجسمه دینداری و حمیت را در نظر باید تصور کرد. افغان، همان افغانیست، که در راه حفظ شرافت ملی خود، در راه آزادی و استقلال ملتی خود. در راه رهایی دادن ناموس وطنی خود، دایماً به ریختن خون خود، به فداکردن جان خود به هبا ساختن مال خود، در مقابل دشمنان دین و وطن خود، افتخار ها، مباهات ها نموده است. دره های خیبر و بولان، جنگلهای کوههای پیوار، کرم، کوژک، تپه های چاردهی، بیمارو (بی بی مهرو. آ.)، مرنجان، قلعه های بالاحصار، شیرپور، مرغاب، شغنان را به بینید، که هر یک شاهد عدلیست، که اگر خاکهای هر نقطهء آنها را تحلیل کنید، به جز خون نجس دشمن دین و وطن را، با خون مقدس فداییان و رهایی دهنده گان دین و وطن از دیگر چیزی ممزوج نخواهید یافت! افغان، همان افغانیست که به شرافت قومی، و حیثیت ملتی خود مینازد! برخود می بالد! اگر افغان را به غیر از افغان هر چیز دیگر بگویی، یعنی مکی، مدنی، حتی اگر ملایکه بگویی، هم گویا به خنجر زده اش خواهی بود.
خود این عاجز، در اثنای سیاحتهاییکه در عالم کرده ام، به هر سرزمینی که رسیده ام، و با یکی از افغانان هم ملت خود بر خورده ام، آن افغان را، به حیث افغانی و شرافت ملتی خود به شدت و عصبیت فوق العاده افغانیتش، متمسک دیده ام، حتی با یکی از علمای فاضل و فیلسوفی که اکثر عمر گرانمایهء خود

را به سیاحت و تحقیق و تدقیق احوال عالم و اطوار امم به سر آورده بود، در یک کشتی بخاری، در بحر سفید ملاقی و هم صحبت شده بودم، که آن ذات محترم، به من چنین فرمود:

"یقین دارم که شما ملت افغانیه، استعداد و قابلیت آنرا دارید که یکی از ملل معظمهء غالبهء دنیا بشوید."

چون پرسیدم که:

"آیا این را از چه استدلال فرموده اید؟"

به جواب فرمودند که:

"من در هیچ جاییکه با یک افغانی تصادف کرده پرسیده ام که: شما کیستید؟ به چنان یک وضع مفتخرانه، و شدت دلاورانه، دست بر سینه زده و "من افغانم!" گفته است، که مرا حیران ساخته است! لهذا یک ملتی که به ایندرجه به شرافت ملتی خود مفتخر، و بر غرور قومی خود متعصب باشد، ممکن است که یکی از اقوام جلیلهء عظیمهء دنیا شود."

حی علی الفلاح! ای ملت نجیبهء افغانیه! شرافت ملی، عظمت قومی را محافظه کنید! استقلال و حاکمیت دولتی خود را صیانت نمایید! افغان که به دیانت و دینداری، به شجاعت و بهادری، به غیرت و ناموس شعاری، در تمام دنیا مشهور و معروف شده باشد، آیا این را بر وجدان و ایمان و شرف و ناموس خود چه سان گوارا کرده میتواند، که نام حمایت و تابعیت دولت اجنبی غیر دین و غیر ملت بر او بوده باشد.

حاشا! حاشا! کلا! کلا! افغان به بسیار آسانی، وخوشگواری مرگ را قبول کرده میتواند، ولی هیچگاه، به هیچ صورت، قطعاً، قاطباً، کلمات متعفنهء معده به شور آورندهء تابعیت و حمایت را هضم کرده نمیتواند! معنای صاف و صریح تابیعت و حمایت این است. که یک دولتی، به دیگر دولتی بگوید که: "به

غیر از من، دیگری را نشناس! به غیر از من با دیگر دولتی حرف مزن! به غیر از من، به دیگر دولت نه سفیر بفرست، و نه سفیر قبول کن!"

معنای صاف و صریح استقلال تامه، و آزادی کامله نیز این است. که هر دولت. در همه چیز های که در بالا مذکور گردید، مستقل و آزاد باشد.

دنیا به یک حال باقی نمی ماند. بشریت، بر مدارج مختلفه سیر و دور میکند: طفل میباشد، شیر میخورد، جوان میشود، شیر گیر میگردد، به کمال میرسد، خود را کامل میکند.

ملت نجیبهء افغان، بینایی، دانایی، آگاهی حاصل کرده، به خیر و شر وبه نفع و ضرور خود پی برده، شرف آزادی قومی، حقوق، استقلال ملتی خود را به خوبی شناخته. تا به حال هر چه که بود بود. هر چه که شد شد! لکن بعد ازین، افغان آن افغان نیست، که از حقوق خود چشم پوشی بتواد." (۱۰۲)

قبل از آنکه به اقتباس کامل این پامفلیت در صفحات قبلی پرداخته شود، گفته شد که این پامفلیت از همان عنوان خود با طنز شروع میشود. عنوان پامفلیت" حی علی الفلاح" میباشد که اصلاً عربی است و میگوید: " بشتابید برای نجات خود" و در عین حال طوریکه ما مسلمانان میدانیم، اصطلاح بند پنجم آذان نماز های پنجگانه باشد. با در نظرداشت معنی و کاربرد اصطلاح فهم فوری آن، برای آنانیکه مسلمان نیستند و به خصلتهای ارکان دین اسلام آشنا نمیباشند، آنقدر آسان نیست، از جانبی هم اصطلاح حی علی الفلاح یا " بشتابید برای نجات تان" عام است. نویسنده میتواند آنرا در هر مورد به کاربرد، بناً تا زمانیکه در یک قرینهء خاص تحلیل ژرق از آن صورت نگیرد، مشکل است فهمید که معنای آن چیست. اما در هر حال این اصطلاح باید فهمیده

(۱۰۲) محمد کاظم آهنگ... په افغانستان کی د ژورنالیزم تاریخچه... ص ۸۳ - ۸۸ و مقالات محمود طرزی در سراج الاخبار ...ص ۳۷۳ - ۳۷۸.

میشد و معنی و کاربرد آن درک میگردید، زیرا به همین لحاظ ازان استفاده شده بود و چنانچه در آغاز این پامفلیت گفته شد ارباب امور و خاصتاً" سرکار انگلیس" از آن آگاهی حاصل کرده و به خنثی ساختن آن دست به کار شد.

همچنان بیتی که در آغاز پامفلیت به کاربرده شده است. در همین قرینهء خاص پر از طنز های عالی میباشد. بدین معنی که در مصرع اول آن نویسنده میگوید: وقتی ذوق برای نغمه کم باشد، نوا و آهنگ را تلختر بنواز تا با ذوق همآهنگ افتد و شنونده را بیدار کند و به او حالی سازد که عدم موجودیت ذوق سالم وی باعث نواختن آهنگ تلخ گردیده است. به همین سان در مصرع دوم گفته میشود که اگر: محمل گران گردد یعنی حرکت آن بطی شود حدی را تیز تر کن تا سرعت یابد. در این مصرع هدف از حدی آله یی باشد که ساربانان حین بطی شدن حرکت شتران محمل مینوازند و با شنیدن نغمهء حدی شتران باربردار (هر چند بار شان سنگین هم باشد) به سرعت راه می پیمایند. چنانچه در سرزمین عرب نزد ساربانان رسم بوده است که شتران باربر را چندین مرتبه از وزن عادی آنان زیاد تر بار میکردند و با نواختن نغمه حدی آنها را سرعت میدادند.

در بیت مذکور" تلختر نواختن" " کم ذوقی برای شنیدن نغمه"، "تیز ترکردن حدی"، " محمل" و "گرانی محمل" در همین قرینه همه معنا های طنزی خود را دارند. در اینجا هدف از " محمل" دستگاه حاکمه دولت افغانستان میباشد که با عطالت و گرانی همراه بود، وبرای آنکه ازین عطالت بیرون شود حدی نواخته باید میشد. همچنان همین محمل و یا دربار ذوق شنیدن کلامی را نداشت که دران به صورت ساده از باز یافتن استقلال کشور و طرد استعمار بحث بعمل می آمد. بناءً چنین کلام باید به تلخی و شدت خود بیان میگردید تا سبب بیداری وایقاظ محافل حاکم می شد.

در متن پامفلیت به تکرار میگوید که هر قدر میتوانی نوارا تلختر بزن و حدی را تیز تر بکن، زیرا وقت در گذر است، " محفل بی خبر". درین عباره هم " محفل"

مراد همان محافل حاکم و مخصوصاً در بار میباشد. بعداً میگوید که تا نغمه " آسا" را " راست" کنی سرود نوای " شام کلیانی بی وقتی" به." اصفهان" و "حجازت" می کشاند.

در عبارت مذکور سریا نغمهء "آسا" مسلماً نغمه ییست از " راگنیهای" شش راگ هندی. این راگها عبارت اند از: (۱) بهیرون (۲) مالکوس (۳) هندول (۴) سری راگ (۵) میگه راگ (۶) دیپک و سر (آواز یا الحان) های هندی جمله هفت باشد. شامل (۱) کهرج (که آنرا سر نیز گویند) (۲) رکهب (۳) کندهار (۴) مدهم (۵) پنجم (۶) دهیود (به کسر اول) و (۷) نکهبا (به کسر اول) و " س، ر، گ، م، پ، د ، ن" اشاره به این سر ها میباشد...

همچنان " راست" یکی از دوازده مقام خراسانی میباشد که هر مقام آن مطابق به یکی از برج های فلکی به میان آورده شده است مقامهای مذکور عبارت اند از: (۱) رهاوی (۲) حسینی (۳) راست (۴) حجاز (۵) بزرگ(۶) کوچک (۷) عراق (۸) صفاهان (اصفهان) (۹) نوا (۱۰) عشاق (۱۱) زنگله و (۱۲) بوسلیک. هر مقام دو شعبه دارد (یکی از پستی و دوم از بلندی آن) سروده میشود. (۱۰۴)

با در نظرگیری نغمه های هندی و خراسانی و کیفیت و وقت سرودن هر نوا و مقام حالا می پردازیم به تحلیل این نغمه ها و اصطلاحاتی که در متن پامفلیت مخصوصاً در همین پاراگراف نخستین آن به کار برده شده است.

وقتی میگوید: "تا نغمه آسا" را به اصطلاح سرکنیم و دوم تا "آسا" را با "راست" برابر و موافق سازیم در هر دو حالت وقت به کار است اگر این وقت را دریابیم خوب در غیر آن نغمه با وقت مساعد یا موافق نمی افتد و بناءً "سرود شام کلیانی بیوقتی" (۱۰۵)

---

(۱۰۳) غیاث الغات، مطبعه نوشکول، لکنهو، ص ۶۷۹ - ۶۸۰.

(۱۰۴) همان ص ۶۷۷ – ۶۷۹.

(۱۰۵) کلیان از راگنیهای راگ دیپک میباشد: غیاث اللغات ص ۶۷۹ – ۶۸۰.

تـا بـه "اصـفهان" و "حجـازت" مـی کشـاند. همچـنان دوری مـنزل و سـنگینی محمـل صـداهای حدی را بـا آواز هـای "دراها" (۱۰۶) دمساز و موافق ساخته که در اثر آن در غـرب و شرق تشـنج و بحـران ایجـاد شـده است. باوجود اینچنین یک حالـت اشتران، بار بردار محمل یعنی آنانیکه مسوٴولان امور بوده اند بطائت را از دست نمی دادنـد و سـبب نجـات یـاران غـمخـوار خویش از سستی و عطالت نمی گردیدند.

در پاراگراف بعـدی مطالـبی نوشـته شـده که قبلاً آنرا تحلیل نمودیم اما بیتی کـه در اخـیر ایـن پراگراف آمـده قابل توضیح و تحلیل میباشد. در بیت میگوید: صبح شد، بنـاءً برخیـز وسـاز راستـی آسـا بنواز، زیرا اگر وقت از دست رفت شام حرمان به دنبال آن نصیبت خواهد شد.

هدف ایـن اسـت کـه نغمـهء آسـا معمـولاً هـنگام بعـد از نـیم شـب و صبح صادق نواختـه میشـود و دریـن بیـت میگوید که چون صبح شده است یعنی وقت نواختن آسـا فـرا رسـیده است بنـاءً برخیز و ایـن نغمـه را بنواز، زیرا اگر وقت را از دست دادی بـه شام حرمان مواجه میشوی، در پاراگراف دیگر از بلاغهای مبلغان اسلام حکایـت میکـند و ایـن مسـأله را بـا عـباره آراییهای خیلی مـوزون و مناسب بیان مـیدارد. در اخیر همیـن پاراگراف با عباره های سوالی ندایی مطالب را خیلی با روح و کیفیـت ادا میکـند چـنانچه مـیگوید: " کـه میشـنود؟! کـه مـیخواند!؟ کـه گـوش مـی نهـد!؟ چـند نفـر مـیفامد؟ چـند شـخص مـیداند؟! چند تن بر میخیزد؟! کو؟ کجا؟ کی؟"

در پارگـراف بعـدی افروختـن آتشـها، سـیلابهای مـواد مـذاب شـدهء آتشـین، فوران آتش از قعر بحر و باریدن قطره های "بومبه" (۱۰۷)

---

(۱۰۶) آواز دراها به معنای آواز زنگها و ناقوس ها باشد.

(۱۰۷) یعنی بمب یابم.

را خیلی زیبا ترسیم میکند و میگوید که این بلا ها همه بران " نمرود ها ، فرعونها و شداد ها" طاری میشود که به خداوندی و مالکیت بحر ها ادعا دارند و حتی به این هم اکتفا نکرده ادعای مالکیت برها را مینمایند و ملیونها انسانرا اسیر خود ساخته اند. درین عباره ها نمرود و فرعون و شداد اشاره به نیروهایی است که خود را خداوندان قسمتهای مختلف کرهء زمین می شناختند ومردم آنها را استعمار و استثمار مینمودند و با خاطر آسوده به " تقسیمهای برادرانه" سرزمینها و "کاسه بخشیهای خویشاوندانه" می پرداختند.

در پاراگراف دیگر فرعونی که دعوی ربوبیت میکند باز هم همان استعمار وقت مطرح بحث است و "دماغ شکنی" که در خانه خودش پیدا میشود اشاره است به حضرت موسی (ع) که به قرار داستان مربوط وقتی فرعون دعوت او را نمی پذیرد عصای خود را در وسط دریای قلزم قرار داد که آب آن متوقف و دو نیم شد. در همین وقت که فرعون با أهل وبیت خود از آن حصه عبور میکند عصا دور ساخته میشود و آب جریان می یابد و آنانرا پاک از بین می برد. همچنین نمرود که دعوی خدایی می نمود به امر خداوند پشه یی به خوردن مغزش مامور گردید و او را از پا در آورد. به تعقیب این داستانها به" پر کار دارانی" اشاره شده که در یک نقطهء شمال غرب اروپا یک نوک پرکار خود را میگذارد و نوک دیگر آنرا روی کرهء زمین چرخ میدهد و هر نقطه یی از نقاط زمین را که میخواست در دایرهء ملکیت خود احاطه میکرد، این پرکار دار مسلماً انگلیس بود که با استفاده از ناتوانی و عقب مانی مردم جهان بدون کدام مشکل سرزمینهای کرهء زمین را یکی پیهم غصب می نمود و میگفت." بحر ها از منست! برها از منست! در قطعه های پنجگانهء زمین، اراضیهای واسعه از منست! ممالک فسیحه از منست! نفوسهای بی شمار سیاه، سرخ، زرد، رنگارنگ از منست!

طلاها و نقره های بی حساب شوخ و شنگ، از منست! در عالم وحید منم! بر نفوس بشر جبار عنید من! زورالبطش شدید منم! (*)

سد سدید منم! در های همه آبنا های عالم را کلید منم! منم منم! دیگرنیست. همه هستیها، در برابر هستیم باشد نیست."

طوریکه دیده شد عیناً مانند فرعون و نمرود از عین وجود این نیروی استعماری یعنی از قاره و سرزمین خودش انقلابی به عمل آمد که همه را سوختاند. ازین گفته هدف نویسندهء پامفلیت همانا جنگ اول جهانی بود که از اروپا نشأت کرد و در گام اول همان نیروهای بزرگ را به آتش کشانید. نویسنده ادامه میدهد و میگوید خوب شد که آنان به چنان سرنوشتی مبتلا شدند. بهتر است که ما غم خود را بخوریم و " حادی حدی محمل خود شویم." ولی برای این کار" نوار تلختر زدن لازم! حدی را تیز کردن ضرور!".

هدف نویسنده از کلمهء ما تمام جهان اسلام بوده است و توضیح نموده که سراج الاخبار افغانیه از هیچ نیرو و کشور دیگر نبود مگر از مسلمانان و مخصوصاً افغانها، پس هر چه میگفته از" علویت افغانیه " بود و هر چه می سرود از شرافت ملیت خودش بوده است. نویسندهء پامفلیت، سپس، راجع به افغانیت و خصلتهای ارزشمند آن مطالب گستره عرضه مینماید که در متن موجود است. همچنان درین زمینه داستانی را از بر خورد خود با دانشمندی باز میگوید که در انهم از استعداد و قابلیت و شجاعت افغانها تعریف شده است و بناءً یک بار دیگر میگوید:" حی علی الفلاح! ای ملت نجیبهء افغانیه! شرافت ملی، عظمت قومی را محافظه کنید! استقلال و حاکمیت دولتی خود را صیانت نمایید و... آیا این را بر وجدان و ایمان و شرف و ناموس خود چه سان گوارا کرده میتواند که نام حمایت و تابعیت دولت اجنبی غیر دین و غیر ملت بر

(*) شدید.

او بوده باشد." به همین ترتیب در عباره های بعدی معنای تابعیت را توضیح میکند و هم به تعقیب آن معنای استقلال را شرح مینماید و تا جاییکه میگوید:" ... تا به حال هر چه که بود بود. هر چه که شد شد! لکن بعد ازین، افغان آن افغان نیست، که از حقوق خود چشم پوشی بتواند."

قرار بود پامفلیت مذکور ادامه یابد ولی به خاطر آنکه سانسور شد. بخش دوم آن هم نشر نگردید. با وجود آنکه بخش دوم و احیاناً سوم، این پامفلیت در سراج الاخبار ظاهر نشد، هدف نویسنده در همین بخش اول به وضاحت گفته آمده است و به همین علت بود که ارباب امور و نماینده گان انگلیس به هدف آن پی بردند و آنرا متوقف ساختند و نویسنده اخبار را به جزاء محکوم نمودند.

از مطالعه و تحلیل پامفلیت"حی علی الفلاح" به نتایج آتی میتوان دست یافت:

۱_ پامفلیت "حی علی الفلاح" نه به شکل عادی طنزی تحریر یافته است و نه به اشکال افسانه سازی، کاربرد افسانه، کاربرد گفته های معروف و استعمال ضرب المثل و دیگر اشکال آن. (۱۰۸)

۲_ پس در نوشتن این پامفلیت شکل تازه و منحصر به فردی، مبتنی بر تحلیل مقامهای موسیقی خراسانی و راگهای هندی، به کار برده شده است. در نتیجهء تحلیل این مقامها و راگها نویسنده میگوید که " نوای هر نغمه را مقامیست، و ذوق و آهنگ هر مقامی، با وقت میعاد معین آن کامل و تمام! وقت چون مساعد آمد، از فرصت استفاده کرده، مقام مخصوصش را نواختن لازم می آید. که اگر مقام با وقت تمام نیاید، ذوق آهنگ در نغمه او تار، تار و مار میگردد!"

---

(۱۰۸) برای اطلاع مزید درین زمینه رجوع شود به: ابراهیم عشمان ... ژانر های وسایل ارتباط همه گانی ... ص ۲۶۲_۲۶۷.

با بیان مطلب به گونهء بالایی در حقیقت نویسنده به مقامات مربوط دولت افغانستان هوشدار داده بود که هماندم وقت آن بود تا به پاخیزند و در برابر استعمار انگلیس که جهانرا اشغال و اسیر کرده بود قد علم نمایند، زیرا وقت مساعد بوده است و نویسنده هوشدار داده بود که راست کردن نغمهء آسا به آن عطالت و کسالتی که ارباب امور می خواستند، سرنوشت کشور در اثر فرارسیدن نغمهء "شام کلیانی بیوقتی" به اصفهان و حجاز کشانیده میشود. به عبارت دیگر چون وقت مساعد بود باید حرکت میشد. زیرا در غیر آن دست بازیها و مداخله های ناگهانی ازدیاد می یافت و آنگاه دیگر وقت از دست میرفت.

این گفتهء نویسندهء پامفلیت در همان لحظه هم راست وصادق بود و در آینده هم به عین معضله هایی بر خوردیم که نویسنده آنرا پیش بینی کرده بود.

یعنی به مجرد اطلاع یافتن از چنین اعلامی، حکومت استعماری انگلیس بر امیر و اطرفیانش فشار آورد تا از یکسو پامفلیت را سانسور کنند وبه جای آن مطالب دیگر را به نشر رسانند، از جانب دیگر نگارندهء اخبار را به جزایی محکوم نمود که در آنوقت خیلی طاقت فرسا بود. همچنان در اثر نشر این پامفلیت اعتبار شخصیتی مانند علامه محمود طرزی بزرگ نزد حکومت وقت تا حدی سقوط کرد و بعد از آن کارهایش به نظر شک و تردید ارزیابی و بررسی می شد.

۳_ محمود طرزی در نوشتن این پامفلیت طنز های ناب حاوی نیشخند و زهر خند را هم از کلام دیگران و هم از عباره پردازیهای خودش به کار برده است. "نوارا تلختر نواختن" "کم ذوقی برای نغمه"، "تیز کردن حدی"، "گرانی محمل"، "بی خبری محفل"، "نغمه"، "تیز کردن حدی"، گرانی محمل،" "بی خبری محفل"،

"نغمهء آسا"، "نغمهء راست"، "نوای شام کلیانی بیوقتی "، "کشانیدن به حجاز و اصفهان"، "اشتران بار بردار"، "تقسیمهای برادرانه"، "خداوند بحر ها و برها"، "نمرود ها"، "فرعون ها"، "شدادها" ، "کاسه بخشیهای خویشاوندانه"، "دعوای ربوبیت فرعون"، "پدید آمدن دماغ شکنی در خانهء فرعون _ که حضرت موسی بود"، "دعوی الوهیت نمرود"، "پر کار داران پرکاری"، "خرسهای سفید قطب شمالی"، "شیر های برفی"، همه از جملهء این عباره های طنزی میباشند.

۴_ عباره آراییهیای این پامفلیت از نظر ادبی آنقدر جالب وموثر میباشد که هر انسان را ولو به عبارت طرزی کم ذوق ترین هم باشد هیجانی میسازد، ملاحظه بفرمایید:

"آری! آری!"، "همانقدر که در حنجره ات بگنجد"، "وقت مانند نفسهای آخرین بیمار در گذر است"، "بشنو! بشنو!": و مبلغین اسلام،با بلاغهای حقیقت مقام نغمه ها میسر اید. حدیها میخواند. آواز ها میدهد. فریاد ها میکند"بیدار شوید" گفته، فغانها بر میکشد" هشیار گردید" ندا ها کرده منادیها میدواند. اما که میشنود ؟! که میخواند ؟! که گوش می نهد ؟! چند نفر میفامد ؟! چند شخص میداند ؟! چند تن بر میخزد ؟! کو؟کجا؟ کی؟ "بخت چون بر گردد، آتش کار برف میکند." و دهها عباره وفقرهء دیگر در نوشته موجود است که بر زیبائی ادبی آن دلالت میکند.

در متن پامفلیت استشهاد کردن به قصه یی از تجارب زنده گی خود مبنی بر شجاعت، حمیت، عقل، دانایی و فراست افغانها که اگر از یک طرف به مقصد تاثیر گذاری بر ملت افغان به کار برده شده، از جانب دیگر نوشته را خیلی دراماتیک ساخته است. در همین قصه کار برد دیالوگ کیفیت ادبی و ولوله انگیزی آنرابیش از پیش می افزاید.

۵ـ از خواندن و تحلیل این پامفلیت میتوان به احاطه و قدرت علمی علامهٔ محمود طرزی پی برد، زیرا در نوشته اصطلاحات گونه گون مربوط به علوم و دانشهای عصر برای زیبایی کلام به کار رفته است مختصر اینکه این پامفلیت از هرنگاه از غنا های لفظی، معنوی و علمی، بر خوردار بوده و نوشتهٔ منحصر به فردی میباشد. نویسندهٔ آن شور و هلهله یی را که از نوشتن و نشر آن آرزو داشت بر آورده ساخت_ روحش شادباد!.

نتیجه

کمال خرسندی و مسرت است که اینک با تکمیل کار متن اثر، پیرامون معرفی و تحلیل ژانر های مطبوعاتی سراج الاخبار افغانیه، کلماتی چند را به عنوان نتیجه و خاتمهء آن خدمت خواننده گان گرانقدر تقدیم میکنم.

آهنگ ما در بررسی ژرق علمی ژانر های مطبوعاتی سراج الاخبار محتاطانه اما مصمم و جدی آغاز شد و با قاطعیت به پایان رسید. آنگاه که نغمهء این آهنگ را سر میدادم، بدین اندیشه بودم که، نخست، آیا ممکن خواهد بود چکیده های علمی و ژورنالستی علامه محمود طرزی با تیوریهای کنونی پدیده های مطبوعاتی سازگار افتد.

دوم، آیا این حقیر عاجز میتواند از عهدهء تحلیل ژرق علمی اثر هایی از خامهء چنان شخصیت بزرگ جهان دانش موفقانه بدر آید؟ خوشبختانه توفیق با من یار شد و تشویق دوستان مددگار. چون آغازش کردم به انجامش رسانیدم.

نمی خواهم واپسین کلمه های خود را با کلمه های آغازین و میانین مزین گردانم، بلکه آنچه در آغاز و در متن آمده در همانجا خواندنش بهتر و در اینجا می پردازم به اینکه در ته بحربیکران اندیشه های طرزی بزرگ کدام مروارید ها رامیتوان جستجو کرد تا در رشته نفیس و محکم تحقیق کشیده شود. محمود طرزی ۳۲ اثر ناب علمی، پر بار و ژورنالستی از خود به یادگار مانده است. (۱۰۹) یکی از آنها سراج الاخبار افغانیه میباشد. به مقصد رفع تشویش دانش پژوهان و اندیشمندان، که چرا اخباریرا هم از اثر های او

(۱۰۹) مقالات محمود طرزی، مقالات... ص ۸۳۷ - ۸۵۹.

بشماریم، باید گفت که او خود به تنهایی اکثر کار های این اخبار را انجام میداد و یا رهنمایی میکرد.

چنانچه نوشته است." این یک را نیز به طریق اعتذار، نه غرور و افتخار، عرض حضور اولو الابصار کرده میگویم که مدت یک سال است که قلم" محمود طرزی" همه امور تحریریه این نامهء رامی را، از تصویر، سر مقاله ها، واجمال سیاسی ها، وترجمهء حوادثهای (حوادث درست است. آ.) عالم را از اخبار ها و مقالات تدافعیه وطنیه و مقاله های مخصوصهء مضامین غریبه و مقالات علمیه وفنیه و تألیفات بدیعه و ترجمهء بعضی سیاحات و امور عسکریه و صحیه و ترجمهء ثروت ملل و فاجعهء های پاریس(داستان دنباله دار.) و تألیف ناموران زنان جهان... جمله را در عهده گرفته، بی یارو معاون. تنها به نوک، چون پیکان آهن خارقه، وظیفهء سر محرری را ابراز نموده است در عین زمان وظیفهء مدیریت خود را نیز عاجزانه اداره نموده است، که امور یک اخبار شانزده صفحه یی را تنها یک قلم به جا آوردن از کار های آسانی شمرده نمیشود." (۱۱۰) بنابران با وجود کار مرحوم داوی و دیگران اگر سراج الاخبار را اثر محمود طرزی بگوییم به مورد خواهد بود. سراج الاخبار افغانیه درکنار دیگر اثر های او، به تنهایی به اصطلاح گنجینه علم و دانش است. درین اثر تقریباً تمام ژانر های مطبوعاتی را میتوان پیدا کرد و هم در سراج الاخبار نغز ترین اثر های بدیعی و علمی پیدا میشود. بنابران، به مقصد کمک ویاری به دانش پژوهان و محققان پیشنهاد میگردد که نخست از همه کار های ژرفتر پژوهشی پیرامون صنفهای جداگانه ژانر های مطبوعاتی مانند ژانر های اطلاعی،ژانر های تحلیلی و ژانر های تبلیغی- بدیعی نه تنها ممکن است بلکه ضرور است. دوم، دانشمندان جهان ژورنالیزم میتوانند راجع به به صحافت وصفحه بستی سراج الاخبار

(۱۱۰) سراج الاخبار، شماره ۲۴، سال اول، ۲۱ سنبله، ۱۲۹۱، ص ۵، ستون اول.

افغانیه تحقیق نمایند و جناحهای مثبت و عالی کار این اخبار را برای نیازمندان توضیح، تحلیل و معرفی کنند. سوم، چاپ عکسها و تصاویر برای نخستین بار در مطبوعات افغانستان در سراج الاخبار پدید آمده است. تحقیق و مطالعه علمی درین امر هم کار خوبی خواهد بود. چارم، معرفی و تحلیل کاریکاتور ها و کارتونهای منتشر در سراج الاخبار موضوع دیگریست که مسلماً مورد علاقه و دلچسپی هموطنان وژورنالستان ما خواهد بود. پنجم، تحقیق روی اثر های پر باری چون داستان، رمان و شعر (به صورت مجموعی و روی هر کدام به صورت جداگانه) هم از موضوعاتی میباشد که علاقه مندان میتوانند پیرامون آن تحقیق و مطالعه نمایند و اثر های گرانبهایی را به وجود آورند. ششم، در سراج الاخبار مقاله های علمی به منظور معرفی علوم متداول عصر کثیراً به نشر رسیده است. راجع به ارزش واهمیت این کار سراج الاخبار هم تحقیق ژوف علمی به کار است. هفتم، با تمام آنکه توجه مانرا به متن این اخبار معطوف میسازیم نه باید نویسنده گان و قلم به دستانی را فراموش کنیم که چکیده های فکری شان به اشکال گونه گون زیب صفحات این اخبار شده است. هشتم، تاثیرات تبلیغی- تنویری سراج الاخبار به عنوان یک موضوع قابل تحلیل از نظر جامعه شناسی، جداً قابل بررسی و تحقیق میباشد. نهم. کارعلمی - تحقیقی راجع به نشریه های معاصر سراج الاخبار در کشور های همسایه هم ضرور پنداشته میشود. دهم، سراج الاخبار به حیث ایجاد گر روحیه نوین نویسنده گی هم از مسایلی است که میتوان بالای آن به صورت دقیق و علمی کار کرد. یازدهم، سراج الاخبار و زبان پشتو از موضوعات خیلی جالب تحقیق به شمار میرود. دوازدهم، ایجاد و نشر صفحات اختصاصی در سراج الاخبار هم از کار های دقیق ژورنالستی به حساب می آید. سیزدهم، ادب شناسان کشور ما زیر عنوان" سبک ادبی" سراج الاخبار و محمود طرزی (در نظم و نثر) میتوانند تحقیق علمی نمایند و اثر های ارزشمندی به وجود آورند. چاردهم، همچنان

دانشمندان جهان ژور نالیزم میتوانند اثری را زیر عنوان "سبک ژورنالستی سراج الاخبار" و محمود طرزی بنویسند. بالاخره دست اندر کاران جهان سیاست و حقوق" پیکار های محمود طرزی را در راه تأمین استقلال افغانستان" می توانند سر مشق نظر و عمل خود قرار دهند. این موضوع در ارتباط به مقاله های نشر شده در سراج الاخبار و سایر اثر های محمود طرزی قابل تحقیق و بررسی میباشد. یقین دارم مطالب جالب دیگری هم پیدا خواهد شد که با پیدا شدن اثر های نا پیدا و مطالب نهفته در آنها میشود پیرامون آن تحقیق علمی به علم آید و اثر های ارزنده و مفید بیشتری نوشته شود.

فهرست مآخذ

۱- آهنگ، محمد کاظم. ((آغاز و انکشاف مطبعه در افغانستان)). آریانا (مجله). شماره های . ۲۹۱،۲۹، ۲۹۳،۲۹۲، سال ۱۳۴۹، و. ۱۳۵۰.

۲- آهنگ، محمد کاظم. سیر ژرزنالیزم در افغانستان، جلد اول، کابل: انجمن تاریخ و ادب، وزارت اطلاعات و کلتور ۱۳۴۹.

۳- آهنگ، محمد کاظم. په افغانستان کی دژورنالیزم تاریخچه، (ترجمه به پشتو: حبیب الله رفیع) کابل: د تاریختولنه خپرونه، داطلاعاتو اوکلتور وزارت، ۱۳۵۶.

۴- آهنگ، محمد کاظم. مقالهء تحقیقی درباره سراج الاخبار قراات در کنفرانس علمی پوهنتون کابل. سال ۱۳۶۴.

۵- آهنگ، محمد کاظم . ((راپور تاژ)) بلوتن ژورنالست، کابل: اتحادیهء ژورنالستان افغانستان، شماره هشتم، نهم و دهم، سال ۱۳۶۷.

۶- آهنگ، محمد کاظم ژانرهای وسایل ارتباط همه گانی. (ترجمه از متن انگلیس چاپ المان دموکراتیک وقت) کابل: پوهنتون کابل ۱۳۶۳.

۷- آهنگ، محمد کاظم نگارش (ترجمه از متن انگلیس . چاپ المان دموکراتیک وقت)، کابل: پوهنتون کابل، ۱۳۶۳.

۸- آهنگ، محمد کاظم ، ژانرهای طنزی در جریدهء وطن. کابل: پوهنتون کابل، ۱۳۶۴.

۹- آهنگ. محمد کاظم. فهرست اصطلاحات مطبوعات، چاپ و نشر (ترجمه از متن انگلیس. چاپ المان د موکراتیک وقت) کابل: پوهنتون کابل ۱۳۶۳.

۱۰- انحور، زرین . د افغانستان د ژورنالیزم مخکشان، کابل: کمیته دولتی طبع و نشر ۱۳۶۵.

۱۱- بندوبست دولتی و جواب و سوال سلطنتی، کابل: مطبعه دار السلطنت.

۱۲- پاکت پل (pocket pal) (رساله‌ء هنر گرافیک برای چاپ گران و مسوولان اعلانات)، چاپ نهم، نیویارک: ۱۹۶۶ (در زبان انگلیس).

۱۳- حبیب، دکتور اسد الله. ((نگاهی به ادبیات معاصر دری در افغانستان)) د افغانستان کالنی. کابل: وزارت اطلاعات و کلتور ۱۳۵۸-۵۹.

۱۴- حبیبی، پوهاند عبدالحی . جنبش مشروطت در افغانستان، کابل: کمیته دولتی طبع و نشر ۱۳۶۳.

۱۵- حبیبی، عبدالحی، ((تاریخچه بیداری سیاسی در افغانستان)) آزاد افغانستان (هفته نامه، منتشر در پشاور) شماره‌ء سوم، سال اول ۱۵ جدی ۱۳۳ و شماره‌ء چهارم، ۲۲ جدی ۱۳۳.

۱۶- حبیبی، پوهاند عبدالحی. نسب و زادگاه سید جمال الدین افغانی. کابل: موسه طبع کتب بیهقی، وزارت طلاعات و کلتور ۱۳۵۵.

۱۷- چارسکی، لونا . در باره‌ء ادبیات (ترجمه به دری ع . ن) کابل: کمیته‌ء دولتی طبع و نشر ۱۳۶۳.

۱۸- دایرة المعارف افغانستان . ((ادبیات افغانستان از قدیمترین دوره ها تا ظهور اسلام)) کابل: آریانا دایرة المارف.

۱۹- ژالف، هرالد. اساسهای ژورنالیزم، کابل: ریاست مستقل مطبوعات ۱۳۳۹.

۲۰- ژوبل، محمد حیدر. نگاهی به ادبیات معاصر در افغانستان. کابل: ریاست مستقل مطبوعات ۱۳۳۷.

۲۱- سراج الاخبار :

شـــماره‌ء اول، ســـال اول، ۱۶ میزان .. ۱۲۹
شماره‌ء سوم، سال اول، ۱۴ عقرب . .۱۲۹
شماره‌ء چهارم، سال اول، ۳۰ عقرب . .۱۲۹
شماره‌ء پنجم، سال اول، ۱۴ قوس . .۱۲۹
شماره‌ء هشتم، سال اول ، .۲ جدی . .۱۲۹
شماره‌ء ۱۳ ، سال اول ، ۱۵ حمل . ۱۲۹۱
شماره‌ء ۱۶ ، ســال اول ، ۲۸ ثور .۱۲۹۱
شماره‌ء ۲۳ ، ســال اول ، ۵ سنبله ۱۲۹۱
شماره‌ء ۲۴ ، سال اول ، ۲۱ سنبله ۱۲۹۱

۲۲- سراج الاخبار:

شماره‌ء اول، ســـال دوم، ۴ میزان. ۱۲۹۱
شـــماره‌ء دوم، ســال دوم، .۲ میزان.۱۲۹۱
شماره‌ء چارم ، سال دوم، ۱۹ عقرب. ۱۲۹۱
شـــماره‌ء پنجم ، سال دوم، ۳ قوس. ۱۲۹۱
شماره‌ء هشتم، سال دوم، ۱۹ جدی. ۱۲۹۱
شـــماره‌ء ۱۴ ، سال دوم، ۱۹ حمل. ۱۲۹۲
شـماره‌ء – ۱۶ ، سال دوم، ۱۸ ثور. ۱۲۹۲
شماره‌ء – ۱۷ ، ســال دوم، اول جوزاء ۱۲۹۲
شماره‌ء ۲۴ ، سـال دوم، ۱۱ ســنبله. ۱۲۹۲

۲۳- سراج الاخبار:

شـــماره‌ء اول، سال سوم، ۲۵ سنبله. ۱۲۹۲
شماره‌ء چارم، سال سوم، ۱۹ عقرب. ۱۲۹۲
شـــماره‌ء هفتم، سال سوم، ۲۲ قوس. ۱۲۹۲

شـــمارهء – ۱۱ ، ســـــال ســـوم، ۲۲دلو. ۱۲۹۲

۲۴- سراج الاخبار:

شـــمارهء اول، ســال چارم، ۱۴ سنبله. ۱۲۹۳

شمـارهء پنجم، سال چارم، ۱۲ عقرب. ۱۲۹۳

شمارهء ششم ، سال چارم، ۲۴ عقرب. ۱۲۹۳

شـمارهء نهم، ســـال چارم، ۱۱ جدی. ۱۲۹۳

شمارهء ۲۳ ، سال چـارم، پنجم اسد. ۱۲۹۳

۲۵- سراج الاخبار: شمارهء اول، سال پنجم، ۴ سنبله.۱۲۹۴

شمارهء پنجم ، سال پنجم ، اول عقرب، ۱۲۹۴

شمارهء هفتم ، سال پنجم ، .۳ عقرب، ۱۲۹۴

شمارهء نهم ، سال پنجم ، اول جدی، ۱۲۹۴

شمارهء ۱۳ ، سال پنجم ، ۱۶ حوت. ۱۲۹۴

۲۶- سراج الاخبار: شمارهء پنجم ، سال ششم ، ۲۱ میزان. ۱۲۹۵

شمارهء هفتم ، سال ششم ، .۲ عقرب.۱۲۹۵

شمارهء دهم ، سال ششم ، ۶ قوس. ۱۲۹۵

شمارهء ۱۴ ، سال ششم ، پنجم حوت. ۱۲۹۵

شمارهء ۱۶ ، سال ششم ، ۵ حمل. ۱۲۹۶

۲۷- سراج الاخبار: شمارهء اول، سال هفتم ، ۱۳ اسد. ۱۲۹۶

شمارهء دوم ، سال هفتم ، ۹ دلو. ۱۲۹۶

شمارهء هشتم ، سال هفتم ، ۹ قوس. ۱۲۹۶

شمارهء نهم ، سال هفتم ، ۲۴ قوس. ۱۲۹۶

شمارهء ۱۲ ، سال هفتم ، ۹ دلو. ۱۲۹۶

شمارهء ۱۳ ، سال هفتم ، ۲۴ دلو. ۱۲۹۶

شمارهء ۲۳ ، سال هفتم ، ۱۹ سرطان. ۱۲۹۶

۲۸- سراج الاخبار: شمارهء اول ، سال هشتم ، ۱۵ میزان ۱۲۹۷

شمارهء چارم ، سال هشتم، ۲۸ عقرب. ۱۲۹۷

۲۹- سعد الایف، اسد الله و آهنگ، محمد کاظم . خنده‌ء سازنده - پامفلیت و فلیتان. کابل: اتحادیه‌ء ژورنالستان افغانستان ، ۱۳۶۷.
۳۰- سعد الایف، اسد الله و آهنگ، محمد کاظم. اوچرک - حماسه‌ء واقعی قهرمان، کابل: اتحادیه ژورنالستان افغانستان، ۱۳۶۵.
۳۱- شمس النهار، شماره‌ء دهم ، سال اول، .۱۲۹ هـ ق.
۳۲- طرزی، محمود ، مقالات در سراج الاخبار (تدوین از دوکتور روان فرهادی)، کابل: موسسه‌ء طبع کتب بیهقی ، وزارت اطلاعات وکلتور، ۱۳۵۵.
۳۳- عثمان، ابراهیم. و جنیش، محمد داود. اساسات روزنامه نگاری، کابل: پوهنتون کابل، ۱۳۶۱.
۳۴- عثمان، ابراهیم. ارگانهای نشراتی ح . د . خ . ا. قبل از پیروزی انقلاب ثور. کابل: پوهنتون کابل، ۱۳۶۳.
۳۵- عثمان، ابراهیم و آهنگ، محمد کاظم ورشید، عنایت . ژانرهای وسایل ارتباط همه گانی . کابل: پوهنتون کابل . ۱۳۶.
۳۶- غبار، میر غلام محمد ، افغانستان در مسیر تاریخ، کابل: موسسه چاپ کتب بیهقی، وزارت اطلاعات و کلتور ۱۳۴۶.
۳۷- غیاث اللغات، لکنهو: مطبعه نوشکول، تاریخ نا معلوم، هندوستان.
۳۸- مارکس، کارل وانگلز، فریدریک، کلیات، جلد اول، مسکو: اتحاد شوروی وقت (به زبان روس) تاریخ نا معلوم.
۳۹- هشکوتس، سلوای. قواعد عملی خبرنگاری (ترجمه به دری محمد کاظم آهنگ)، کابل: د باختر آژانس، ۱۳۴۵.





اثرهای چاپ شدهٔ پوهاند محمد کاظم آهنگ

اثر های علمی – تحقیقی

۱– سیر ژورنالزم در افغانستان. جلد اول، ۱۳۴۹
۲– سیر ژورنالزم در افغانستان، چاپ دوم، ۱۳۷۸
۳– په افغانستان کیگ د ژورنالزم تاریخچه (از پوهاند آهنگ و ترجمه به پشتو حبیب الله رفیع)، ۱۳۵۶
۴– ژانر های وسایل ارتباط همه گانی، ۱۳۶۰ (مشترک).
۵– مطبوعاتو ته یوه کتنه، ۱۳۵۱ (مشترک).
۶– اوچرک (حماسهء واقعی قهرمان) ۱۳۶۵ (مشترک).
۷– خندهٔ سازنده – پامفلیت و فلیتان، ۱۳۶۷ (مشترک).
۸– تعریف و تحلیل ژانر های مطبوعاتی در سراج الاخبار افغانیه (تحت چاپ).
۹– ژانر های طنزی در جریدهء وطن، ۱۳۶۸.
۱۰– اساسهای نگارش – مقاله، سرمقاله، تبصره، نامهٔ وارده و تقریظ، ۱۳۷۷.
۱۱– آزادی مطبوعات و نخستین سانسور های مطبوعاتی در افغانستان، ۱۳۷۷.
۱۲– تاریخ مختصر وسایل اطلاعات جمعی در افغانستان، ۱۳۸۰.

ترجمه ها:

۱۳– وسایل ارتباط همه گانی اتحاد شوروی، ۱۳۶۲.
۱۴– قواعد عملی خبرنگاری، ۱۳۴۵.
۱۵– تاریخ مطبوعات طبقه کارگر در کشور های سرمایه داری، ۱۳۶۵.
۱۶– وسایل ارتباط همه گانی و گیرنده گان، ۱۳۶۳.
۱۷– نگارش، ۱۳۶۳.
۱۸– ژانرهای وسایل ارتباط همه گانی، ۱۳۶۳.
۱۹– تنظیم یک مصاحبه به حیث وسیلهء به دست آوردن اطلاع، ۱۳۶۳.
۲۰– فهرست اصطلاحات مطبوعات، چاپ و نشر، ۱۳۶۳.

• مختصر سوانح پوهاند محمد کاظم آهنگ



محمد کاظم آهنگ پسر مرحوم عبد القیوم در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی در دامان یک خانواده، نیمه نظامی و نیمه کشاورزی در قریه، شیخان ولسوالی میر بچه کوت پا به عرصه وجود گذاشت.

تعلیمات مقدم بر مکتب را در دامان پدر و محیط مسجد مبارک قریه فرا گرفت و تعلیمات ابتدائی را در مکتب میربچه کوت به سر رسانید.

در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی برای انجام تعلیمات عالی تر رهسپار کابل شد و در دار المعلمین مرکز شامل گردید.

در فرایند تحصیلات عالی در ۱۳۳۴ به پوهنځی ادبیات و علوم بشری شامل شد. در همین پوهنځی بود که دانش های عالی ادبی و علوم اجتماعی را از حضرت مرحوم پوهاند ملک الشعرا عبد الحق بیتاب، مرحوم پوهاند صدیق الله رشتین، مرحوم پاینده محمد زهیر محترم پوهاند علی محمد زهما، محترم پوهاند میر امان الدین انصاری و دیگران آموخت.

این دانشسرای عالی به وی یاری رسانید که جسته جسته به نویسنده گی و تحقیق بپردازد. با آگاهیهای ابتدائی و اساسی در زمینه نویسنده گی، هنگام فراغت از دانشکده، پر فیض ادبیات در سال ۱۳۳۸ در روزنامه، اصلاح به کار عملی آغاز نمود. تحصیلات دوره، ماستری را در سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۵ در مشیگان ستیت یونیورستی MSU بدست آورد و موفقانه به وطن باز گشت و در همان روزنامه تاریخی و وزین اصلاح به حیث معاون موسسه عز تقرر حاصل کرد.

محمد کاظم آهنگ در سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۵ به وظایف گونه گون در وزارت اطلاعات و کلتور ایفای وظیفه نمود. وظایف مذکور عبارت بود از:

مدیریت تدقیق و روزنامه نگاری در اصلاح، معاونیت روزنامه، مدیریت مجله، افغانستان به زبان انگلیسی، ریاست آژانس اطلاعاتی باختر، مدیریت عمومی افغان اعلانات، ریاست ارتباط عامه و غیره.

در سال ۱۳۵۷ وی بحیث مدیر مسوول و رئیس موسسه نشراتی کابل تایمز مقرر گردید. در سال ۱۳۵۸ مجددا بحیث استاد در دیپارتمنت ژورنالیزم پوهنځی زبان و ادبیات مقرر شد. وی قبلا در سال ۱۳۵۶ هم در دیپارتمنت مذکور بحیث استاد ایفای وظیفه مینمود.

از سال ۱۳۵۸ بدینسو پیوسته به همان وظیفه استادی در پوهنتون کابل مسوول اداره، تدریس و تعلیم بوده است و از پانزده سال بدینسو (به جز دوره، حکومت طالبان که از تمام وظایف بر طرف گردیده بود) بحیث رئیس پوهنځی ژورنالیزم ایفای خدمت کرده است.

محمد کاظم آهنگ پس از احراز مقامهای علمی پوهنملی، پوهندویی و پوهنوالی بالاخره در ۲۵ حوت ۱۳۷۴ به احراز مقام پوهاندی نایل آمد و در پروسه رتب دولتی به رتبه مافوق ترفیع نمود.

آهنگ به ایالات متحده، امریکا، اتحاد شوروی، هند، عراق، فرانسه، کیوبا، زمبابوی و سویس مسافرتهای علمی نموده است. وی در یکتعداد کنفرانس های بین المللی وملی وسیمینارها اشتراک نموده است ونوشته های خود را عرضه کرده است.

پوهاند آهنگ زبانهای دری، پشتو و انگلیسی را به سویه یی میداند که در هر کدام تالیف ها دارد. تا کنون در حدود بیست کتاب و رساله را تالیف یا ترجمه کرده و به نشر رسانیده است. تعداد مقاله های علمی تحقیقی او به بی... صد عنوان میرسد. مقاله های ژورنالیستی او در فارسی، دری و انگلیسی به صدها بالغ میگردد. وی افتخار... اکادمی علوم افغانستان و اتحادیه ژورنلستان افغانستان دارد و بالاخره عضویت کمیسیون مستقل خاص ل... اضطراری را از جدی ۱۳۸۰ تا جوزای ۱۳۸۱ و متعاقبانه عضویت انتسابی این لویه جرگه را در جوزای ۸۱... کرد. پوهاند محمد کاظم آهنگ پنج پسر و سه دختر تحصیل کرده و تعلیم یافته به جامعه تقدیم نموده است.